

شرح مختصر

أسماء الله الحسنى

(بهترین نام های الله - (جل جلاله)

استاد دكتور عبدالستار سيرت

طبع اول

فبروری ۲۰۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الخالق، الباری، المصور، له الاسماء الحسنی یُسَبِّحُ له ما فی السموات والارض و هو العزیز  
الحکیم، والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمین، سیدنا و حبیبنا محمد و علی آله الطیبین  
الطاهرین و اصحابه الکرام المیامین و اتباعه باحسان الی یوم الدین.

---

از مظاهر رحمت بی پایان پروردگار جهان ها بیان بهترین نام های الله (عزوجل) به منظور هدایت  
بندگان به سوی شناسائی الله (جل جلاله) و ایمان به او تعالی و ایجاد پیوند راسخ میان بنده و خالق او  
است، این بهترین و زیبا ترین و نیکو ترین نامها در تحت عنوان (الاسماء الحسنی - ویا - أسماء الله  
الحسنی) در قرآن کریم و سنت مبارک نبوی - صلی الله علیه و سلم - ذکر شده شناسائی و اعتقاد و  
تفکر در معانی این نامها بخش مهمی از ارکان ایمان و عقیده مؤمن را تشکیل میدهد.

الله (عزوجل) آسانترین و بهترین طریق حمد و ستایش خود را به بندگان خود تعلیم داده و فرموده  
است: (الحمد لله رب العالمین - همه ستایش خاص برای الله است، پروردگار عالم ها) این کلمات  
قدسی از کلام رب العالمین تا چه حد مؤجز، معجز، خفیف و لطیف که نطق آن آسان و زبان مؤمن را  
پاک می نماید و به آن لذت و حلاوت می بخشد و قلب مؤمن را روشن و آرام می سازد، در عین  
حال این کلمات بکدام پیمانه با اعجاز و حاوی عظمت و مقام الوهیت (الله - عزوجل -) و پهنای  
ربوبیت رب العالمین است، در همین ایجاز و اعجاز الهی اسم اعظم پروردگار (الله) ذکر شده و (رب  
العالمین) بیان ربوبیت پروردگار با ذکر اسم (رب) اولین نام پروردگار جهان ها است که به سمع بنی  
آدم رسیده و نسل آدم در عالم ارواح به آن آشنایی یافته است، رب العالمین در آیه کریمه "۱۷۲  
سوره اعراف میفرماید: "وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا  
بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ . (بیاد آور ای پیغمبر - صلی الله علیه و سلم -)

هنگامیکه پروردگارت از پُشت های فرزندان آدم ذریه (فرزندان) آنها را بر گرفت (پدید آورد) و ایشانرا بر خود شان گواه ساخت (و فرمود: آیا من (رَب) پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بلی، گواهی میدهیم) که تو پروردگار ما هستی، این گواهی در عالم حقیقت و یا ارواح بخاطر آن بود تا مبادا) در روز قیامت بگوئید که ما واقعا "ازین امر (پیمان و گواهی توحید) غافل بودیم"

در اولین وحی الهی و نخستین پیام نبوت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...) کلمه مبارک (رَب) دو بار ذکر شده و با اضافت آن به (کاف) خطاب پروردگار مهربان مخاطب محبوب خود محمد مصطفی - علیه الصلاه والسلام - را مورد نوازش و محبت الهی قرار میدهد، و چون (ربوبیت) رَبِّ العالمین تربیه و نوازش، خلقت و انعام، اکرام و احسان و سائر مظاهر رحمت و عطای پروردگار را احتوا می کند، ذکر آن قبل از اسم مبارک و اعظم (الله) وارد شده و (الوهیت) یعنی معبودیت برحق الله و عظمت و قدرت و کبریائی او تعالی در نتیجه ربوبیت و نیز در اثر ایمان بذات معبود برحق (الله عزوجل) بنده را که با فطرت ایمان خلق شده است در حالت عقل و ادراک و رُشد به عبادت (الله - جلّ جلاله) و امیدارد و بنده احساس می کند که به (رَبِّ العالمین و الله عزوجل) ایمان راسخ دارد، و رسیدن به چنین مرتبه ایمان از طریق معرفت و آشنائی به مفهوم نام های مبارک (رَب - و - الله) میسر میگردد. نام ها و صفات جلال و جمال و کمال پروردگار (عزوجل) که تجلّی معانی آن خطاب و نیاز بنده را به مقام پروردگارش آسان و روشن می سازد، بنده از نور معرفت اسماء و صفات الله (جلّ جلاله)، خالق و رازق و پروردگار خود را می شناسد، و به هر آنچه که پروردگارش از وی خواسته است معرفت حاصل می نماید. نام های الله - تبارک و تعالی - به عنوان (أَسْمَاءُ اللَّهِ الْحُسْنَى - الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى - نیکو ترین نام ها) یاد شده کلمه (أَسْمَاء) جمع (اسم) است و اسم همان لفظی است که بر مُسمّی و یا به معنی و مفهومی دلالت می کند و کلمه (الْحُسْنَى) مؤنث (الاحسن) بمعنی بهترین یا نیکو ترین است، زیبایی و نیکو بودن اسماء و یا عدم آن بسته به حُسن معانی و جمال مفاهیم آن و یا به عدم حسن و جمال معانی و مدلولات اسماء می باشد، اسمای خوب و بد به اساس حُسن و قبح معانی آن وجود دارد، اما به ارتباط نام های مبارک (الله) از آنجا که نام ها و صفات او تعالی حاوی معانی و صفات جمال و کمال مطلق رب العالمین است و آثار آن در کائنات پروردگار آشکارا دیده می شود، طبیعت و خلقت بدیع و زیبا دلیل کمال و جمال صفات آفریدگار مُبدع است، بناء "در مورد اسماء و صفات (الله - عزوجل) بجز وصف (احسن و حُسنی - زیباترین و نیکوترین) وصف دیگری وارد شده نمیتواند.

## الأسماء الحسنى در قرآن کریم:

عنوان (الأسماء الحسنى) به وصف نام ها و صفات (الله - عزوجل) در چهار سورة قرآن کریم به این شرح ذکر شده است:

۱- (سورة اعراف - آیه ۱۸۰) وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - و خاص برای الله - عزوجل - نیکوترین نام ها است، پس (هنگام ندا و تضرع و دعا) او تعالی را به همان نام ها یاد کنید، و کسانی را که در نام های او (جل جلاله) انحراف و تحریف می کنند ترک بگوئید، بزودی آنها بجزای اعمال شان خواهند رسید.

ازین آیه مبارکه چند مطلب قابل درک است:

الف - بهترین و زیباترین و نیکوترین نام ها مخصوص الله - عزوجل - می باشد.

ب - نام های الله بهترین معانی و نیکو ترین مفاهیم را احتوا می کند.

ج - بنده در حالت حمد و ستایش و یا راز و نیاز می تواند بهر یک یا چند نام از اسمای حسنی پروردگار خود را یاد کند.

د - کسانی که در نام های خداوند تحریف و یا از صدق و حق انحراف نموده اند چنانکه مشرکین نام های خدایان باطل و بُت هایشانرا از نام های مبارک الله با تحریف و انحراف مشتق نموده اند و نام های (لات و عُزى و منات را از الله و عزیز و منان) گرفته بودند، اینچنین کجروان و منحرفین از توجه بندگان مؤمن بدور رانده شوند و به جزای اعمال شان رسیدنی هستند.

۲- (سورة اِسرَاء - آیه ۱۱۰) قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ. بگو (ای پیغمبر - صلی الله علیه وسلم!) الله را بخواید یا رحمان را، (هر دو مخصوص ذات پاک الله است) بهر کدام او تعالی را بخوانید و بخواید (مانعی ندارد) و او (جل جلاله) دارای نام های نیکو و بهترین نام ها است. دعا به پیشگاه پروردگار و یاد الله به ذکر یک یا چند نام از اسماء حسنی صورت گرفته می تواند. در میان اسمای حسنی نام (الله - و - رحمان) که در آیه مبارکه مقارن یکدیگر ذکر شده است خصوصیت خاص دارد؛

(الله اسم علم ذات اقدس متعال معبود بحق و مختص بذات الله است و لفظ (الله) از نظر قواعد صرف عربی تشبیه و جمع ندارد و همیشه مفرد و به جز الله به غیر الله تعلق نمی گیرد. و (رحمان) صیغه مبالغه در رحمت بمعنی رحمت بزرگ و اسم عام جمیع انواع رحمت و اسم مختص به الله سبحانه و تعالی است و تسمیه هیچ مخلوق به اسم (رحمان) جواز ندارد، و نیز رحمان لفظ مفرد و غیر قابل تشبیه و جمع است، سائر اسمای حسنی این خصوصیت را ندارند.

۳- (سوره طه آیه ۸) الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی - الله - نیست معبودی بحق بجز او (تعالی) خاص برای او است بهترین و نیکوترین نام ها، از آغاز این سوره مبارکه که آیه اول آن فقط همین دو حرف (طه - طها) از رموز اعجاز قرآن کریم است تا ختم آیه مبارکه هشتم که به (له الاسماء الحسنی) خاتمه میابد مطالب معجز به ارتباط قدسیت و مقام و اهداف نزول قرآن کریم و نیز عظمت و کمال قدرت مطلق خالق زمین و آسمان ها و مالک کائنات و دارنده بهترین نامها، الله (جلت عظمته) بیان شده است، آیه مبارکه شماره (۸) توحید الله عزوجل - را با وصف یگانه معبود بحق و دارای نیکوترین نام ها ثابت می سازد.

اعجاز لفظی و روحی و قدسیت و عظمت مفاهیم کلمات و آیات این سوره مبارکه (مخصوصاً "هشت آیه اول آن) عمر فاروق - رضی الله عنه - را از دشمن ترین حالت بدوست ترین و بازوی نیرومند رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم) تبدیل نمود و در روزیکه عمر بن الخطاب رضی به قصد قتل پیامبر اکرم (ص) برآمده بود همین آیات معجز سوره (طه) قلب سنگ و تاریک عمر را نرم و روشن ساخت و عمر دشمن، عمر فاروق - رضی الله عنه، شد.

۴- (سوره حشر - آیه ۲۴ ختم سوره) هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ .

او الله است، خالق (اندازه گیرنده همه چیز بر وفق اراده و مشیت او تعالی) آفریدگار کائنات، صورتگر و نقش آفرین جهان، دارنده زیبا ترین و نیکو ترین نام ها، هر آنچه که در آسمان ها و زمین است تسبیح و تقدیس او تعالی را میگویند، و او (جلت قدرته) غالب مقتدر (در همه احوال) با حکمت و تدبیر (در همه امور) است.

تسبیح و تقدیس و به پاکی و عظمت یاد نمودن الله (تبارک و تعالی) در قرآن کریم با ذکر کلمه (اسم) الله و بدون ذکر آن وارد شده است.

چنانکه در همین آیه کریمه (۴) سوره حشر لفظ ( یَسْبَحْ له ) بدون ذکر اسم - ادای تسبیح و تعظیم او تعالی را افاده می کند، اما در آیه کریمه (فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ- الواقعة ۷۴ و ۹۶) خداوند بر پیامبر اکرم امر میفرماید که : تسبیح و تعظیم پروردگارت را که بزرگ است با ذکر نام او تعالی ادا نما - و در سوره (اعلی -۱) خداوند کریم بر پیغمبر (ص) امر میفرماید (سبح اسم ربك الأعلى) تسبیح و تقدیس نام پروردگارت را که اعلی و بزرگ است انجام بده.

بازنزل آیه (فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ) رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: آنرا در رکوع خود قرارداد دهید، و با نزول آیه (سبح اسم ربك الأعلى) فرمودند: آنرا در سجود خود قرار دهید، از همین رو اُمت محمدی - صلی الله علیه وسلم - هنگام رکوع در نماز (سبحان ربی العظیم) و در سجود نماز (سبحان ربی الأعلى) میگویند. در هر دو صورت کلمه (اسم) در تسبیحات رکوع و سجود ذکر نمی شود، و این میرساند که مراد از اسم در چنین موارد و معانی اسمای حسنی ذات مسمی است چنانکه (الله) هم اسم است و هم مسمی، بروایت امام بخاری (رح) از ابن عباس - رضی الله عنهما - در باره (وكان الله عزيزا "حکیم - و - غفورا" رحیم) پرسیده شد فرمود: او تعالی خود را به آن (نام ها) مسمی ساخت و او تعالی چنان هست، پس نامهای خداوند از جانب خداوند وضع شده و بما از طریق وحی جلی در قرآن کریم و وحی خفی در سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - رسیده است و اطلاق هیچ نام برای الله تعالی در خارج از آنچه که در قرآن و سنت ذکر شده است جواز ندارد، و این دلیل آنست که نام های الله و معانی الأسماء الحسنی قدیم است و توقیفی یعنی متوقف به ورود آن در نصوص قرآن کریم و سنت نبوی است، شناسائی و دانستن نام های الله بخشی از عقیده اسلامی و ضرورت ایمان به الله در هر سه شعبه ایمان (الوہیت و ربوبیت و ایمان به اسما و صفات الله) است. ذکر الله، عبادت الله و محبت الله و دُعا و تضرع بیارگاہ الله از طریق همین اسماء الله الحسنی صورت میگیرد و خطاب الله بکدام اسم خارج از اسمای مذکور در نصوص قرآن کریم و سنت نبوی (ص) ولو از لحاظ معنی مرادف یکی از اسمای حسنی باشد جواز ندارد مثلاً "ما می توانیم در دعا به پروردگار خود: یا کریم یا جواد! بگوئیم مگر نمیتوانیم بگوئیم: یا سخی، یا سخاوتمند!

## ترجمه معانی الأسماء الحسنی:

از آنجا که بهترین نام های الله کلمات قرآنی و الفاظ مربوط به وحی الهی است و دارای خصوصیت اعجاز و اشکال فنی لغوی خاص می باشد ترجمه کامل آن بزبان های غیر عربی ممکن نیست و اگر این کار ممکن می بود بلاغت و فصاحت و قدسیت و عظمت الفاظ قرآن و اعجاز لفظی و معنوی آن از بین میرفت. هرگاه خواسته باشیم (بسم الله الرحمن الرحيم) را که حاوی سه نام بزرگ الله است به فارسی ترجمه کنیم و بگوئیم (بنام خداوند بخشنده مهربان) این ترجمه، معنی کامل الفاظ و نظم کلمات (بسم الله الرحمن الرحيم) را افاده نمی کند - کلمه (خداوند) معادل (الله) شده نمیتواند و نیز (بخشاینده مهربان) مفهوم کامل (الرحمن الرحيم) را افاده نمی کند - در خصوصیت و اعجاز لفظ (الله و رحمان) قبلاً" در شرح مختصر (آیه ۱۱۰ - سورة اسراء - قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ) تذکر به عمل آمد اما (رحيم) با رحمان فرق دارد و رحيم هم به معنی راحم و صاحب رحمت دائمی و هم به معنی مرحوم (رحمت شده) و هم به معنی (رحم) یعنی قرابت وارد شده و قابلیت تشبیه و جمع را دارد و در حالیکه از نام های خداوند است اما تسمیه مخلوق هم بنام رحيم جواز دارد با فهم اینکه خداوند رحيم به معنی کامل و مطلق بوده و بنده به مفهوم محدود رحيم یا مرحوم یا دارای رحم یا قرابت شده می تواند ، اما نام های (الله و رحمان) طوریکه قبلاً" توضیح شده است بکلی فرق دارند و تسمیه هیچ مخلوق به این دو نام جواز ندارد و لفظ (الله و رحمان) هر کدام مفرد و غیر قابل تشبیه و جمع و هردو نام مخصوص الله (عزّ وجل) می باشد.

بناء" عبارت (بنام خداوند بخشاینده مهربان) ترجمه کامل (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) نبوده بل به خاطر ضرورت و تسهیل استفاده ناطقین بزبان های غیر عربی ترجمه برخی از اجزای معانی (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) و دیگر الفاظ قرآنی جواز دارد و عبارت (بنام خداوند بخشاینده مهربان) از همین قبیل است، پس ترجمه قرآن که اسماء الله الحسنی نیز از الفاظ قرآنی است عبارت از تعبیر برخی از معانی الفاظ قرآن در حدود درک و فهم مترجم است که بزبان دیگر افاده میشود و ترجمه به هیچ صورت قرآن گفته نمیشود و حتی اگر آن تعبیر معانی قرآن بزبان عربی به غیر الفاظ قرآن باشد آنهم قرآن نیست و اگر کسی یک ترجمه را قصداً" بحث قرآن بشناسد این خود نوعی از تحریف مفهوم قرآن است و قرآن در چنین موارد و عید بسیار شدید دارد.

## تحقیق تعداد و تحدید اَسْمَاءُ اللَّهِ الْحَسَنی (بهترین نام های الله)

طوریکه قبلاً ذکر شد اسمای نیکوی الله (عزّوجل) در نصوص قرآن کریم و احادیث صحیح رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - وارد شده و از آنجا که اکثر اسما صِبْغَةُ صفت الله (سبحانه و تعالی) را دارند و نیز از بیان مظاهر قدرت، فعل، خلقت و تقدیر الهی برخی اسما و صفات او تعالی متجلی میگردد و این مفاهیم در سرتاسر نصوص قرآن و سنت منتشر و شایع گردیده است از آنرو در تحدید نام ها و تعداد مجموعی آن نظریات علمی مختلف وجود دارد.

بروایت ابوهریره - رضی الله عنه - رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: (اِنَّ لِلّٰهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا ، مائةً اَلاً واحداً" ، من احصأها دخل الجنة) صحیح البخاری (۲۷۳۶). به تحقیق الله (عزّوجل) نود و نه نام دارد، یک کمتر از یکصد نام، هرکسی که به شمار و حفظ و تفکر در معانی آن پردازد داخل بهشت گردد.

در انجام این حدیث مبارک ترمذی و حاکم از طریق الولید بن مسلم از شعیب نود و نه اسم از اسماء الحسنی را ذکر نموده اند و این میرساند که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - بعد از بیان تعداد اسماء و رقم (۹۹) هریک آن نام ها را تحدید و تعیین نفرموده اند و چون نام ها در نصوص قرآن کریم و احادیث صحیح وجود دارد ترمذی و سائر علماء به جمع و تحدید اسماء هرکدام به اساس برداشت و استفاضه و استفاده خود از نصوص قرآن و سنت فهرستی از بهترین نام های الهی را ترتیب داده اند و به اینصورت از یکسو فهرست نام ها به نودونه منحصر نمانده و از جانب دیگر در اصل و الفاظ نامها نیز تفاوت دیده می شود.

اکثر دانشمندان و مفسرین در مورد هشتاد نام که در قرآن کریم به صورت مکرر و با وضاحت تمام وارد شده اند اتفاق کامل دارند و تفاوت در اشتقاق نام ها از الفاظ قرآن کریم و یا ورود آن در احادیث نبوی به عمل آمده است، برخی از علمای علوم قرآن در عدد (۹۹) نیز موافقت دارند اما در فهرست آن (۹۹) تفاوت در نام ها دیده می شود.



مثلاً" (رب العالمین) در یک جدول اسماء وجود دارد و در دیگری موجود نیست و یا در یک فهرست اسم (الملک) وارد شده و در فهرست دیگر (الملک- الملک- مالک یوم الدین) آمده است، در یک جدول نام های (قادر، مقتدر) ذکر شده اما (قدیر) ثبت نشده ولی در یک فهرست دیگر (قادر- مقتدر- وقدر) هر سه نام ذکر شده است، این دانشمندان با وجود تفاوت در ایراد نام ها در مجموع (۹۹) اتفاق دارند اما برخی از علما و از جمله (ابن العربی) تا (۱۷۶) نام و برخی از علمای معاصر تا (۲۹۰) نام از الفاظ قرآن کریم استخراج نموده اند. ازین مطالعه بر میآید که عدد (۹۹) برای تحدید و انحصار نبوده بل به منظور تشویق در حفظ و تفکر در مفاهیم آن ذکر شده است، و مراد حدیث چنین است که: اگر کسی از میان نام های زیاد الله تبارک و تعالی (۹۹) نام را حفظ کند داخل بهشت میگردد.

وسعت ساحۃ الأسماء الحسنی (نیکوترین نام های الله عز وجل) در دعای رفع غم و اندوه که بروایت امام احمد وصحیح ابن حبان عبدالله بن مسعود- رضی الله عنه- از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم- نقل نموده به وضاحت منعکس شده است:

متن دعای رفع غم و اندوه: اللهم انی عبدک، ابن عبدک، ابن امتک، ناصیتی بیدک، ما ض فی حکمک، عدل فی قضاؤک، أسألك بكل اسم هولک، سمیت به نفسک، او انزلته فی کتابک، او علمته احدا" من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک، ان تجعل القرآن العظیم ربیع قلبی، و نور صدری، و جلاء حزنی و ذهاب همی-

الهی: من بنده توام، فرزند بنده تو، فرزند کنیز تو، سرمن (زندگی و سرنوشت من) در دست قدرت تو است، فرمان تو در حق من قطعی و نافذ است، حکم و امر تو در حق من عدالت است، از تو مسئلت دارم، به (حرمت) هر نام تو که خود را به آن مسمی فرموده ای، یا آنرا در کتاب خود نازل کرده ای، یا آنرا به یکی از مخلوق خود تعلیم داده ای، یا آنرا در علم غیب نزد خود برگزیده ای (از تو میخواهم) که قرآن عظیم را بهار قلب من و نور سینۀ من و دوری غم و نابودی اندوه من بگردانی.

أسماء الله الحسنى (نام های نیکوی الله) درحالیکه از لحاظ تعداد ، محدود نمی باشد اما در تشخیص نامها ضوابط و قواعدی وجود دارد، و از جمله وجوب موصوف بودن (اسم الله) به صفت حسن و جمال و کمال است و هر اسمی که در مسمی صفت کمال و جلال و جمال را افاده نه نماید نام الله بوده نمیتواند و آیه کریمه (و الله الأسماء الحسنى) همین وصف و کمال را مخصوص نام های الله میداند و مفهوم حسن و کمال در نام های الله ذکر صفات کمال و اوصاف جلال و عظمت و حمد و ثنا و تعظیم الله است و مطابق آن الله (عزوجل) از همه چیز و همه مخلوق بی نیاز است و همه چیز و همه مخلوق نیاز مند او تعالی است.

از خصوصیت نام های نیکوی الله تعبیر بندگی و عبادت بندگان و اضافت کلمه (عبد) به نام های الله است مانند: عبدالله - عبدالرحمان - عبدالقیوم.... و این نوع تعبیر در غیر نام های نیکوی الله جواز ندارد مثلاً "درست نیست اگر گفته شود: عبدالقائم - عبدالقاضی، عبدالمهندس..... همچنان دعا و تضرع به بارگاه الله که بذکر اسمای الله وصفات کمال و جلال او تعالی صورت می گیرد ایجاب همین ضوابط و قواعد را می نماید. در ذکر نام های نیکوی الله از طریق اشتقاق از الفاظ قرآن کریم، علمای علوم قرآن این ضوابط را در نظر گرفته اند.

برخی از نام های الله - عزوجل - از طریق احادیث صحیح رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - داخل اسماء الله الحسنى گردیده و نام های: المنان - الدیان - الشافی - المحسن - المعطی - السبوح، ازان جمله می باشند، این اسماء به نظر بعضی از مفسرین از روی اشتقاق از الفاظ قرآن کریم نیز تثبیت شده می تواند.

شمار و شناخت و تفکر در مفاهیم اسماء الله الحسنى ایمان بنده را به پروردگارش قوی و راسخ میگرداند، بنده، خالق خود را می شناسد و ذکر و حفظ و فهم معانی اسما و صفات الله (جل جلاله) بنده مؤمن را به حمد و ستایش و تعظیم و تمجید و محبت پروردگارش وامیدارد و جلال و جمال و عظمت پروردگار در دل بنده مؤمن همواره ثابت و راسخ و پایدار میماند.

با این بیان مختصر از جمله چند جدول اسماء الله الحسنى دو فهرست نام های نیکوی الله - عزوجل - را انتخاب و در شرح مختصر (۹۹) نام از خلال همین دو جدول و بیشتر مطابق روایت ترمذی که از همه مشهورتر است، به توفیق الهی می پردازیم:

اسماء الله الحسنى

نيكوترين نام های الله

-جل جلاله-

## هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ  
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِيءُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ الرَّزَّاقُ  
الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمَعَزُّ الْمِيزُ السَّمِيعُ  
الْبَصِيرُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْغَفُورُ  
الشَّكُورُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْحَفِيفُ الْمُقِيتُ الْحَسِيبُ الْجَلِيلُ الْكَرِيمُ  
الرَّقِيبُ الْمُجِيبُ الْوَاسِعُ الْحَكِيمُ الْوَدُودُ الْمَجِيدُ الْبَاعِثُ الشَّهِيدُ الْحَقُّ  
الْوَكِيلُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ الْمُحْصِي الْمُبْدِيءُ الْمُعِيدُ الْمُخِي  
الْمُمِيتُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْوَاحِدُ الْمَاجِدُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ  
الْمُقَدِّمُ الْمُؤَخِّرُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْوَالِي الْمُتَعَالِي الْبَرُّ التَّوَّابُ  
الْمُنْتَقِمُ الْعَفُو الرَّءُوفُ مَالِكُ الْمُلْكِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الْمُقْسِطُ  
الْجَامِعُ الْغَنِيُّ الْمُغْنِي الْمَانِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّورُ الْهَادِي الْبَدِيعُ الْبَاقِي  
الْوَارِثُ الرَّشِيدُ الصَّبُورُ



## أسماء الله الحسنى

١- الله الذي لا إله إلا هو	٢- الرحمن	٣- الرحيم
٤- رب العالمين	٥- الملك	٦- مالك يوم الدين
٧- المليك	٨- القدوس	٩- السلام
١٠- المؤمن	١١- المهيمن	١٢- العزيز
١٣- الجبار	١٤- المتكبر	١٥- الخالق
١٦- الخلاق	١٧- الباري	١٨- الفاطر
١٩- المصور	٢٠- الغافر	٢١- الغفار
٢٢- الغفور	٢٣- القاهر	٢٤- القهار
٢٥- الوهاب	٢٦- الرزاق	٢٧- الفتاح
٢٨- العالم	٢٩- العليم	٣٠- العلام
٣١- السميع	٣٢- البصير	٣٣- الحكيم
٣٤- الحكم	٣٥- اللطيف	٣٦- الخبير
٣٧- الحليم	٣٨- العظيم	٣٩- الشاكر
٤٠- الشكور	٤١- العلي	٤٢- الأعلى
٤٣- المتعالي	٤٤- الكبير	٤٥- الحافظ
٤٦- الحفيظ	٤٧- المقيت	٤٨- الحسيب
٤٩- الكريم	٥٠- الأكرم	٥١- الرقيب
٥٢- القريب	٥٣- المجيب	٥٤- الواسع
٥٥- الودود	٥٦- المجيد	٥٧- الشهيد

٥٨- الحق	٥٩- المبين	٦٠- المحيط
٦١- الوكيل	٦٢- القوي	٦٣- المتين
٦٤- الولي	٦٥- المولى	٦٦- الحميد
٦٧- الحيي	٦٨- الحي	٦٩- القيوم
٧٠- الواحد	٧١- الأحد	٧٢- الصمد
٧٣- القدير	٧٤- القادر	٧٥- المقتدر
٧٦- الأول	٧٧- الآخر	٧٨- الظاهر
٧٩- الباطن	٨٠- البر	٨١- التواب
٨٢- العفو	٨٣- الرؤوف	٨٤- الغني
٨٥- النور	٨٦- الهادي	٨٧- بديع السموات والأرض
٨٨- النصير	٨٩- الوارث	٩٠- الصادق
٩١- الجامع	٩٢- الكافي	٩٣- المستعان
٩٤- المنان	٩٥- الديان	٩٦- الشافي

٩٧- المحسن

٩٨- المعطى

٩٩- السبوح

## هو الله الذي لا اله الا هو

الله (جل جلاله)

(۱)

بزرگترین و معروفترین و یگانه اسمی که الله تبارک و تعالی آنرا بذات اقدس خود تخصیص داده و اولین اسمی که سائر اسمای زیبای الله به همین اسم اعظم (الله) حیثیت صفت آنرا دارند، الله اسم علم ذات رب العالمین است، هیچ شک و اختلافی وجود ندارد که این اسم مبارک بجز ذات اقدس الهی کدام مسمای دیگر داشته باشد، الله مخصوص ذات الله است، شعار ایمان و کلید داخل شدن در دائرة توحید همین اسم اعظم (الله) است، در ذکر و دعای بنده به بارگاه پروردگار بلندترین مقام به همین اسم (الله) تعلق دارد، انتقال از کُفر به شرف اسلام از طریق (لا اله الا الله - و اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله) صورت میگیرد و هیچ اسم دیگر از اسمای نیکوی الله به عوض اسم (الله) در توحید و شهادت توحید مقام ذکر یافته نمیتواند چنانکه ممکن نیست بجای (لا اله الا الله - لا اله الا الرحمن) گفته شود، در حالیکه (الرحمن) نزدیکترین نام به (الله) است و بجز الله نام هیچ مخلوق بوده نمیتواند اما نسبت به (الله) حیثیت صفت خاص (الله) را دارد و تمام اسمای حسنی هم نام و هم صفت برای الله جل جلاله - است و الله یگانه اسم ذات واجب الوجود و رب العالمین است.

دروصف الله گفته میشود که: الله کریم است رحیم است و علیم است اما گفته نمیشود که: کریم الله است یا رحیم الله است - به جز (الله و رحمان) سائر اسمای حسنی به مخلوق الله نیز به معنای محدود اطلاق شده می تواند و خطاب کریم و رحیم و بصیر برای انسان جواز دارد در حالیکه عین کلمات در جمله اسمای حسنی شامل است البته به ارتباط نام های الله معانی این کلمات مطلق و کامل و در مورد مخلوق محدود و ناقص می باشد.

اسم (الله) در اصل از کلمه (الاله) مشتق گردیده است، همزه وسط کلمه بخاطر تخفیف حذف شده و دو لام بهم جمع و لام اول به لام دوم ادغام شد و لفظ جلاله (الله) تلفظ گردید.

کلمه (اله) از نظر لغت به معنی (مألوه) یعنی معبود و قابل عبادت و پرستش وارد شده و چون کلمه از لحاظ صرف عربی تشبیه و جمع دارد (الهین و آلهه) از آنرو (آلهه) به معبودان باطل بت پرستان و مشرکین اطلاق گردید و (اله) بر حق و واحد ذات اقدس (الله) عزوجل می باشد.

این مطلب در آیه ۱۶۳ سوره بقره ذکر شده (وَالْهَيْكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ - و معبود شما معبود یکتا است، نیست معبودی بجز او تعالی که بخشاینده مهربان است) اسم اعظم (الله) که اسم علم مفرد و مختص به معبود بحق (الله) است و الله - عزوجل - آنرا خودش بخود تخصیص داده است، الله سبحانه و تعالی - هنگامیکه ذات اقدس خود را به موسی - علیه السلام - معرفی مینمود فرمود: (إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي - طه ۱۴ - به تحقیق من الله هستم، هیچ معبودی بحق جز من نیست پس مرا عبادت کن) و خطاب به رسول اکرم محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - فرمود (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - اخلاص - بگو او الله، یکتا و یگانه و لا شریک است)

اسم (الله) لفظ مفرد و مختص بذات رب العالمین است و قابلیت تشبیه و جمع ندارد و مفهوم آن یگانه معبود بحق و تنها مستحق عبادت است و هیچ معبودی غیر او تعالی نیست و هر عبادت به غیر او تعالی باطل است، این مفهوم در آیات کریمه (الله لا اله الا هو - و - الله لا اله الا هو الحي القيوم) به صورت مکرر تاکید شده است.

تخصیص مقام الوهیت و ربوبیت و مفاهیم تمام نام های زیبای الله - عزوجل - به نحوی بسته به مفهوم اسم اعظم (الله) است و الله، اساس اسماء و اوصاف و افعال خالق آسمان ها و زمین و کائنات است.

در اسم (الله) برخی از علماء خصوصیات لطیفی ذکر نموده اند، از قبیل: هر گاه حرف (الف) از اسم (الله) حذف شود، بقیه (له) می باشد که آنهم مفهوم (خاص برای الله) را افاده می کند چنانچه در آیه کریمه (الله مافی السموات وما فی الارض) این مفهوم آشکار است، و اگر از لفظ باقیمانده لام اول (ادغام شده) حذف شود به صورت (له) باقی میماند و آنهم مفهوم (خاص برای او یعنی (الله) را افاده می کند مانند (له ملک السموات والارض) و هر گاه لام دوم هم حذف شود آنگاه (هو) با اضافت (واو) زائد بدست می آید و آنهم ضمیر راجع به (الله) است مانند (قل هو الله احد).

## دعا و تضرع به بارگاه الله (جل جلاله):

در دعا و تضرع و عجز و نیاز بارگاه الله - عز وجل - در الفاظ قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) لفظ (اللهم) مکرر ذکر شده است و معنی (اللهم) یا الله! است که هنگام طلب و آرزو و اظهار عجز و بندگی و اقرار قدرت و عظمت الله - عز وجل - بکار برده می شود (قل اللهم مالک المُلکِ تُؤْتِی المُلکَ مَنْ تَشَاءُ... آل عمران/۲۶)

اسم (الله) در رأس اسماء الله الحسنی و اساس تمام اسماء الله بیشتر از هر اسم دیگر در قرآن کریم ذکر شده و (۲۷۲۴) بار در کلام الله مجید وارد شده است.

با بیان مختصر اسم اعظم (الله) و دعای (اللهم) این دعای رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - را هر کدام در حق خود بارگاه پروردگار مهربان عرضه میداریم:

"اللهم اجعل فی قلبی نورا"، وعن یمینی نورا"، وعن یساری نورا"، و تحتی نورا"، و أمامی نورا"، واجعل لی نورا" - صحیح البخاری/۳۱۱۶"

الهی! یا الله! در قلب من نور بیفروز (قلب مرا روشن بساز) و از جانب راست من نور و از طرف چپ من نور (عنايت بفرما) در زیر (پای) من نور و پیش روی من نور و برای خودم نور ارزانی بفرما (مرا از هر جهت در پناه امن و نور رحمت خود نگهدار) آمین

برحمتک یا ارحم الراحمین



الله (جل جلاله)

## الرحمن ، الرحيم

(۲ - ۳)

رحمن و رحيم دو اسم از اسماء الله الحسنى و در عين حال دو صفت از صفات الله - عزوجل - مى باشد، در باره اين دو اسم و صفت قبلاً" در شرح ايه (۱۱۰ سورة اسراء: قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ) و نيز در بحث (ترجمه معانى الاسماء الحسنى) بيان مختصرى ايراد گرديد، رحمن و رحيم هر دو از اصل (رحمت) اشتقاق يافته و مفهوم رحمت در ساحة مخلوق همدردى و دلسوزى و رقت قلب و ترحم بر يکديگر را افاده مى کند اما پهنای رحمت خالق شامل ساحة وسيع انعام و احسان الله - جل جلاله - به تمام مخلوق اعم از مؤمن و کافر و خوب و بد و سائر اجزای کائنات در دنيا بوده و در آخرت رحمت الهى نصيب مؤمنان مى باشد، از آنجا که در اسم (رحمن) مفهوم مبالغه در رحمت به معنى رحمت بزرگ و اسم عام جميع انواع رحمت و انعام و احسان الهى وجود دارد، اين اسم (رحمن) مختص به الله سبحانه و تعالى گرديده و تسميه هيچ مخلوقى بنام (رحمان) جواز ندارد، اما وصف واسم (رحيم) با رحمان فرق دارد، الله رحيم مطلق و کامل است و بنده نيز رحيم به معنى راحم يا مرحوم و يادارای رحم يعنى قرابت بوده مى تواند.

در وصف الله به (رحمن و رحيم) مراتب تعظيم و تمجيد و ستايش الله به عمل مى آيد و الله سبحانه و تعالى برحمت خود طريق آسان و جامع حمد و ستايش خود را به بندگانش تعليم داده و فرموده است: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) رسول الله - صلى الله عليه وسلم - در حديث صحيح فرموده است: هنگامیکه بنده (الحمد لله رب العالمين) بگويد، الله - جل جلاله - ميفرمايد: بنده من حمد و ثنای مرا گفت، و هنگامیکه بنده (الرحمن الرحيم) گفت، الله کریم و رحيم ميفرمايد: بنده من مرا ستايش کرد، ثنا و صفت مرا ادا نمود.

اسم (الرحمن) در قرآن عظيم (۵۷) بار ذکر شده اما اسم (رحيم) بيش از (۹۰) بار در کلام الله مجيد وارد شده است.

الله (جل جلاله)

## الملك

(۴)

ملك به معنی پادشاه و فرمانروا و مالک همه چیز و متصرف و مقتدر در همه امور از جمله نامهای نیکوی الله - سبحانه و تعالی - می باشد و الله - عز وجل - در قرآن کریم به صورت مکرر خویشتن را به همین نام و وصف ذکر فرموده است:

- فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ - المؤمنون-۱۱۶- الله بزرگ و والا مقام، پادشاه حقیقی و راستین است، هیچ معبودی (بحق) جز او نیست، صاحب عرش کریم است.

- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ - الناس-۱-۲- بگو (ای پیغمبر!) پناه می برم به پروردگار مردمان، به پادشاه، مالک و فرمانروای مردمان - صفت پادشاهی موقت و غیر واقعی در حیات دنیا نیز مشاهده میگردد و افرادی بنام پادشاه، امیر و رئیس مالک قصرها و اموال و جاه و فرمان میگردند اما دو سرنوشت در انتظار شان است یا آن قصرها و اموال و جاه و فرمان به زوال مواجه می شوند و یا خود شان از میان میروند و ملك و فرمان بدست دیگران میرسد و در آنجا نیز پایدار نخواهد بود. پادشاهی و فرمان الله - جل جلاله - به صورت مطلق شامل آسمان ها و زمین و همه اجزای کائنات با قدرت و تصرف کامل است (وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - المائدة-۱۷) فرمانروائی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است خاص برای الله است، هرچه بخواهد می آفریند، و الله بر همه چیز توانا است. این وصف پادشاهی راستین و فرمانروائی مطلق برای الله - عز وجل - به الفاظ : ملك - ملیک - مالک و مالک الملك یاد شده از جمله در آیات کریمه (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ... آل عمران ۲۶) و (فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ - القمر-۵۵) و مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - الفاتحه) هر کدام این الفاظ به ارتباط عین مفهوم ذکر شده است ، البته پادشاهی روز جزا مخصوص ذات کبریائی الله بوده و هیچ فرمانروائی دیگر در (یوم الدین) وجود ندارد و در روز قیامت الله ندا میفرماید (لمن الملك اليوم؟) و خود مالک الملك جواب میدهد (الله الواحد القهار - غافر-۱۷)

کلمه (ملك) در قرآن کریم (۱۱) بار و (ملکا") دوبار، مالک و مالک الملك (۳) بار و (ملیک )

## الله (جل جلاله)

### القدوس

(۵)

(القدوس) از جمله اسمای حسنی و نام های مبارکی است که الله - سبحانه و تعالی - خویشان را به بندگان خود به آن معرفی فرموده است: (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ ... الْحَشِر - ۲۳) او الله ، ذاتی است که هیچ معبودی بحق جز او وجود ندارد، او تعالی فرمانروا، پاک ، منزّه، بی عیب و نقص است.

القدوس: به معنی مبارک، پاک از همه انواع نقص و عیب، و منزّه از داشتن قرین و اولاد و امثال، و ممدوح به محاسن و فضائل و موصوف به صفات کمال و جلال است.

قدس به مفهوم طهارت و پاکی وارد شده و نام بیت المقدس به معنی، خانه و مکانی که مردم خویشان را از طریق عبادت دران و به یمن قدسیت آن پاک می سازند از همین کلمه گرفته شده است. جبرئیل - علیه السلام - بنام (روح القدس) یاد شده (وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ - البقره - ۸۷) بخاطریکه پاک خلق شده و فرشته نورانی است و قرآن پاک را از جانب الله - تبارک و تعالی - به قلب پاک رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - میرساند.

در انتخاب نام و وصف (قدوس) از جانب خداوند دعوت مخلوق و بندگان به تقدیس و تسبیح و تمجید الله - سبحانه و تعالی - است و این تقدیس و تسبیح و تمجید از جمله مقدسترین عبادتی است که اهل زمین و آسمان ها و تمام اجزای کائنات به وسیله آن به تعظیم و تقدیس پروردگار شان می پردازند، (يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - الجمعة - ۱-)

آنچه که در آسمان ها و زمین است به تسبیح و تقدیس الله مشغول اند، آن ذاتی که پادشاه حقیقی و فرمانروا، پاک و منزّه، غالب و با حکمت است.

کلمه (القدوس) در قرآن کریم دوبار، و (المقدس) دوبار، و (روح القدس) چهار بار ذکر شده

است.

الله (جل جلاله)

## السَّلام

(۶)

از نام های مبارک و نیکوی الله - جل جلاله - السلام است (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ  
السَّالَامُ... الحشر ۲۳)

معنی سلام از نظر لغت: امان، اطمینان، آرامش، سلامت، نجات و صلح است، و الله السلام مفهوم سلامت از هر عیب و نقص، و صفت کمال او تعالی را در ذات و صفات و افعال افاده می کند، و الله السلام یعنی بخشاینده امن و سلامتی برای بندگان و مخلوق در دنیا و آخرت می باشد. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بعد از سلام نماز که شعار برآمدن از شعائر نماز است همواره می گفتند: (اللهم انت السلام، و منك السلام، تبارک یا ذا الجلال والاكرام - صحیح مسلم - ۵۹۱)

الهی! تو سلام هستی، و سلام از جانب تو است. تو ای صاحب جلال و احسان (بر بندگان و مخلوق) چه بزرگ و بزرگوار و دارای برکات زیاد هستی، السلام بحیث نام و صفت الله - سبحانه و تعالی - به مفهوم سلام حقیقی و کامل و سلامت از هر نوع شریک و شبیه و نقص و عیب در الوهیت و ربوبیت و در اسماء و صفات او تعالی است، اما سلامت در مورد مخلوق و بندگان و حتی پیامبران به مفهوم نسبی و غیر کامل است و چون انسان طبیعتاً "محتاج است و همه احتیاجات خود بخود بدست نمی آید و انسان در روابط فامیلی و اجتماعی و اقتصادی به سعی و تلاش ضرورت دارد، از آنرو سلامت و آرامش کامل در حیات دنیا که اصلاً "دارالسلام نیست بلکه دار عمل و امتحان است میسر نخواهد بود و البته سلامت حقیقی برای انسان مؤمن در جنت نصیب خواهد شد و یکی از نام های بهشت (دارالسلام) است و پروردگار مهربان بندگان مؤمن خود را به دارالسلام (خانه امن و سلامت بهشت) دعوت میفرماید (وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ - یونس - ۲۵) کلام الاهی و نظام و احکام الله و هر آنچه از جانب او تعالی رسیده است و میرسد سالم و کامل و بی عیب است، الله السلام دین مقدس و کامل و خاتم خود را بنام (اسلام) پسندیده است. کلمه (السلام) با مشتقات آن (۱۱۳) بار در قرآن کریم تکرار شده است.

## الله (جل جلاله)

### المؤمن

(۷)

الله - سبحانه و تعالی - در جمله اسمای حسنی و نیکوترین نام های خود اسم و وصف (مؤمن) را پسندیده است (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ - الحشر-۲۳)

او الله ، آن ذاتی که هیچ معبودی بحق جز او نیست، او پادشاه حقیقی، پاک و منزّه، سلام و مؤمن است. مؤمن از نظر لغت به امن و امان و تصدیق ارتباط دارد، مفهوم الله المؤمن پروردگار امان بخش و امن دهنده است، امن ضد خوف و آمن شخص دارای امن و راحت می باشد، و آیه کریمه (وَأَمْنُهُمْ مِّنْ خَوْفٍ - قریش-۴) مفهوم امن بخشیدن پروردگار را افاده می کند.

معنی دیگر (المؤمن) تصدیق کننده و دارنده ایمان است و ایمان در تمام تعریفات و مباحث خود از مفهوم تصدیق دور نخواهد بود.

مفهوم الله (المؤمن) و برخی از وجوه تصدیق الله - جل جلاله - :

۱- الله - سبحانه و تعالی توحید و صفات خود را تصدیق فرموده است ، چنانچه میفرماید: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... آل عمران-۱۸) الله گواهی داده است به اینکه نیست معبودی بحق جز او تعالی.

۲- تصدیق رسالت پیامبران الله به وسیله آیات کریمه قرآن کریم و اظهار معجزات آنها و تأیید و نصرت پیامبران و عقوبت دشمنان و مخالفین و مجرمین رسالت ایشان.

۳- تصدیق بندگان مؤمن الله در روز قیامت - ( اسماء الحسنی -أ-د. عمر سلیمان) لفظ (المؤمن) بحیث نام نیکوی الله یکبار در سوره حشر ذکر گردیده اما مؤمن و ایمان و آمنوا و مؤمنین و مؤمنات و سائر مشتقات ایمان بیش از چهارصد بار در قرآن کریم تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

الْمُهَيْمِنُ

(۸)

در جمله نام های نیکوی الله و أسماء الحسنی که الله (جل جلاله) آنرا بخود پسندیده است (المُهیمِن) میباشد  
(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ - الحشر - ۲۳)

او الله ، ذاتی که هیچ معبود بحق جز او نیست، پادشاه و فرمانروا، پاک و منزّه، سالم از هر عیب و نقص،  
امان بخش و تصدیق کننده رسالت پیامبران و اعمال بندگان، حافظ، ناظر و مراقب امور خلق و کائنات است.

مُهیمِن به معنی دارای هیبت ، قدرت و رقابت و تصرف در امور است، اما مِهیمِن بحیث یکی از اسماء و  
اوصاف الله - سبحانه و تعالی - چنین تفسیر شده است که تمام اعمال، اقوال ، ارزاق و آمال خلق در دست تصرف و  
مراقبت و قدرت کامل الله - جلت قدرته - می باشد و این وصف و این کمال قدرت و علم به جز پروردگار و  
آفریدگار جهان هادر شخص یا مقام دیگری سراغ شده نمیتواند.

لفظ ( المِهیمِن) یکبار در قرآن کریم در جمله اسماء الحسنی ذکر شده و یکبار دیگر به شکل (مِهیمِن) به  
ارتباط جامعیت و حقانیت و امتیاز قرآن کریم وارد شده است: (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ  
مِّنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ... المائدة - ۴۸)

و بر تو (ای پیغمبر!) کتاب (قرآن) را بحق نازل کردیم، در حالیکه کتب پیشین را تصدیق می کند و شاهد  
و نگهبان (اصول و حقائق) آنها است.

الله - جل جلاله - شاهد و حافظ و مراقب احوال و امور خلق و کائنات است و کتاب الله (قرآن کریم) شاهد  
و حافظ حقائق و اصول اصلی کتب آسمانی پیشین است.

## الله (جل جلاله)

### الْعَزِيزُ

(۹)

الله تبارک و تعالی در سلسله اسماء الحسنی ذات اقدس خود را چنین معرفی میفرماید: لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ  
- آل عمران ۱۸) نیست معبود بحق بجز او تعالی که عزیز (غالب، قوی) با حکمت است.

(وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ - الشعراء-۹) و به تحقیق پروردگار تو بدون شک عزیز (مقتدر، و توانا) مهربان است.  
و الله به صیغه امر فرموده است: (فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ - البقره-۲۰۹) پس بدانید که الله غالب با حکمت است.

الْعَزِيزُ که نام مبارک و زیبای الله تعالی است معنی دارنده قوت، غلبه و رفعت و اقتدار و امتناع را افاده  
میکنند، این اوصاف مخصوص مقام پروردگار است و آن بندگان که الله خواسته باشد بخشی ازین عزت را به آنها  
عنایت فرماید، مانند این آیه کریمه: ( وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ - المنافقون-۸) عزت  
و رفعت خاص برای الله است و برای رسول او و برای مؤمنان، و لکن منافقین نمیدانند) درین آیه مبارکه تردید قاطع  
آن منافقین که عزت را به مال و جاه و اعتبارات دنیوی نسبت میدادند وارد شده و اختصاص عزت به مفهوم حقیقی  
به الله و اعطای عزت به رسول خدا و مؤمنان صالحان تأکید گردیده است.

عزت و عزت النفس با تکبر و غرور فرق دارد در عزت احساس به کرامت و مقام گرامی انسانیت است با  
فهم حقیقت نفس انسانی، اما در کبر و غرور انکار حقوق و ارزش ها و جهل انسان در حقیقت نفس انسانی است.

الله العزیز این نام مبارک خود را در کلام مجید مقارن (الحکیم) و یا مقارن (الرحیم) ذکر فرموده مانند آیه  
کریمه (وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَاِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - المائده ۱۱۸) و آیه کریمه (وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ - الشعراء  
- ۹) و این میرساند که عزت و قدرت الله - عز وجل - مقرون به حکمت و عدالت و همچنان رحمت او تعالی است.

لفظ (الْعَزِيزُ) و مشتقات آن بیش از یکصد بار در قرآن کریم تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

## الجبار

(۱۰)

در همان آیه کریمه شماره (۲۳) سوره حشر (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ ... الْجَبَّارُ

الْمُتَكَبِّرُ) الله - عز وجل -، نام و وصف جبار را بخود پسندیده است.

جبار مبالغه صاحب جبر است و جبر مقابل کسر به مفهوم اصلاح و جبران کسر و کمبود ضعفاء و بینوایان و مظلومان و مریضان و محتاجان می باشد.

الجبار به اصل الاجبار نیز ارتباط دارد، و در اجبار خصوصیت قهر و شکوه و جبروت محسوس است و الله الجبار صاحب کبرياء و عظمت و قدرت مطلق تنفیذ اراده و تقدیر خود است و امر الله جبار فقط بیک کلمه مرکب از دو حرف (کُن) در سرتاسر نظام هستی و خلق جهانها قابل تنفیذ می باشد.

در ساحت مکلفیت های شرعی و دینی، الله - عز وجل - نظام و شریعتی را که به بندگان خود پسندیده است در آن موارد اوامر و نواهی دارد و اطاعت اوامر پاداش و ترک آن عقوبت خواهد داشت. اما در فعل یا ترک یک امر دینی اجبار وجود ندارد، عظمت و شکوه و کبریائی الله جبار - عز وجل - همه اجزای کائنات را به شمول آسمان ها و زمین و آنچه که در میان آنها است در قبضه قدرت جبار خود قرار داده است (أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ - الاعراف - ۵۴) آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان هستی) خاص برای او (فرمان او تعالی) است، پاک و با عظمت و دارای برکات فراوان است الله (الجبار) که پروردگار جهان ها است.

کلمه (جبار) نام و وصف بنده به مفهوم جبار بر نفس و شهوت و جبار بر شیطان در محل مدح واقع شده می تواند اما جبار به معنی متکبر و مغرور برای بنده صفت مذموم است.

کلمه (جبار) بحیث یکی از اسماء حسنی یکبار و به صورت عام ده بار در قرآن کریم ذکر شده است.



الله (جل جلاله)

## الْمُتَكَبِّرُ

(۱۱)

المتكبر به معنی العظیم و ذوالکبریاء یعنی بزرگ و صاحب کبریاء و عظمت و برتر از صفات مخلوق و بندگان است و مفهوم کمال ذات و کمال وجود را افاده می کند و این وصف بجز ذات اقدس الله متعال به احدی سراغ شده نمیتواند، الله - سبحانه و تعالی - یگانه کامل و بزرگ در ذات و صفات و افعال خود بوده نام متكبر و صاحب کبریاء تنها سزاوار او تعالی است، او جلّ جلاله یکتا و یگانه است، شریک و مثال ندارد، او بی نیاز است و همه به او نیاز دارند، او تعالی فرموده است: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ...) و (وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - الجاثیه - ۳۷) و خاص برای او تعالی است عظمت و کبرائی در آسمان ها و زمین و او غالب توانا، باحکمت است.

به احدی غیر از ذات الله متعال جواز ندارد که خود را متكبر بداند زیرا صفت کمال در ذات و وجود در حق مخلوق وجود ندارد و انسان که در حقوق و کرامت انسانی باهم مساوات دارند، نمیتوانند بر یکدیگر اعمال تکبر نمایند و یا خود را شریک الله متكبر بدانند، در غیر آن و عید شدیدی در کتاب الله متعال در حق متكبرین وارد شده: (أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ - الزمر - ۶۰) آیا در جهنم جایگاهی برای متكبرین نیست؟

کلمه (المتكبر) در ردیف برخی از اسماء الله الحسنى در آیه (۲۳) سوره حشر ذکر شده است:

(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ).

المتكبر بحیث نام و وصف الله متعال یکبار و در حق بندگان متكبر در مقام ذم و نکوهش شش بار در قرآن کریم تکرار شده است.

الله (جل جلاله)

## الخالق، الباریء، المصور

(۱۲) (۱۳) (۱۴)

در آفرینش هستی و کائنات این سه نام و وصف پروردگار مفهوم بهم نزدیک دارند، خلق اشیاء تقدیر و اندازه گیری و طرح ایجاد مطابق اراده و مشیت خالق است، تنفیذ تقدیر خالق و ایجاد آنچه که خالق اشیا اراده فرموده است به اسم و وصف الباریء تعلق می گیرد، صورت بخشیدن و نقش آفرینی و نظام تفصیلی جهان هستی و اجزای کائنات به قدرت الله المصور صورت می گیرد.

هر سه نام و وصف الله - تبارک و تعالی - در آیه کریمه (۲۴) سورة حشر به همین ترتیب ذکر شده، (هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...) او الله، ذاتی است که خلقت اشیا و جهان هارا اراده و تقدیر فرموده، آفریدگار جهان هستی از حالت نیستی، شکل دهنده و صورت بخش جهان خلقت است، نیکو ترین نامها ازان او تعالی است.

دو نام دیگر در برخی از فهرست های اسماء حسنی در ردیف همین سه نام فوق ذکر شده و عبارت اند از: خلاق و فاطر، خلاق مبالغه خالق است و دلالت به کثرت مظاهر خلقت و قدرت خالق می نماید و در آیه کریمه (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ - الحجر - ۸۶) وصف خلاق ذکر شده است.

فاطر نیز به معنی خالق است و در آغاز سورة فاطر این کلمه ذکر شده است (الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...)

جهان خلقت و مظاهر آفرینش آفریدگار بزرگ پهنای غیر قابل حساب و بالاتر از توان انسان است و با تمام عجز و تضرع و ایمان راسخ به این کلام معجز الهی پناه می بریم: (فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ - المؤمنون - ۱۴).

الله (جل جلاله)

## الغافر، الغفور، الغفار

(۱۵) (۱۶) (۱۷)

رب العالمین - جل جلاله - در کتاب کریم خود در سلسله نام های نیکو و اوصاف کامله اوتعالی سه نام (غافر - غفور - غفار) را از ماده (غفر و غفران) ذکر فرموده است، غُفران به معنی ستر و پوشانیدن گناهان و بخشایش آن بوده (غافر الذنوب) بخشاینده گناهان می باشد. مفهوم ستر و بخشیدن گناهان در (غفور) بیشتر از (غافر) و در (غفار) بیشتر از غفور خواهد بود و (الغفار) مبالغه در غفران و بخشایش است و غفور و غفار هردو بسیار بخشاینده و کثیر الغفران می باشد و چنین وصف ستر و عفو گناهان بندگان به جز الله متعال در قدرت هیچ مخلوق نخواهد بود (وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ - آل عمران - ۱۳۵) و کیست که گناهان را بیامرزد بجز الله متعال؟

هرسه نام (غافر، غفور و غفار) به صورت مکرر در آیات قرآن کریم وارد شده (غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ - سوره غافر - ۳) الله، که بخشنده گناه و قبول کننده توبه، دارای عذاب سخت، صاحب احسان و انعام است.

(إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ - البقره - ۱۹۹) به تحقیق الله بخشاینده مهربان است.

(اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا - نوح - ۱۰) از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید، یقیناً " که اوتعالی بسیار آمرزنده است.

استفاده از دروس این نامهای مبارک بنده و خاصاً " بنده گناهکار را وامیدارد تا از طریق توبه و استغفار و اعمال صالحه از بارگاه پروردگار بسیار آمرزنده طلب آمرزش کند و خصلت پوشانیدن گناه و عفو و گذشت را در روابط اجتماعی میان بندگان نیز رعایت نماید.

الله (جل جلاله)

## القهار

(۱۸)

القاهر و القهار از اسماء الله الحسنی است، القهار مبالغه القاهر و مأخوذ از قهر و غلبه و سلطه و قدرت بزرگ می باشد، القاهر صاحب قهر و القهار دارای بسیار قهر به معنی استیلاء و قدرت مطلق بر همه چیز از صفات الله متعال بوده و در آیات مبارکه قرآن کریم بارها تکرار شده است:

(وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ - الأنعام-۱۸) و او است الله، غالب و مقتدر بر بندگان خود و او است حکیم (در تدبیر امور) و آگاه (به همه احوال).

(قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ - الرعد-۱۶) بگو (ای محمد- صلی الله علیه وسلم- الله آفریننده همه چیز و او تعالی یکتا) و صاحب قهر و قدرت بزرگ است.

وصف قاهر و قهار الله تعالی طغیان و تجاوز ستمگاران و پادشاهان و رؤسای مستبد را درهم می شکند و قدرت انتقام و ظلم آنها را از بین می برد، استعمال قهر و غلبه از جانب بندگان می باید که به ضد نفس اماره بالسوء و شهوت و طغیان نفس خود شان بکار برده شود نه در مقابل ضعفاء و بیچارگان و مظلومان، که در آن صورت قهر الله قهار بسروقت شان رسیده سر ظلم شانرا به ذلت خم و دست تجاوز شانرا یکباره کوتاه خواهد ساخت.

کلمه (القاهر) دو بار و القهار) شش بار در قرآن کریم ذکر شده است.

الله (جل جلاله)

## الوهاب

(۱۹)

الوهاب مبالغه الوهاب به معنی بخشنده و بسیار بخشاینده از جمله اسماء الله الحسنى است و الله - عز وجل - آنرا بخود پسندیده و در کتاب کریم خود ذکر فرموده است: (وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ - آل عمران-8) و بما از بارگاه خویش رحمت عنایت فرما، همانا توئی بسیار بخشنده.

بخشش یا (هبه) در روابط بشری اعطای چیزی بدون عوض و تملیک آن به موهوب له است، اما عطایا و مواهب الله الوهاب حدود و قیود ندارد و او تعالی که مالک آسمان ها و زمین است و خزائن و گنجینه های آسمان ها و زمین در دست تصرف او است بهر پیمانه که می بخشد در برابر رحمت و کبریائی او ناچیز است و هر اندازه از عطایا و مواهب او تعالی از خزانه ملک او کم نسازد.

از مواهب الهی برای بندگانش موهبت حیات، عقل، قلب، سمع و بصر، طعام و شراب، فامیل و اولاد وسائر نعمت های الله الوهاب است، ذریه صالحه از مواهب بزرگ او تعالی است و پروردگار بزرگ بر انبیاء علیهم السلام در برابر موهبت ذریه صالحه منت گذاشته و فرموده است (وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ - العنکبوت-۲۷) و ما به ابراهیم - علیه السلام، اسحاق و یعقوب - علیهما السلام - را عطا کردیم و در اولاد و خانواده او نبوت و کتاب (آسمانی) قرار دادیم. (وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ - ص-۳۰) ما به داود - علیه السلام - سلیمان - علیه السلام - را عطا کردیم، او بنده بسیار خوب بود، واقعا " که او بسیار توبه کننده بود. به زکریا - علیه السلام - یحی - علیه السلام - را عنایت فرمود (وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى - الأنبياء-۹۰)

از کلام پروردگار این دعا و نیاز به بارگاه بی نیاز تقدیم است: (رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ - آل عمران-۸) ای پروردگار ما! دل های ما را به باطل میل مده بعد از آنکه ما را هدایت فرمودی و بما از بارگاه خویش رحمت عنایت فرما، همانا توئی بسیار بخشنده.

## الله (جل جلاله)

### الرزاق

(۲۰)

الرزاق مبالغه الرزاق به معنی روزی دهنده و بسیار روزی بخش که نام وصفت الله متعال است و در قرآن کریم بارها با مشتقات کلمه (رزق) ذکر شده است: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ - و الذاریات-۵۸) به تحقیق الله، او خود بسیار روزی رسان، صاحب نیروی کامل و قدرت مطلق می باشد، الله الرزاق که خالق تمام مخلوقات و سائر اجزای کائنات است متکفل رزق و روزی تمام مخلوق زنده جان بوده و فرموده است: (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا - هود-۶) و هیچ جانور و زنده جانی در زمین نیست مگر اینکه رزق و روزی او بر عهده الله روزی رسان است. ( هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ - فاطر-۳) آیا غیر از الله متعال کدام آفریدگاری وجود دارد که به شما از آسمان و زمین روزی برساند؟

(ابدا" موجود نیست) هیچ معبودی بحق جز او تعالی وجود ندارد، پس چگونه منحرف می شوید؟

در حالیکه الله متعال هم خلق نموده و هم رزق میدهد، آیا سزاوار عبادت نیست؟ یقیناً "غیر او تعالی احدی مستحق عبادت نمیشد.

وسعت رزق و ضیق آن هر دو در دست قدرت الله است، و سعت رزق دلیل محبوبیت انسان نزد پروردگار و ضیق رزق علامه عدم رضائیت او تعالی از بنده نمیشد، بل هر دو حالت برای امتحان بنده است، دارائی زیاد و وسعت رزق گاهی سبب غرور و تکبر گردیده و نعمت خداوند سبب مصیبت میگردد و نیز ممکن است ضیق رزق با صبر و تلاش مشروع بانجامد و خوشنودی الله رزاق حاصل شود (اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ - الرعد-۲۶) الله متعال روزی را برای هر کس که بخواهد فراوان و برای کسیکه خواسته باشد ضیق و کم میگرداند. اندازه تلاش و مساعی هر کس از طریق کار بستن به اسباب و لوازم و عدم چنین تلاش و مساعی و پیمانه اعتماد به توفیق خداوند از جمله اسباب وسعت و ضیق رزق خواهد بود.

الله (جل جلاله)

## الفتح

(۲۱)

الفتح مبالغه فاتح و از ماده فتح به معنی گشایش، پیروزی، حکم و داوری میان مردم است.

الله - سبحانه و تعالی - نام و وصف (فتح) را بخود پسندیده و در کلام مقدس خود آنرا ذکر فرموده است، در سوره سبا- آیه ۲۶- می فرماید: (قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ) (ای پیغمبر- صلی الله علیه وسلم- به کسانی که در مورد حق باتو مجادله می کنند) بگو: پروردگار ما (در روز رستاخیز) ما را گرد هم جمع می کند، سپس در میان ما بحق حکم میفرماید و او تعالی یگانه داور و حاکم دانا است.

از معانی اسم مبارک (الفتح) چنانکه (الخطابی) می گوید: ذاتی که ابواب رحمت و رزق و روزی را برای بندگان خود می گشاید و دروازه های بسته از امور و احوال شانرا باز می کند و دلها و چشمان بصیرت شانرا برای پذیرش حق کشوده و روشن میدارد.

فتح ابواب رزق و رحمت الله کریم و رحیم بروی بندگان و سائر اجزای کائنات اسباب حیات، عزت و کرامت و صلاح و سعادت و هدایت و توفیق بندگان را فراهم می سازد.

داخل شدن ایمان در قلوب مؤمنان و صدور طاعت رحمان و اعمال صالحه از جانب بندگان از آثار فتح ابواب رحمت الهی است، با فتح ابواب علم پروردگار (الفتح العظیم) سینه ها و قلوب بندگان خود را به نوردانش و علم روشن می سازد و رهنمائی مردم را برای آنها آسان می گرداند.

الله (الفتح) در سوره فاطر- ۲- میفرماید: ( مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . الله (الفتح) هر (دروازه) رحمتی را که برای مردم بگشاید هیچکس نمیتواند آنرا ببندد، و آنچه که الله آنرا باز دارد و منع کند هیچکس جز او تعالی نمیتواند آنرا رها کند، و او (جل جلاله) توانا و با حکمت است. کلمه (الفتح) در قرآن کریم یکبار و مشتقات لفظ (الفتح) بیش از (۳۰) بار تکرار شده است.

## الله (جل جلاله)

### العلیم

(۲۲)

به ارتباط نام و وصف (العلیم) در برخی از تفاسیر و فهرست های اسماء الله الحسنى سه نام (العالم - العلیم - العلام) ذکر شده است، و الله - سبحانه و تعالی - خویشن را بهر کدام این نام ها و اوصاف معرفی فرموده است: در سورة رعد-۹- میفرماید: (عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ - الله دانای پنهان و عیان، بزرگ و برتر و والا و منزّه است. در سورة بقره-۲۴۴- فرموده است: (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - و بدانید که الله شنوا، دانا است). در سورة توبه-۷۸- میفرماید: أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ - آیا ندانسته بودند که الله به یقین اسرار و سخنان پنهانی آن "منافقین" را میداند؟ و بدون شک الله به همه غیب ها "اسرار و امور نهانی" بسیار دانا است. الله (العلیم) در پهنای علم الهی و احاطه کامل آن به تمام آنچه که در آسمان ها و زمین و در اعماق سینه ها است میفرماید: (وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا - الطلاق-۱۲- و بدون شک آگاهی و علم الله همه چیز را فرا گرفته است) و همچنان فرموده است: (قُلْ إِنْ تُخَفُّوْا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - آل عمران-۲۹- بگو "ای پیغمبر - صلی الله علیه وسلم -" اگر پنهان دارید آنچه که در دل های شما است یا آشکار سازید الله آنرا میداند و هر آنچه در آسمان ها و در زمین است خداوند به آن آگاه است، و الله بر همه چیز توانا است) الله کریم و علیم انسان و بندگان خود را نیز از نعمت (علم) بهره مند ساخته و بر آنها چنین منت میگذارد: (الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ - الرحمن-۴-۱- الله بسیار مهربان، قرآن را تعلیم داد، انسان را بیافرید، به او بیان و سخن گفتن را آموخت) درجات علم و دانش بشری مشهود است و همیشه در توسعه دیده میشود اما در مقایسه با علم الله العلیم نسبت قطره به بحر خواهد بود و الله فرموده است: (وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا - الاسراء-۸۵- و جز اندکی از علم به شما داده نشده است) ایمان به علم الله و احاطه آن به جهان نهان و عیان و زمین و آسمان از یکسو در دل بنده خوف مراقبت و نظارت الله دانا و توانا را ایجاد می نماید در عین حال امید و اطمینان پروردگار حامی و حافظ خود را در هر حال و هر امر در دل می پروراند و به آن اتکاء میکند. سبحانه لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العلیم الحکیم.



## الله (جل جلاله)

### القابض، الباسط

(۲۳) (۲۴)

القابض و الباسط از مصدر القبض و البسط اشتقاق یافته، قبض و بسط دو مفهوم متضاد دارد. قبض به معنی گرفتن و قبضه کردن و بدست آوردن و بسط، دست گشودن و باز کردن و امتداد و نشر اشیا است. القابض و الباسط دو اسم از اسماء الله الحسنى است که از احادیث مبارک نبوی گرفته شده در وصف قابض مفهوم گرفتن و حرمان و در وصف باسط معنی گشایش و عطا نهفته است، الله القابض به قهر و حکمت و عدالت خود در قبض ارواح و ارزاق و قلوب بندگان می پردازد، الله الباسط به رحمت و کرم خود توسعه ارزاق و نشر فرحت و سعادت در دلهای بندگان را میسر می سازد، عموماً هر دو وصف قابض و باسط باهم ذکر می گردند و هریک به تنهایی وصف الله گفته نمیشود، عقیده به اینکه الله -جل جلاله- قبض و بسط اشیا و کائنات را در دست قدرت خود دارد بنده را و میدارد تا در نهایت تلاش و مساعی زندگی، خویشتن را تسلیم اراده و تقدیر الله -قابض و باسط- بنماید، و هرگاه گشایش در امور و ارزاق و احوال خود به بیند به شکران و ادای حقوق نعمت و عطای پروردگار بپردازد و اگر ضیق و تنگنایی در حیات خود احساس کند آنگاه با تمام توجه و حواس بیارگاه لطف و رحمت پروردگار پناه می برد و این ایمان در وی تقویه میابد که سرنوشت انسان درین دنیا و آن جهان بدست قدرت الله رحمان است.

از مواردی که وصف (قبض و بسط) در قرآن کریم ذکر گردیده این آیات کریمه است:

(مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. البقره-۲۴۵- کیست که برای الله قرض دهد قرض حسن (درراه الله انفاق نماید) پس خداوند آنرا بیفزاید دو برابر و چندین برابر، والله ضیق میسازد و میگشاید (روزی بندگان را) و به سوی او باز گردانیده شوید)

(اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ -الرعد ۲۶- الله- سبحانه و تعالی- روزی کسانی را که خواسته باشد وسعت می بخشد و از کسانی را که بخواهد ضیق سازد، و) کافران به آسایش) در زندگانی دنیا خوشنود شوند درحالیکه حیات دنیا نسبت به آخرت جز متاع ناچیزی نیست.)

الله (جل جلاله)

## الخافض الرافع

(۲۵) (۲۶)

الخافض و الرافع از مصدر (الخفض و الرفع) گرفته شده مفهوم هر کدام ضد دیگر است - خفض به معنی پایین کردن و نرمی و انکسار و ذلیل ساختن، و رفع بلند ساختن و اعزاز و اکرام و تقدیر مقام و منزلت مؤمنان و اهل تقوی و احترام است.

خفض و رفع در خصوصیات بشری و اخلاق مؤمن در معامله و برخورد با نفس و شیطان و اهل معصیت از خصوصیت (رفض) و با مؤمنان و صاحبان حقوق و احترام از مفهوم (رفع) استفاده می شود، در تعبیر قرآنی (خفض) به معنی تواضع و نرمی به رحمت به مقام پدر و مادر امر شده و فرزند مکلف است در برابر والدین بال تواضع و انکسار خود را فرود بیاورد و مقام خود را پایین کند تا منزلت والدین بلند شود (وَ أَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ... ۲۴-الاسراء-) نرمی و رحمت در برابر مؤمنان به رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - نیز امر شده قرآن کریم میفرماید: (وَ أَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ - الشعراء- ۲۱۵-) به پیروان خود از جمله مؤمنان بال (رحمت و تواضع) خود را فرود آور (واقعۀ قیامت که حتمًا واقع شدنی است در سورۀ واقعۀ به وصف (خافضه رافعه) یاد شده، گروهی در آن روز به ذلت و پایین برده شوند و گروهی بدرجات بلند ارتقا یابند.

الخافض و الرافع به معنی کامل و مطلق دو اسم از الاسماء الحسنی و دو وصف الله متعال است. الله الخافض اقوام و عناصر ستمگر و متجاوز و اهل معصیت را ذلیل و زبون میگرداند و الله الرافع مقام مؤمنان و اهل حق و تقوی و دانش را بلند می سازد (يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ - المجادله ۱۱) الله - جل جلاله - مقام و منزلت کسانی را که از جمله شما ایمان آورده اند و درجات کسانی را که به آنها علم داده شده است (مقام دانشمندان را) بلند می سازد. (اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ... الرعد- ۲- الله - متعال - همان ذاتی است که آسمانها را بدون پایه ها که شما آنها را می بینید برافراشته و بلند ساخته است).

الله سبحانه و تعالی خطاب به عیسی علیه السلام فرموده است: (یا عیسی انی متوفیک ورافعک الی...-آل

عمران ۵۵- ای عیسی! همانا من برگیرنده تو ام و بردارنده تو ام بسوی خودم...)

عقیده به اینکه رافع و خافض حقیقی و کامل الله - جل جلاله - است و عزت و ذلت برای اهل هر کدام از جانب الله رسیدنی است ایمان بنده را به قدرت مطلق خالق توانا و اینکه سرنوشت انسان به اساس عقیده و عمل هر کس در دست قدرت و عدالت الهی است تقویه می بخشد.

الله (جل جلاله)

## المعزّ المذلّ

(۲۷) (۲۸)

(المُعزّ) به معنی عزت بخش و عزیز سازنده و نصرت و یاری دهنده و (المذلّ) ذلت بخش و ذلیل گرداننده و خوار کننده است، المعزّ و المذلّ دو اسم فاعل از مصدر (العزّة و الذلّة - العزّ و الذلّ) گرفته شده و به اسمای (العزیز - الحکیم - القوی - القدیر - الرحیم - الوهاب...) ارتباط دارد، و مشتقات (عزّة و عزیز) در قرآن کریم بیش از یکصد بار و مشتقات (ذلّة و ذلّ) بیست و سه بار تکرار شده است، مفهوم معز و مذل بحیث دو اسم از اسماء حسنی که غالباً باهم ذکر می شوند اینست که عزت و ذلت هر دو برای کسانی که بروی عقیده و عمل مستحق هر کدام باشند از جانب الله (جل جلاله) و نیز بهر که خواسته باشد داده میشود، الله - سبحانه و تعالی - عزت را به طاعت، و ذلت را به معصیت مربوط ساخته طاعت و عبادت الله بحیث نوری که حجاب میان بنده و پروردگارش را از بین می برد و بنده را به خالقش نزدیک می سازد، بالعکس معصیت و گناه بنده را از الله (عز وجل) دور ساخته و در نتیجه بذلت و خواری گرفتار میگرداند

این مطلب که عزت و ذلت از جانب الله بهر که خواسته باشد رسیدنی است، در آیه مبارکه (26) سورة آل عمران) چنین افاده میگردد: "قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَدُ الْخَيْرِ... بگو (ای پیغمبر!) ای الله! ای مالک ملک! تو هر که را خواهی ملک و قدرت بخشی و از هر که خواهی ملک و قدرت را باز پس میگیری، و هر که را خواهی عزت و سرفرازی بخشی و هر که را خواهی ذلت و خواری دهی، همه خیر و نیکویی در دست قدرت تو است."

الله متعال پروردگار عزیز است، او تعالی قدرت مطلق دارد که بندگانی از مخلوق خود را تا مقام نبوت و رسالت و کرامت عزت بخشد و اقوامی را به سبب کفر و نافرمانی شان گرفتار غضب و خشم خود نماید، او تعالی میفرماید: (سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ - الصافات - ۱۸۰ - پاک و منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزت، از آنچه (مشرکان) توصیف می کنند) و در موارد غضب و خشم فرموده است: (وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ... البقره - ۶۱ - آل عمران - ۱۱۲ - ذلت و خواری بر آنها مقرر شده است) وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ - المنافقون - ۸ - عزت و مقام بلند خاص برای الله و پیامبر او و مؤمنان است.

الله (جل جلاله)

السمیع البصیر

(۲۹) (۳۰)

سمع و بصر یا شنیدن و دیدن (شنوائی و بینائی) به ارتباط مخلوق دو حاسه از جمله حواس بوده و انسان و مخلوق زنده از طریق گوش و چشم می شنود و می بیند و حدود شنیدن و دیدن مربوط به سلامت و قدرت این حواس و وسائل است، اما سمع و بصر الله متعال دو وصف قائم بذات اوتعالی است، حدود و قیود ندارد- مطلق و کامل است. سمیع و بصیر دو اسم جلیل و مبارک و معروف از اسماء الله الحسنى است، هیچ صدا، هیچ ندا، هیچ دعا و هیچ راز و نیاز و هیچ نالش و فریاد از احاطه شنوائی الله سمیع بیرون نیست و الله سمیع همه را می شنود و شنیدن یک صدا صدای دیگر را اخلاص نمی کند و همچنان همه مخلوقات و سائر اجزای کائنات و هر عمل و هر حرکت در دائره بینائی مطلق الله بصیر داخل و هیچ ذره ای در وجود ازان بیرون بوده نمیتواند.

الله - جل جلاله- در پهلوی آنکه بارها و بارها ذات اقدس خود را در قرآن کریم متصف به وصف سمیع و بصیر یاد نموده است به بندگان خود امر میفرماید تا پروردگار شانرا به همین اوصاف بشناسند در غیر آن بنده در شناسائی پروردگار خود مقصر خواهد بود.

(وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ-البقره ۲۴۴- و بدانید که الله شنوا، دانا است) وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ-البقره-۲۳۳- واز الله بترسید و بدانید که الله به همه کردار شما بینا است).

الله -سبحانه و تعالی- هنگام بیان قدرت و عظمت و تمجید و ستایش ذات کبریایی خود وصف سمیع و بصیر خویشان را ذکر میفرماید (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ -الاسراء-۱- پاک و منزّه است آن ذاتی که بنده اش (محمد -صلی الله علیه وسلم) را در وقتی از شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که ماحول آن را مبارک و با برکت ساخته ایم برد تا برخی از آیات و نشانه های قدرت خود را به او نشان بدهیم، به تحقیق که او تعالی شنوا، بینا است).

در سوره مجادله ماجرای مناقشه و مجادله (خوله بنت ثعلبه) با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در امر سوگند (ظهار) که از جانب شوهرش (اوس بن الصامت) صادر شده بود، هنوز مجادله و صحبت خاتمه نیافته بود که الله السمیع البصیر این آیه کریمه را نازل فرمود: قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ -المجادله-۱- به راستی الله- سبحانه و تعالی- سخن زنی را که در باره شوهرش باتو (ای پیغمبر) مجادله می کرد و به سوی الله شکایت مینمود شنید و الله گفتگوی شمارا می شنید، به تحقیق و بی شک که الله شنوا، بینا است.

ایمان به وصف سمیع و بصیر الله سبحانه و تعالی و اسمای مبارک السمیع البصیر پهنای احاطه و کمال قدرت و عظمت الله - عزوجل - را در اذهان و قلوب مؤمنان ترسیخ و تثبیت می نماید و هنگامیکه او تعالی همه اقوال و اسرار ما را می شنود و همه احوال و اعمال ما را می بیند و هیچ ذره و اشاره ای از قدرت سمع و بصر الهی پوشیده نیست، چگونه ممکن است که در غفلت ازان سمع و بصر و بصیرت و اعمال ما مغایر ایمان راسخ ما به الله السمیع البصیر باشد؟

رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در تعریف (احسان) فرموده اند: (ان تعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک) الله - سبحانه و تعالی - را چنان عبادت کنی گویا که او تعالی را می بینی و اگر تو نتوانی به بینی پس یقیناً که او تعالی ترا می بیند.

یقین ما به اینکه الله - سبحانه و تعالی - شنوا و بینا است، همچنانکه ما را متوجه اعمال و اقوال ما می سازد توکل و اعتماد ما را به پروردگار ما تقویه می نماید، در برابر مصیبت و ظلم اطمینان داریم که یاری او تعالی با ما است و دعای ما را می شنود و قبول میفرماید. او تعالی فرموده است (وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - الانفال - ۶۱) برالله توکل کن یقیناً که او (تعالی) شنوا - دانا است.

ربنا علیک توکلنا، انک أنت السمیع العلیم.

الله (جل جلاله)

## الحکیم - الحکم

(۳۱) (۳۲)

از جمله نام های مبارک الله (عزوجل) که خویشان را به آن مسمی فرموده است: الحکیم - و - الحکم است، هر دو اسم در آیات کریمه قرآن کریم بارها وارد گردیده، به ارتباط (الحکیم) در آیه (۱۸) سورة آل عمران خداوند میفرماید: لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - نیست معبودی بحق بجز او تعالی، او غالب باحکمت است) و در آیه (۶۲) سورة آل عمران فرموده است: وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - نیست هیچ معبودی بحق جز الله و بی شک که او تعالی غالب باحکمت است)، در آیه (۱۸) سورة انعام فرموده است: وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ - و او است غالب و مقتدر بر بندگان خود و او است حکیم (در تدبیر امور) و آگاه (به همه احوال) لفظ (حکیم) تدبیر اوضاع و احوال و اجرای امور و ایجاد اشیا را به کاملترین صورت و به حد اعلی کمال و اتقان و بدون هیچنوع عیب و نقصان افاده می کند، کلمه (حکمت) که وضع هر چیز در محل مناسب آن گفته شده نسبت آن به حکیم مطلق (عزوجل) به معنی بهترین صورت خلقت و کامل ترین مفهوم تدبیر و تقدیر امور و اشیا از جانب آن خالق حکیم خواهد بود.

صفت کمال مطلق همچنانکه در ساحة خلقت اشیا و تدبیر و تقدیر امور از جانب پروردگار حکیم مشهود است کلام الهی و آیات کتاب الله متعال نیز دارای همان وصف احکام و اتقان و اعجاز می باشد و از همین رو الله حکیم کتاب خود را بنام (کتاب حکیم و قرآن حکیم) ذکر نموده است (الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ - یونس ۱- الف - لام - را - این آیات کتاب حکیم (محکم و دارای حکمت) است) و (یس - و القرآن الحکیم - یس - ۱- ۲- یاسین - قسم به قرآن حکیم)

معنی دیگر (حکیم) حکم و حاکم است یعنی الله حکیم مالک حکم میان بندگان خود بوده و او تعالی حاکم مطلق در امور خلق و بندگان خویش می باشد و در اموری که حکم آنرا بخود اختصاص داده است هیچ قدرت و هیچ کس نمیتواند در آن تصمیم بگیرد و حکم کند. اَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ اَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ - الانعام - ۶۲ - آگاه باشید که حکم و فرمان مخصوص خداوند است و او تعالی سریع ترین حسابگران است) - ( اِنْ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ اَمْرًا لَا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ - یوسف - ۴۰ - فرمانروائی و حکم مخصوص الله است امر فرموده است که جز او تعالی را نه پرستید) حاکمیت و فرمانروائی الله حکیم از طریق تطبیق شریعت او تعالی و تحکیم قرآن کریم و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - تحقق میابد.

اسم (حکم) به معنی صاحب حکم و داور در آیه (۱۱۴) سوره انعام وارد شده: (أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا) - "ای محمد - صلی الله علیه وسلم -! به مشرکین بگو: "آیا من غیر از الله داورى بخواهم؟ و حال آنکه او است که کتاب (قرآن) را که در آن همه چیز به تفصیل بیان شده به سوى شما نازل فرموده است).

ایمان و عقیده به هردو اسم (حکیم و حکم) در حالیکه قناعت و آرامش روحی و فکری بنده را فراهم می سازد و خالق و پروردگار بنده و کائنات با چنین دلایل آشکار قدرت و عظمت سزاوار آنست که حکیم باشد و حاکم باشد و حکم و داور باشد و بنده به حکم و عدالت او تعالی پابند و قانع و راضی باشد و در عین حال فرمانروائی و حاکمیت و عدالت (احکم الحاکمین و اسرع الحاسبین) خوف و بیم تجاوز از حدود احکام الهی و حساب سریع اعمال بندگان را در اذهان و افکار آنان ایجاد می نماید، و همه میدانند که عدالت الله حکیم و حساب روز جزا آمدنی است.

(فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ - الزلزله - ۷-۸) پس هر کس به اندازه و وزن یک ذره عمل خیر انجام داده باشد (پاداش نیک) آن را می بیند، و هر کس به اندازه و وزن یک ذره عمل شر کرده باشد (جزای) آن را می بیند.

## الله (جل جلاله)

### العدل

(۳۳)

کلمه (عدل) از نظر لغت به معنی انصاف و وضع شی در موضع آن و ضد مفهوم (ظلم) وارد شده و (ظلم) البته وضع شی در غیر موضع آن و تجاوز از حد انصاف و عدالت است.

در قرآن کریم بارها در تحقیق عدالت و جلوگیری از ظلم امر شده و بیشترین تأکید در نکوهش و نفرین از ظلم به عمل آمده است، چنانچه بزرگترین و بدترین گناه (شرک) به ظلم عظیم تعبیر شده. خداوند در سوره لقمان ۱۳- میفرماید: (إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ - بدون شک که شرک واقعاً ظلم بزرگ است) و در سوره فرقان- ۱۹- فرموده است: (وَمَنْ يَظْلِمِ مِّنْكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا - و هر کس از شما ظلم کند عذاب بزرگی به او می چشانیم). در امر عدالت، الله متعال میفرماید: (وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ - النساء- ۵۸- و هنگامیکه میان مردم حکم نمودید "در مقام حاکم قرار داشتید" به عدالت حکم کنید).

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ - النحل- ۹۰- به تحقیق الله متعال به عدل و احسان... امر میفرماید).

در نظام خلقت و شریعت الهی مفهوم عدالت به وضاحت متجلی است و خداوند عادل ظلم را بخود و بندگان خود تحریم نموده و اوتعالی در احکام و افعال خود از ظلم منزّه و پاک است.

مرادف کلمه (عدل) در قرآن کریم لفظ (قسط) وارد شده، خداوند در سوره (مائده- ۴۲-) فرموده است: (وَأِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ - و اگر میان آنها حکم نمودی پس به عدالت حکم کن، حقا که خداوند عادلان را دوست میدارد).

کلمه (عدل) به معنی (عادل) و لفظ (قسط) به معنی (مقسط) هم از نظر لغت و هم از فحوای آیات قرآنی وارد شده و از همین لحاظ در فهرست (الاسماء الحسنی) بروایت ترمذی هردو اسم (عدل و مقسط) از جمله نامهای زیبای الله ذکر شده است، اسم (عدل) به معنی عادل به وصف کلام الهی در قرآن کریم نیز ذکر شده و خداوند در سوره (انعام- ۱۱۵- میفرماید: (وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) و کلام پروردگار تو صادقانه و عادلانه بحد تمام رسید، هیچکس نمیتواند کلمات او را تبدیل نماید، و او است شنوا (به گفتار) دانا (به احوال).



الله (جل جلاله)

## اللطيف

(۳۴)

درسلسله بهترين نام هاى پروردگارما كه خويشتن را به آن مسمى فرموده است (اللطيف-يا لطيف) ميباشد، لطيف يا صاحب لطف بحيث نام و وصف الله (عزوجل) مفهوم نيكي و احسان و توفيق و تحقيق مصالح و منافع بندگان و مخلوق را با لطف و مهرباني زياد افاده مى كند، و نيز اسم مبارك لطيف آگاهي بر ابعاد و دقائق و اسرار امور و مصالح بندگان را احتوا مى كند و فقط پروردگار لطيف ميداند كه بنده به چه محتاج است و خير او در كجا است؟ به لطف و احسان و توفيق الهى آنها برآورده مى سازد و بنده به آثار رحمت و لطف پروردگارش دست ميايد بى آنكه اسباب و اسرار آنها دانسته باشد، اين مفهوم از آيه مبارك كه (اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ -الشورى- ۱۹) بخوبى درك ميگردد، الله به بندگان خويش لطيف و مهربان است، هر كه را خواسته باشد روزى ميدهد و اوتعالى توانا (و) غالب است. مظاهر لطف و مهرباني الله (عزوجل) در خلقت انسان از مرحله جنين در رحم مادر تا تمام ادوار زندگي و در تمام اجزاي خلقت و كائنات روشن و آشكار است و با اندك تفكر در دلائل قدرت و علائم حكمت قادر حكيم نشانه هاى لطف و احسان پروردگار درك ميگردد و هر قدر تفكر و دقت عميق تر و آموزش علمي بيشتر با ايمان راستين به وحدانيت و قدرت خداوند صورت بگيرد دلائل عظمت و قدرت و مراتب لطف و مرحمت الهى اضافه تر روشن ميگردد، به ارتباط اين امر خداوند كريم ميفرمايد: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ - آل عمران- ۱۹۰- به تحقيق كه در آفرينش آسمان ها و زمين و اختلاف شب و روز نشانه هاى روشني است براى خردمندان).

صفت لطف خداوند و نام مبارك (لطيف) غالباً با اسما و اوصاف (اللطيف الخير- العليم الحكيم- القوى العزيز) مقارن بوده و اين ميرساند كه لطف و مهرباني الله متعال توأم با آگاهي مطلق و علم كامل و حكمت و قدرت بى نهايت اوتعالى است و ايمان به هريك اين اسما و صفات در حاليكه اميد و اطمينان بنده را به لطف و مهرباني پروردگار تقويه مى بخشد در عين حال قدرت و عظمت و علم و حكمت مطلق اوتعالى در ذهن و نهاد بنده رسوخ ميايد و بنده در همه احوال پروردگار را حاضر و ناظر ميداند.

## الله (جل جلاله)

### الخير

(۳۵)

پروردگار ما (جل جلاله) در موارد زیادی در قرآن کریم خویشتن را بنام مبارک (خیر) مسمی فرموده مانند آیه مبارکه (وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ - البقره - ۲۳۴) و الله به همه کردار تان آگاه است) و آیه مبارکه (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ - الحجرات - ۱۳ - یقیناً گرامی ترین شما نزد الله با تقوی ترین شما است، بدون شک الله دانا (بهمه احوال) آگاه (به همه اسرار) است).

در برخی از آیات قرآن کریم نام های مبارک (علیم خیر) باهم و قرین همدیگر ذکر شده است، هرگاه یکی از این دو نام و دو وصف به تنهایی ذکر شود معنی هردو را افاده می کند و آن علم محیط و کامل خداوند در همه امور و همه احوال است، اما ذکر هردو نام (علیم خیر) باهم هر کدام تفسیر جداگانه دارد و (علیم) به معنی وسیع علم مطلق خداوند و (خیر) نوع خاص علم یعنی آگاهی در حقائق و اسرار نهانی امور و احوال بندگان است.

نام و وصف (خیر) با اسم و صفت (بصیر) نیز باهم ذکر شده مانند آیه مبارکه (إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ - فاطر - ۳۱ - یقیناً الله به (امور و احوال و اعمال) بندگان خوب آگاه (و) بینا است). این اوصاف و اسماء بخوبی میرساند که هیچ ذره ای در قلمرو خلقت و کائنات و بندگان الله متعال اعم از ملک و جن و انسان از احاطه نظر و علم خداوند بیرون و پوشیده نیست و هرگاه نیازی در دل بنده خطور کند قبل از آنکه آنرا بر زبان بیاورد الله (عالم مافی الصدور) آنرا میداند و اگر خواسته باشد آنرا بر آورده سازد.

ایمان به این اسماء مبارک و عقیده به اینکه الله متعال علیم و خیر است، خیر و بصیر است اعمال و احوال و اقوال بندگان در دایره همین عقیده تنظیم خواهد شد و هیچ بنده فکر نخواهد کرد که ذره ای از امور و احوال او در ظاهر و باطن از علم و حساب خداوند پوشیده بماند.

(وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ - الحشر - ۱۸ - واز الله بترسید) خویشتن را از عذاب خداوند نجات دهید (یقیناً که الله به آنچه انجام میدهید آگاه است).

## الله (جل جلاله)

### الحليم

(۳۶)

صفت (حلم) به معنی ضبط نفس و قدرت عفو و گذشت و فروبردن قهر و غضب است در برابر هر عامل خشم و گناه و یا جهالت و سرکشی که عموماً "موجب برآشفته‌گی و عدم تحمل می‌گردد، شخص درحالت ضعف که از ناتوانی گذشت نماید به صفت (حلم) نایل نمی‌گردد و (حلم) آنست که با داشتن قدرت مجازات، عفو کند و بر خشم و غضب غالب آید.

الله (جل جلاله) در جمله بهترین نام‌ها و اوصاف مبارک خود می‌فرماید که او تعالی، حلیم است. (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ - البقره - ۲۳۵ - و بدانید که الله آمرزنده حلیم است). صفت (حلم) در مورد پروردگار مهربان عفو و رحمت او تعالی را افاده می‌کند، همین صفت عفو و رحمت الله متعال سبب شده است که با وجود فساد و گناه بندگان خداوند به آنها روزی و نعمت می‌دهد و در جزای اعمال شان در دنیا شتاب نمی‌ورزد، چنانچه او تعالی می‌فرماید: (لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلْ لَهُمُ الْعَذَابُ - الکهف - ۵۸ - اگر پروردگار منکران آیات خود را بخاطر آنچه که انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد حتماً "بزودی و بدون تأخیر عذاب الهی را بر آنها نازل می‌نمود) حلم و صبر و ستر خداوند حتی شامل دشمنان او تعالی گردیده و در حالیکه آن دشمنان کفر می‌ورزند و به الله یگانه شریک می‌آورند و آیات او (عزوجل) را قبول ندارند باز هم به آنها مهلت می‌دهد و ندامت شانرا می‌پسندد و دروازه رحمت خداوند در برابر توبه و مراجعت آنها باز است.

صفت حلم الله - سبحانه و تعالی - در قرآن کریم به اسم و صفت (غفور، غنی، علیم و شکور) وصل شده چنانچه می‌فرماید: (وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ - البقره - ۲۲۵ - وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ - البقره ۲۶۳ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ - النساء - ۱۲ - وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ - التغابن - ۱۷) هریک این صفات به مفهوم حلیم ارتباط مستقیم دارد، بخشایش و حلم دارای یک اصل است، و وصف (غنی) می‌رساند که حلم خداوند از احتیاج و ضرورت نیست و خداوند بی‌نیاز است، و پیوند حلیم و علیم از آنست که حلم و عفو خداوند از بی‌خبری و عدم آگاهی نیست، بل علم خداوند علیم بر همه مخلوق

و بندگان اوتعالی احاطه کامل دارد، انفاق در راه خدا و اعمال خیر از نظر الله پوشیده نیست و الله شکر گزار صاحبان این اعمال است. و خداوند علیم از احوال بندگان آگاه است، و الله بصیر اعمال بندگان را می بیند، و الله سمیع اقوال و دعای بندگان را می شنود، اوتعالی حلیم و غفور است، او غنی و بی نیاز است و همه به او نیاز دارند. الله حلیم (عزوجل) طوریکه اسم و وصف حلیم را بخود پسندیده است بر بندگان صالح و برگزیده خود نیز این وصف را می پسندد، چنانچه در وصف یک پیامبر بزرگ خود (ابراهیم - علیه السلام) می فرماید: (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ - هود - ۷۵ - واقعا " ابراهیم بسیار حلیم و بردبار و بسیار آه و تضرع کننده به پیشگاه پروردگار، توبه گار و روی آورنده به سوی آفریدگار بود).

پیامبر عظیم و معظم ما رسول اکرم محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - بلندترین مقام حلم و عفو و گذشت را داشتند و حتی در برابر کفر و اذیت و دشمنی و قتال دشمنان خود به عوض قهر و غضب و انتقام و مجازات در حق آنها دعای مغفرت میکردند و می گفتند: (اللهم اغفر لقومی فانهم لا یعلمون - الهی قوم مرا (دشمنان مرا) ببخش بخاطریکه آنها نمیدانند).

الله (جل جلاله)

## العظیم

(۳۷)

الله-عزوجل- در جمله بهترین نامهای او تعالی نام و وصف (العظیم) را بخود پسندیده است. ترجمه معنای (العظیم) به کلمه (بزرگ) مفهوم کامل (العظیم) را افاده نمی کند اما به منظور سهولت تعبیر آنرا به (بسیار بزرگ) یاد می کنیم و نیز خوشبختانه کلمه (عظیم) در زبان های خود ما استفاده می شود و میتوانیم بگوئیم که الله بسیار بزرگ است و یا الله عظیم است. الله عظیم میفرماید:

(فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ-الواقعه-۹۶- پس ای پیامبر- صلی الله علیه وسلم- بنام پروردگارت که عظیم است تسبیح بگوی- پروردگار بسیار بزرگ خود را بپاکی و تقدیس یاد کن) هنگامیکه این آیه کریم درختم سوره (الواقعه) نازل شد و الله- عزوجل- به تقدیس و تعظیم و تسبیح ذات عظیم خود امر فرمود، رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- اصحاب شانرا هدایت دادند تا این دستور الهی را در رکوع نماز هایشان قرار دهند و از همین رو مسلمانان جهان از قرن ها به اینطرف هنگامیکه در رکوع میروند (سبحان ربی العظیم) میگویند. خداوند بزرگ در آیه الكرسی فرموده است:

(وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ-البقره-۲۵۵- احاطه کرسی و پهنای علم او تعالی آسمان ها و زمین را فرا گرفته و نگهبانی آنها براو آسان و بدون مشقت است و او تعالی از همه بالاتر و باعظمت است). الله- عزوجل- باصفت عظمت و جلال و کمال و کبریائی خود بسیار بزرگ و عظیم است، او تعالی در همه چیز و همه حال عظیم است، در ذات خود و در اسما و صفات خود، در قدرت خود، در رحمت خود، در عطا و انعام خود، در عفو و بخشایش خود، در ایجاد و خلقت خود، در جبروت و کبریائی خود عظیم است و عظیم مطلق که هیچ عظمت و بزرگی مانند عظمت او تعالی نیست.

رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- همیشه تسبیح و تعظیم و تقدیس پروردگار شانرا به اسم عظیم او تعالی مینمودند و مخصوصاً " هنگامیکه ناراحت می بودند و یا به مشکلی مواجه می شدند میگفتند: لا اله الا الله العظیم

الحلیم- لا اله الا الله رب العرش العظیم. وصف (عظیم) را پروردگار بزرگ به اخلاق برگزیده پیامبر محبوب خود  
محمد مصطفی- صلی الله علیه وسلم- عنایت فرموده و میفرماید: (وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ - القلم ۴- و به تحقیق  
که تو ای محمد- صلی الله علیه وسلم- دارای خلق عظیم هستی-) و این می‌رساند که تعظیم رسول اکرم- صلی الله  
علیه وسلم- جزء تعظیم پروردگار است.

سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم

وصلی الله وسلم علی النبی الکریم وعلی آله و صحبه اجمعین.

الله (جل جلاله)

## الشاکر - الشکور

(۳۸) (۳۹)

الشکور مبالغه الشاکر و هردو از بهترین نام های الله - سبحانه و تعالی - است، مصدر هردو اسم کلمه (شکر) است و شاکر یعنی شکر گزار و شکور بسیار شکر گزار می باشد، الله - عزوجل - در قرآن کریم در حالیکه خویشتن را به نام و وصف (شاکر و شکور) ذکر میفرماید، بندگان خود را به ادای شکر (در برابر نعمت های خود، امر می نماید: (فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ - البقره - ۱۵۲ - پس مرا یاد کنید تا شمارا یاد کنم و شکر نعمت مرا بجا آرید و کفران نعمت نه نمائید).

بنده شکر گزار شکر پروردگار خود را به زبان و به قلب و به عمل بجا می آورد، عقیده و احساس قلبی مؤمن و ذکر آن بزبان و تمثیل آن در عمل در دائره ایمان و عبادت بنده را در برابر آفریدگارش شکر گزار می سازد، و شکر الله شاکر و شکور در آنست که شکر و ذکر و عبادت بنده را قبول بفرماید و در برابر قول و فعل اندک پاداش بزرگ عنایت نماید، خطا و گناه بنده را ببخشد، نعمت های فراوان خود را برای بندگان شکر گزار افزایش بخشد (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ - ابراهیم - ۷ - اگر شکر گزار باشید حتما "نعمت های خود را به شما افزون کنم).

الله شاکر و شکور این نام و صفت مبارک خود را قرین نامها و صفات (علیم، غفور، حلیم) ذکر می فرماید: (فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ - البقره - ۱۵۸ - إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ - الشوری - ۲۳ - وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ - التغبان ۱۷) معانی این اسماء و اصول آن بهم پیوند بسیار نزدیک دارند از احاطه علم کامل و مطلق الله - عزوجل - هیچ قول و عمل انسان پوشیده نمانده، به خیر آن الله شاکر و شکور پاداش نیک و وافر میدهد و از شر آن الله غفور و حلیم (اگر بخواهد) عفو میفرماید.

ایمان و عقیده به این اسماء و صفات خداوند پیوند بنده و پروردگارش را راسخ تر و قوی تر می سازد، و قلب و زبان و عمل بنده سپاسگزار نعمت ها و الطاف الله شاکر و شکور خواهد بود.

الله (جل جلاله)

## العلی - الاعلی - المتعال

(۴۰) (۴۱) (۴۲)

الله - جل جلاله - در کتاب محفوظ و جلیل خود خویشتن را بهر سه نام و وصف (العلی - الاعلی - المتعال) ذکر فرموده است، معانی این اسماء و صفات بهم نزدیک بوده و از مصدر (عُلُو و علاء) به معنی بلندی و رفعت و جلال و عظمت اشتقاق یافته اند، از آیات کریمه که این اسماء دران وارد شده است:

(لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ - الشوری - ۴) آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ملک او است و او بلندتر و بالاتر از همه و بسیار بزرگ است). (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى - الاعلی - ۱) به تعظیم و پاکی یاد کن نام پروردگارت را که بسیار بالاتر از همه چیز و از هر مقام است) با نزول این امر، رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - تسبیح (سبحان ربی الاعلی) را در سجده نماز مقرر فرمودند. (عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ - الرعد - ۹) او تعالی داناو آگاه جهان غیب و آشکار، بزرگ، برتر و والا و منزّه است).

مفهوم عظمت و جلال و کبریایی و برتری که از نام های (العلی الاعلی المتعال - یا - المتعالی) برمی آید هریک این اوصاف والا در ذات اقدس الله (تبارک و تعالی) در اسما و صفات او تعالی، در قدرت و قهر قادر مطلق صدق می کند، او تعالی برتر و بالاتر و بلندمرتبه و بسیار بزرگ از همه و هرچیز است و هیچ مثال و شباهتی به جلال و عظمت ذات و صفات او تعالی وجود ندارد .

( ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم - و از هر چه گفته اند و شنیده ایم و خوانده ایم )

عقیده و ایمان به این اسماء و صفات (العلی - الاعلی - المتعال) مؤمن را و میدارد تا تسبیح و تعظیم و عبادت خود را خاص به الله (جل جلاله) ادا نماید، خاص به او تعالی اتکاء و توکل کند، تنها از او بخواهد و تنها از او بترسد، بالاتر و برتر از مقام و قدرت او مقام و قدرتی نیست و او است الله العلی، الله الاعلی، الله المتعال (جلت عظمته).



الله (جل جلاله)

## الکبیر

(۴۳)

پروردگار جلیل و عظیم خویشتن را به اسم ووصف مبارک (الکبیر) یادفرموده و به پیامبر برگزیده خود محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - امر نموده است: (يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ - المدهثر ۱-۳- ای جامه بسر کشیده! ای پیامبر بحالت خواب آرمیده!) برخیز، پس (مردم را از عذاب الهی) برحذر کن و بیم بده، و پروردگارت را به عظمت و کبریائی یاد کن).

اسمای مبارک (الکبیر - العلی - المتعال - العظیم...) بارها در قرآن کریم قرین همدیگر ذکر شده و معانی آن عظمت و جلال و کبریائی و علو شأن و مقام مالک الملک و رب العالمین را افاده می کند، پروردگار جهان ها میفرماید: (فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ - غافر ۱۲- پس حکم و داوری و فرمان فقط از الله والا مقام و عظیم الشأن و بزرگ است.

(إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا - النساء ۳۴- به تحقیق الله بلند مرتبه و بزرگ است). تکبیر (الله اکبر) ایمان به عظمت و جلال و کبریائی پروردگار و یاد آن عظمت و بزرگی شأن و مقام به قلب و زبان مؤمن است، هنگامیکه مؤمن (الله اکبر) میگوید قلب او پر از احساس قدرت و عظمت و مقام والای پروردگارش گردیده هر بزرگ و قدرت دیگر در نظرش خورد و کوچک میگردد، از هیچکس نمی ترسد و یگانه بیم او از الله بزرگ، و یگانه اتکای او پروردگار توانای او است. یاد بزرگی و جلال و عظمت الله متعال یعنی تکبیر (الله اکبر) برجسته ترین شعار اسلامی است.

در آذان، در نماز، در روز و در شب، در جهاد و غزا، در صلح و صفا، در سفر و حضر، در حج و عمره و در همه احوال و اوضاع شعار (الله اکبر) از قلب مؤمن بر میخیزد و بر زبان او جاری میگردد، قلب مؤمن را نیرو می بخشد، عزم او را راسخ می سازد، اتکاء و اطمینان او را تقویه می نماید.

( به خاطر دارم در دهه تجاوز عسکری اتحاد شوروی دهه ۱۹۸۰) بر افغانستان و موج قیام ملت مجاهد افغان یک افسر روس گفته بود: ما از هر حیث نسبت به افغان ها نیرومند هستیم و انواع اسلحه ما را آنها ندارند اما آنها یک سلاح دارند که ما نداریم و آن "الله اکبر" است (الله اکبر والله الحمد.

الله (جل جلاله)

## الحافظ - الحفیظ

(۴۴) (۴۵)

الله (عزوجل - در کتاب کریم خود خویشتن را به نام ووصف (حافظ و حفیظ) ذکر فرموده است. او تعالی میفرماید: (فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ - یوسف - ۶۴) پس الله بهترین حافظ و نگهبان است و او تعالی مهربان تر از همه مهربانان است). (إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ - هود - ۵۷) به تحقیق پروردگار من بر همه چیز نگهبان، ناظر و آگاه است). کلمه (حفظ) معنی نگهداشت و حمایت شیء یا اشیاء را از ضیاع و زوال افاده می کند و (حافظ) مفهوم حامی و نگه دارنده و مواظب را میرساند اما (حفیظ) مبالغه حافظ است و معنی حفظ در حفیظ بحد کمال و زیادت حفظ است، حفظ و حافظ در اوصاف بشری به مفاهیم زیادی از قبیل حفظ اموال، حفظ اسرار، حفظ حقوق، حفظ ناموس و حفظ استقلال و همچنان حافظ املاک و حافظ قرآن و حافظ امانات و غیره بکار برده میشود، اما حافظ و حفیظ بحیث اسما و صفات الله متعال مفهوم کامل و مطلق حفاظت و حمایت و نظارت رب العالمین را از همه کائنات و از کافه اجزای خلقت افاده می نماید، ذره ای از آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست و هیچ ذره ای از اعمال بندگان و حیات آنها از قلمرو حفاظت و مراقبت و آگاهیء پروردگار حفیظ بیرون نیست، به ارتباط حفظ آسمان ها و زمین خداوند میفرماید: (وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ - البقره - ۲۵۵) و نگهبانی آسمان ها و زمین بر او تعالی آسان و بدون مشقت است و او است از همه بالاتر، والا مقام و با عظمت).

از معانی حفظ و حمایت پروردگار حفیظ، حفظ تمام ساحه های خلقت و کائنات از تباهی و زوال است تا وقتی که او تعالی خواسته باشد - او تعالی حافظ کتاب خود از هر نوع تغییر و تبدیل است، و میفرماید: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ - الحجر - ۹) ما خود قرآن را نازل کردیم و حتما "ما خود نگهبان آن هستیم" خداوند حفیظ حافظ اعمال بندگان و آگاه افعال و احوال و مافی الصدور آنها است. حفاظت و حمایت خداوند حفیظ شامل بندگان صالح و مقرب درگاه الهی است و آنها را از گمراهی و تباهی و از رفتن براه شیطان باز میدارد، و این مصداق حدیث مبارک نبوی است که میفرماید: (احفظ الله يحفظك - الله را حفظ کن ترا حفظ می کند) حفظ الله از جانب بنده حفظ اوامر و اطاعت او تعالی است و آنگاه بنده در ساحه حفظ و حمایت پروردگار قرار می گیرد.

الله (جل جلاله)

## المُقِيت

(۴۶)

المُقِيت یکی از اسماء الله الحسنی است که الله متعال خویشتن را در کتاب کریم خود به آن معرفی فرموده است. معنی (المُقِيت) آفریننده و بخشنده (قوت و اقوات) یعنی رزق و ارزاق مخلوقات است، اقوات یا ارزاق که به قدرت و رحمت پروردگار به بندگان و خلایق میرسد به صورت غذا و نیازهای بدنی سلامت جسمی و رمق حیات آنها را تأمین می نماید، درعین حال اقوات و ارزاق نیازهای روحی و معنوی مخلوق را از قبیل معرفت و سلامت فکری انسان برآورده می سازد.

المُقِيت به معنی صاحب قدرت کامل در خلق و اعطای قوت و توزیع آن مطابق حکمت و تدبیر الهی می باشد، از خصوصیت اقوات قابلیت حفظ آن بر اساس احتیاج مخلوق است و ازین لحاظ اسم (المُقِيت) مانند (الحفیظ) مفهوم نگهبان و ناظر توانا را افاده می کند.

کلمه (مُقِيت) بحیث نام وصف الله (جل جلاله) درین آیه کریمه ذکر شده است:

(مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا - النساء - ۸۵) کسیکه در امر نیکوئی شفاعت (سفارش و کمک) می نماید از (پاداش) آن بهره ای خواهد داشت و کسیکه در امر ناشایسته ای وساطت و سفارش نماید در (گناه) آن سهم می گیرد و الله (متعال) بر هر چیز ناظر و توانا است

ایمان و عقیده به این نام و وصف پروردگار بنده را به قدرت و ربوبیت رب العالمین بیشتر معتقد می سازد و قدرت و نظارت الهی را در کسب و جمع و صرف ارزاق و اقوات و حدود حرام و حلال آن در نظر و عمل رعایت می نماید.

## الله (جل جلاله)

### الحسیب

(۴۷)

الحسیب بحیث یکی از بهترین نام های الله متعال در قرآن کریم به دو معنی وارد شده است: یکی به مفهوم ناظر و محاسب و دیگر به معنی کافی و بسنده، یعنی الله - عزوجل - محاسب و مراقب اعمال بندگان در همه احوال بوده و هیچ ذره ای از کردار و هیچ حرفی از گفتار و هیچ حالتی از اندیشه و تفکر بندگان از احاطه محاسبه و نظارت الله متعال بیرون نیست. معنی دوم (الحسیب) که کافی و بسنده و کفایت کننده است به این مفهوم که الله - سبحانه و تعالی - به قدرت و عظمت و کبریائی خود به حمایت و رعایت و نصرت بندگان مؤمن در برابر هر حادثه و هر دشمن و هر مشکل کافی است و بنده مؤمن با ایمان و اعتماد کامل به قدرت و حمایت پروردگار مانع و مشکلی در ایفای وجائب و مسئولیت های خود نمی بیند و از هیچ قدرت دیگرهراسی ندارد و به هیچ قدرتی غیر از پروردگارش اتکا نمی کند، و شعار بنده مؤمن در هر حالت (حسبی الله ونعم الوکیل) می باشد (الله به من کافی است و او است بهترین حامی و کار ساز). در مورد (الحسیب) به معنی ناظر و محاسب، خداوند میفرماید (وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا - النساء - ۶) والله برای محاسبه (خلق) کافی است. (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا - النساء - ۸۶) به تحقیق که الله حساب گیرنده همه چیز است (حساب خداوند در روز حساب، دقیق و کامل و سریع به عدالت مطلق و علم مطلق الله متعال صورت می گیرد (لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ - غافر - ۱۷) امروز (روز جزا و روز حساب) هیچ ظلم و ستم و جود ندارد، بدون شک الله سریع الحساب و زود شمار است). الحسیب به مفهوم کافی و بسنده در آیات کریمه به صورت متعدد وارد شده و از جمله خداوند متعال میفرماید: (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ - آل عمران - ۱۷۳) الله بما کافی است و او تعالی بهترین حامی و کارساز است (ایمان و عقیده به اینکه الله عزوجل ناظر و محاسب اعمال و احوال بندگان است پهنای علم مطلق و عدالت کامل و حقیقت روز جزا و روز حساب را بخاطر میدهد و بنده را به سوی تقوی و بیم عذاب سوق میدهد و همچنان اتکاء و اعتماد به اینکه الله متعال یگانه حامی و کارساز بندگان خود است بنده به غیر الله تسلیم نخواهد شد و یگانه اتکاء و امید و یگانه بیم و هراس او از خالق بینا و توانا خواهد بود و بس.

الله (جل جلاله)

## الجليل

(۴۸)

اسم (الجليل) به همین لفظ در جمله اسماء الله الحسنى در قرآن کریم وارد نشده اما در حدیث معروف ترمذی بحیث یکی از بهترین نام های الله متعال ذکر شده است، الجلیل اسم موصوف به صفات جلال است و لفظ (جلال) دوبار در سوره (الرحمن) به صورت ذیل وارد شده است: (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ-الرحمن-۲۶-۲۷- هر آنچه و هر کس که بر روی زمین است فنا و نابود میگردد و تنها ذات با عظمت و گرامی پروردگار تو باقی میماند و بس) (تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ-الرحمن-۷۸- نام پروردگار با عظمت و بزرگوار تو مبارک و گرامی است) (جلال) به معنی بزرگی مقام و عظمت شأن و قدرت الله متعال درین دو آیه مبارکه ذکر شده و هنگامیکه در برخی از احادیث قدسی خداوند سوگند یاد مینماید میفرماید: (فبعتی و جلالی- سوگند به عزت من و جلال من).

در ادب ذکر نام (الله) که خود لفظ (جلاله) گفته میشود عموماً "مقارن اسم مبارک (الله) عبارت (جل جلاله) علاوه میگردد. اسم (الجليل) که صفت مشبیه بمعنی فاعل است از مصدر (جلال و جلاله) گرفته شده مفهوم صاحب جلال و بزرگی و عظمت قدر و شأن را افاده می کند، و الله الجلیل: (عظیم القدر بجلاله و کماله فی ذاته و جمیع صفاته- الله بزرگ مقام و دارای عظمت در جلال و کمال و در ذات و جمیع صفات او تعالی است)

اسم (الجليل) در حالیکه در برخی از مطالعات علمی (اسماء الله الحسنى) شامل فهرست آن اسما نیست و همچنان تشخیص اسم از اشتقاق مصدر آن در مورد (الاسماء الحسنى) بخاطر توقیفی بودن این اسماء متعارف نیست اما در مورد (الجليل) که مفهوم آن مرادف (ذی الجلال) است و آن در متن آیه کریمه سوره (الرحمن) وارد شده و نیز به دلایل خصوصیت ذکر و مقام لفظ (جلال و جلاله) اسم (الجليل) وارد فهرست حدیث روایت ترمذی می باشد.

بهر صورت عقیده به اسم (الجليل) بنده را به استحضار عظمت مقام و شأن و قدرت بزرگ الله جلیل وامیدارد و بنده به آن اتکاء می کند و (جل جلاله) را با نام الله از دل بر زبان میراند.

الله (جل جلاله)

## الکریم - الاکرم

(۴۹) (۵۰)

از جمله (اسماء الله الحسنی) که الله متعال خویشتن را در کتاب کریم خود به آن معرفی میفرماید: (الکریم - و - الاکرم) می باشد. (يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ؟ الانفطار-۶- ای انسان! چه چیز ترا فریفته و در برابر پروردگار بزرگ و مهربانت مغرور ساخته است؟) (اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ . الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ - العلق-۳-۴- بخوان و پروردگار تو از همه بزرگوارتر و بخشنده تر است، آن پروردگاری که انسان را به وسیله قلم نوشتن آموخت) کریم به معنی جواد و بخشنده، کریم به معنی عزیز و غالب و کریم به معنی بزرگ و مهربان، و هریک این اوصاف به کاملترین و بزرگترین مفهوم بنام الله کریم صدق می کند، الله کریم است و الله اکرم است و اکرم بخشنده تر و مهربان تر و بزرگوارتر که مثال او و برتر از او وجود ندارد و از همه برتر و بزرگتر است. خداوند کریم این وصف کریم را به کتاب خود قرآن کریم داده و میفرماید: (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ - الواقعة-۷۷-۷۸- همانا این کتاب واقعا قرآن کریم) قرآن گرانقدر و بزرگ مقام است، در کتابی پنهان و محفوظ (لوح محفوظ) قرار دارد). وصف کریم به عرش الهی و جبرئیل امین و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - نیز عنایت شده است: (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ - المؤمنون-۱۱۶- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ - التکویر-۱۹- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ - الحاقه-۴۰-۴۱) ترجمه معانی آیات کریم: هیچ معبودی بحق جز او تعالی نیست، پروردگار عرش کریم (عرش عظیم) است. به تحقیق این کتاب (کلام خداوند و) تبلیغ رسول کریم (جبرئیل) علیه السلام به محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم است. بدون شک این قرآن (کلام خدا است و به) گفتار رسول کریم (محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم) تبلیغ میشود و هیچ گاه گفتار کدام شاعر نیست و شما کمتر ایمان مبادرید. کرم وجود و بخشایش الله کریم حدود و نهایت ندارد، عطا و احسان و انعام او تعالی شامل همه مخلوق او است به حقدار و بی حق، به خواسته و نا خواسته، به گناهکار و آراسته به همه می بخشد، عفو می کند، انعام و احسان مینماید، او تعالی کریم و اکرم مطلق است، ایمان و عقیده به الله کریم امید راسخ و اتکای کامل را در قلوب بندگان تقویه می کند و بنده آنچه میخواهد از پروردگار کریم خود میخواهد.

## الله (جل جلاله)

### الرقیب

(۵۱)

(الرقیب) یکی از بهترین نام های الله متعال است و در کتاب کریم خداوند بحیث نام و وصف او تعالی ذکر شده است: (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا - النساء - ۱) بدون شک الله (متعال) مراقب (اعمال و احوال) شما است. (وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا - الاحزاب - ۵۲) و الله بر همه چیز مراقب و نگهبان است)

رقیب به معنی حافظ، ناظر، شاهد، و نگهبان وارد شده و مفهوم آن بحیث نام و وصف الله سبحانه و تعالی - پهنای علم محیط الله متعال را در همه اشیا و همه اعمال و همه احوال و نظارت و مراقبت شامل و کامل و دقیق او تعالی را بر تمام خلقت و کائنات افاده می کند، هیچ ذره ای از خیر و شر از دایره رقابت و علم الله - عزوجل - بیرون نیست، خداوند می بیند، می شنود، میداند و از اعماق سینه ها و دلها آگاه است.

غرس صفت (رقیب) و رقابت و نظارت خداوند بر اعمال و احوال بندگان در قلوب مؤمنان و عقیده و ایمان به اینکه الله رقیب است، بینا، شنوا و آگاه است جرأت گناه را از بنده سلب می کند و احساس بیم و حیا از خداوند رقیب در دلش زنده می شود و بنده را به طرف تقوی سوق میدهد.

وسائل گناه و انحراف مخصوصاً "از طریق تکنالوژی معلومات در عصر حاضر که متأسفانه به عوامل فساد تبدیل شده است و به همان اندازه که سرعت و سهولت معلومات و اوضاع را فراهم می کند، خطر انحراف و شیوع فحشاء و گناه را آماده ساخته است، استفاده از خیر و محاسن این وسائل و جلوگیری از شر و فساد آن فقط از طریق غرس مبادی اخلاق و ترسیخ عقیده رقابت و نظارت خداوند بر اعمال احوال بندگان در اذهان و افکار مؤمنان و مخصوصاً "طبقه جوان آنها ممکن شده می تواند.

قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. - یوسف - ۶۴ -

الله (جل جلاله)

## القريب - المجيب

(۵۲) (۵۳)

نام های زیبا و دلنشین (القريب و المجيب) هردو از اسماء الله الحسنی بوده و در قرآن کریم در جوار همدیگر ذکر شده اند الله متعال میفرماید: (فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ - هود-۶۱) - هنگامیکه پیامبر خدا صالح علیه السلام - قوم خود (قوم ثمود) را به عبادت و توحید الله واحد دعوت می نماید و از شرک و نافرمانی خداوند باز میدارد و به آنها چنین تعلیم میدهد: پس از الله طلب آمرزش کنید و سپس به سوی او برگردید (توبه کنید) به تحقیق که پروردگار من (به بندگان خود) نزدیک و اجابت کننده است). الله متعال به بندگان خود قریب است، نزدیک است و دور نیست، دعا و تضرع و آه و ناله بنده را می شنود و آنرا می پذیرد و اجابت میفرماید، قربت و اجابت بهم رابطه مستقیم دارند و این رابطه درین آیه کریمه منعکس شده است: (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ - البقره-۱۸۶) - و چون بندگان من از تو (ای پیامبر - صلی الله علیه وسلم) در باره من پرسند پس به تحقیق که من به آنها نزدیکم، اجابت نمایم دعای دعاکننده را اگر مرا بخواند). قریب و مجیب دو نام امید بخش و دو منبع اتکا و اطمینان که قلوب بندگان را نیرو می بخشد و بنده را از اسارت یأس و ناامیدی رهایی می بخشد. قربت و اجابت و یانزدیکی پروردگار به بندگان و پذیرفتن دعای آنها، نزدیکی و احاطه علم خداوند، احاطه رحمت و بخشایش خداوند و شنیدن صدا و دعای بندگان و قبول و پذیرفتن آنرا افاده می کند. الله قریب و مجیب اعمال و احوال بندگان خود را می بیند، صدا و دعای آنها را می شنود و از خواطر و افکار درون دلهای آنها باخبر است، دعا و نیایش که ناشی از ایمان و اخلاص بنده باشد طرف اجابت و پذیرش الهی قرار می گیرد و دعا و توبه هر بنده مؤمن و حتی بنده گنه گار به نزد پروردگار مهربان از صدای تسیح ملائک محبوبتر است. دعا و نیاز پروردگار، یگانه پناه و امید بنده مؤمن است و خاصیت "در حالت اضطراب و یأس که بنده همه چیز را از دست داده باشد از بزرگترین انسان ها تا بندگان ناتوان و فقیر فقط به دعا و نیایش خداوند پناه می برند. ابراهیم علیه السلام - هنگامیکه در میان آتش انداخته می شد (حسبی الله ونعم الوکیل) گفت و آتش سرد و آرام شد. حضرات نوح و یونس و زکریا علیهم السلام و سید انبیا محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - در حالات بسیار مشکل و اضطراب دعا و اتکاء بر رحمت پروردگار بزرگ و مهربان پرداختند و الله قریب و مجیب، دانا و بینا و شنوای احوال و دعای آنها بود و بهر یک اجابت فرمود و هر کدام در محل نوازش و پذیرش الله متعال قرار گرفتند، این قربت و اجابت الله (القريب و المجيب) مخصوص پیامبران و برگزیده گان نیست بل شامل تمام بندگان مؤمن و حتی اهل گناه و عصیان نیز می باشد.



الله (جل جلاله)

## الواسع

(۵۴)

الواسع به معنی گشایشگر و فراگیرنده و صاحب پهنای وسیع و فراخ یکی از نام های نیکوی پروردگار است. اسم ووصف (الواسع) در قرآن کریم عموماً "قرین علم، حکمت، مغفرت و رحمت خداوند ذکر شده و این میرساند که مفهوم وسعت و احاطه در هریک این اوصاف؛ بی پایان و فراگیر است.

الله متعال میفرماید: (إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ - البقره - ۱۱۵ - به تحقیق خداوند (به رحمت خود) به همه جا محیط و به هر چیز دانا است). (وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا - النساء - ۱۳۰ - و خداوند صاحب نعمت و رحمت بی پایان (و در تدبیر امور بندگانش) حکیم است). (إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ - النجم - ۳۲ - بدون شک که پروردگار تو مغفرت و آمرزش گسترده و فراخ دارد). (وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ - الاعراف - ۱۵۶ - و پهنای رحمت من همه چیز را فرا گرفته است).

مثال های وسعت و گشایش مربوط به نام مبارک الله (الواسع) در قرآن کریم و در پهنای بی پایان خلقت و قدرت الله - عزوجل - اندازه و حدود ندارد، وسعت درجود و کرم و رزق و روزی پروردگار به بندگان و مخلوق زنده جان و حتی به زمین و هوا و نبات همواره مشهود است، از پهنای علم خداوند هیچ ذره ای در عالم خلقت او تعالی پوشیده نیست، خداوند همه را می بیند و هر چیز را میداند و از هر بیان و نهان آگاه است. ساحه احکام و شریعت الهی بر مبنای حکمت و رحمت خداوند همان وسعت و قواعد روشنی دارد که نیاز حیات مسعود دنیا و آخرت بندگانش را تأمین می نماید.

نام و صفت (الواسع) در جمله (اسماء الحسنی) و عقیده و ایمان به آن دروازه های وسیع امید و اطمینان و اتکاء را بروی بندگان باز می کند و مخصوصاً "هنگامیکه بنده در مشکل و مصیبت واقع شود، مورد ظلم و ستم قرار بگیرد - فقر و ذلت او را تهدید نماید، روی به پروردگار گشاده رحمت می نماید و دست نیاز بدرگاه بی نیاز بلند میکند، به رحمت او تعالی پناه می برد، و یقین دارد که دست رحمت او را نجات بخشد (قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ - آل عمران - ۷۳ - بگو (ای محمد ص) بزرگی و فضل (هدایت و توفیق و مدد) به ید قدرت و اراده و حکمت خداوند است، بهر که خواسته باشد آنرا عنایت فرماید، ساحه نعمت و عطای خداوند نهایت وسیع است و او تعالی از احوال بندگان خود بخوبی آگاه است.

## الله (جل جلاله)

### الودود

(۵۵)

الودود نام دلنشین و امید بخش از ( اسماء الله الحسنی) به معنی بسیار دوستدار و مهربان و دارنده محبت و لطف وافر به بندگان مؤمن و صالح پروردگار است، الله متعال بندگان خود را دوست دارد، به اولاد آدم (انسان) نسبت به اکثر مخلوقات برتری داده و آنرا در محل اعزاز و تکریم قرار داده است: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... الاسراء-۷۰- و به تحقیق ما فرزندان آدم را گرامی داشته ایم) تکریم و گرامی داشت انسان با اعطای نعمت عقل، دانش، اراده، نیروی کار و ابتکار و قدرت بیان و نگارش و سائر عوامل برتری انسان بر همه مخلوقات (به استثنای فرشتگان) فراهم گردیده و با این همه پروردگار ودود قامت رسا و بهترین شکل و صورت زیبا را نصیب انسان فرموده است، اوتعالی میفرماید:

(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ-التین-۴-بدون شک ما انسان را در بهترین شکل و زیباترین نظام (از لحاظ جسم و روح) آفریده ایم).

از مظاهر محبت و لطف پروردگار به بندگان بر گزیدن پیامبران عظام و فرستادن کتب و هدایات آسمانی و عوامل نجات انسان از گمراهی و تباهی است، بندگان صالح و مقرب درگاه الهی در دنیا و آخرت فضیلت و مقام خاص دارند، اما دروازه رحمت و بخشایش پروردگار به بندگان گنه کار و گمراه نیز باز است اگر به سوی خالق ودود برگردند، خداوند دوست دارد توبه و نیایش بنده اش را بپذیرد.

صفت و نام (ودود) در قرآن کریم یکبار مقارن وصف (رحیم) ذکر شده (إِنَّ رَبِّيَ رَحِيمٌ وَدُودٌ-هود-۹۰

بدون شک پروردگار من بسیار مهربان، بسیار دوستدار بندگان مؤمن و برگشته به سوی خالق شان است).

باردیگر (الودود) با (الغفور) یکجا وارد شده (وَهُوَ الْعَفُورُ الْوَدُودُ- البروج-۱۴- و اوتعالی بسیار آمرزنده

برای بندگان که از گناه توبه کنند و بسیار دوستدار مؤمنان است).

عقیده به این نام های مبارک دروازه های امید و اطمینان دلهای مؤمنان را همواره باز نگه میدارد و یأس و

ناامیدی را از ساحة حیات بنده مؤمن از بین می برد.

## الله (جل جلاله)

### المجید

(۵۶)

المجید مبالغه الماجد یعنی دارای مجد و بزرگواری و فضل و کرم وافر است، کلمه (مجد) در لغت عربی به معنی مروت و سخا، کرم و شرف و وسعت عطا و احسان وارد شده و (ماجد) دارنده این صفات گفته میشود، اما (مجید) مفهوم مبالغه در مجد و عطا و بزرگواری و سخا و انعام و احسان وافر را افاده می کند.

الله متعال در جمله اسماء الله الحسنی نام مبارک (المجید) را که از نظر معنی مانند نام های (جلیل و کریم و وهاب) است بخود پسندیده و آنرا وسیله تعظیم و اجلال مقام ستوده و بزرگواری و خویش گردانیده است.

الله عزوجل نام و وصف (مجید) را در قرآن برای خود و کتاب جلیل خود و عرش عظیم خود تخصیص

داده است.

او تعالی میفرماید: (رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ - هود-۷۳ - رحمت و برکات

الله بر شما و شامل حال شما اهل بیت (ابراهیم علیه السلام) است یقیناً "الله شایسته ستایش و ثنا، بزرگوار و صاحب فضل و احسان بزرگ است.

(ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ - ق-۱ - ق از حروف مقطعه و از اسرار قرآن کریم است و علم آن فقط نزد پروردگار است - سوگند به قرآن مجید یعنی قرآن شریف و دارای مجد و عظمت و اعجاز بزرگ).

(وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوُدُودُ، ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ - البروج-۱۴-۱۵ - و او تعالی بسیار آمرزنده و بسیار دوستدار و مهربان برای بندگان مؤمن است، صاحب عرش مجید و دارای مجد و عظمت و مقام بلند است).

ایمان به الوهیت و ربوبیت الله متعال و رب العالمین مستلزم تعظیم و تمجید و تسبیح و تهلیل و تکبیر او تعالی است و از کمال لطف و رحمت الهی وسائل و الفاظ و آداب این امور ایمانی از جانب پروردگار مهربان تشخیص و تحدید گردیده است، اسماء الله الحسنی و صفات خداوند هر کدام فصلی از فصول تعظیم و تمجید الله متعال را احتوا میکند در حدیث صحیح وارد شده است: هنگامیکه بنده مؤمن در نماز خود (الحمد لله رب العالمین) میگوید، رب العالمین میفرماید: بنده ام حمد مرا گفت، و چون (الرحمن الرحیم) بگوید، الله مهربان میگوید: بنده ام مرا ستایش نمود، و هنگامیکه (مالک يوم الدين) بگوید، الله مجید میفرماید: بنده ام مرا تمجید کرد، حقا او تعالی شایان بزرگترین تمجید و تعظیم و ستایش است.

الله (جل جلاله)

الباعث

(۵۷)

(الباعث) به همین صیغه اسم فاعل در جمله اسماء الله الحسنی در قرآن کریم وارد نشده اما در حدیث معروف ترمذی ذکر یافته است و از همین رو در برخی از فهرست های مرتبه در بهترین نام های الله متعال اسم (الباعث) وجود دارد اما در بعضی دیگر این اسم درج نشده است.

مصدر این اسم کلمه (بعث) است و بعث از نظر لغت به معنی برانگیختن و برپا ساختن، فرستادن و ارسال و زنده ساختن در روز قیامت است و عبارات: یوم البعث یعنی روز رستاخیز و البعث بعدالموت- زندگی دوباره بعد از مرگ، و بعث الرُّسُل یعنی فرستادن پیامبران به همین معانی کلمه (بعث) ارتباط دارد.

برگزیدن پیامبران و ارسال آنان به سوی اقوام شان و ارسال خاتم النبیین رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- به کافه بشریت، وقوع رستاخیز و قیام قیامت، زندگانی دوباره بعد از مرگ همه از جانب الله- سبحانه و تعالی- و به امر و قدرت او- عزوجل- صورت می گیرد و این امور در قرآن کریم به وضاحت بیان و ثابت شده است، مانند این آیه کریمه: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)-التوبه-۳۳- او(الله-عزوجل) است که رسول خویش(محمد- صلی الله علیه وسلم-) را با هدایت و دین حق (اسلام) فرستاد تا آنرا بر همه ادیان پیروز گرداند و برتری دهد، اگرچه مشرکان ناخوشنود باشند).

و آیه کریمه(وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ)-الحج-۷- و به یقین که قیامت آمدنی است، هیچ شک و تردیدی در آن نیست و بدون شک الله(متعال) تمام کسانی را که در قبرها آرمیده اند دوباره زنده میگرداند)

این حقایق ایمانی که از ارکان ایمان بندگان مؤمن محسوب میگردد به مفهوم (بعث) و قدرت و امر الله (الباعث-جل جلاله) ارتباط مستقیم دارد و از همین رو اسم و وصف (الباعث) در فهرست اسماء الله الحسنی وارد شده و عقیده بر آن در حقیقت مفاهیم ایمانی گذشته را تقویه می بخشد.

## الله (جل جلاله)

### الشهيد

(۵۸)

(الشهيد) مبالغه ( الشاهد) یکی از نامهای مبارک از جمله اسماء الله الحسنی است و بارها در قرآن کریم در حالات لفظی مختلف (از لحاظ اعراب و صرف) وارد شده است.

شهيد به معنی شاهد و شاهد یعنی حاضر و ناظر (ضد غائب) است و نیز شاهد به معنی گواه و باخبر از حقیقت امر میباشد، این مفاهیم در حق بنده و مخلوق در ساحت محدود صدق می کند و بنده نیز حاضر و ناظر و شاهد و گواه بوده می تواند اما در حالات خاص و به شکل محدود و مقید، درحالیکه معنی شهيد و شاهد در حق خالق بنده و مخلوق فرق می کند، الله متعال بر همه چیز شهيد و شاهد است به این معنی که هیچ ذره ای در ساحت خلقت و کائنات از نظر و مشاهده او تعالی پوشیده نیست، در همه احوال و همه امور حاضر و ناظر است، هر چیز را می بیند و هر امر را میدانند. مفهوم شهادت و گواهی از اسم و وصف (شهيد) در مورد الله تبارک و تعالی باز هم به صورت مطلق و کامل و غیر محدود است، در گواهی الله هیچ شک و شبهه نیست و به زمان و مکان و احوال خاص تعلق ندارد بل مطلق و کامل و دائم می باشد.

برخی از دلائل و اثبات این امور در قرآن کریم چنین وارد شده است:

(إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ - الحج - ۱۷ - قطعاً " الله در میان آنها (مؤمنان و غیر مؤمنان مذکور در آیه کریمه) در روز قیامت داوری و حکم می کند، بدون شک الله (متعال) بر همه چیز گواه است). (وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ - المائدة - ۱۱۷ - " عیسی علیه السلام در مورد آنچه که به قوم خود گفته بود بیارگاه پروردگار معروض میدارد و می گوید: " و تا وقتی که من در میان آنها بودم شاهد و مراقب احوال شان بودم، اما هنگامیکه مرا از میان آنها بر گرفتی، تو خود مراقب آنها بودی و تو بر هر چیز ناظر و گواهی)

عقیده و ایمان به اینکه الله متعال ناظر و گواه همه اعمال در همه احوال بندگان خود است بنده را وامیدارد که از حساب و حکم الله غافل نباشد و هر لحظه بیاد بیاورد که پروردگارش مراقب احوال و ناظر اعمال او است. ( و کفی بالله شهيدا).

## الله (جل جلاله)

### الحق

(۵۹)

(الحق) از نظر لغت ضد (الباطل) به معنی (ثابت بلاشک و موجود ثابت که در وجود و ثبوت آن هیچ شک و شبهه وجود نداشته باشد) وارد شده است.

(الحق) یکی از اسماء الله الحسنى است و الله (جل جلاله) این کلمه را بحیث یکی از نام های مبارک خود و وصف برخی از حقایق ثابت در قرآن کریم ذکر فرموده است، چنانچه میفرماید: (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ - الحج - ۶۲) این همچنان است، به اینکه بدون شک الله حق است و آنچه را که جز او (تعالی) میخوانند و پرستش می کنند باطل است و به یقین که الله بلند مقام بزرگ است) الله تبارک و تعالی حق است در الوهیت خود که معبود بر حق است در ربوبیت خود که خالق و رازق و مدبر امور خلق بر حق است، او تعالی حق است اسماء و صفات او حق است، در هیچ یک این امور بر حق و حقانیت وجود و اسماء و صفات الله متعال هیچ شک و شبهه وجود ندارد.

الله سبحانه و تعالی کتاب خود را به حق و ارسال پیامبر برگزیده خود را به حق و دین خود را به حق و خلق آسمان ها و زمین را بحق وصف و ذکر میفرماید:

(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ - البقره - ۱۷۶) آن همه از آنست که الله کتاب را بحق نازل فرموده است. (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا - البقره - ۱۱۹) ای پیامبر ما ترا بحق فرستاده ایم، مژده دهنده (به مؤمنان) بیم دهنده (به کافران) -

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ - التوبه - ۳۳) او (الله) است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ - الانعام - ۷۳) او (الله) است که آسمانها و زمین را به حق آفرید) در دعا های مأثور از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - این کلمات وارد شده است: (اللهم انت الحق و قولك الحق و وعدك الحق، و لقاءك الحق، و الجنة حق، و النار حق و الساعة حق...)

ایمان به حقانیت وجود و اسماء و صفات الله و هر آنچه او تعالی حق فرموده است از ارکان ایمان است. عقیده و ایمان به این حقائق بنده مؤمن را در موقف حق و راست و مستقیم قرار میدهد و ماورای آن ساحه باطل گفته میشود - اللهم ارنا الحق حقا " و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا " و ارزقنا اجتنابه. ۶۰

## الله (جل جلاله)

### الوکیل

(۶۰)

(الوکیل) از نظر لغت به معنی کفیل و حامی و کار ساز و مرجع اتکا و اعتماد است، و الله متعال لفظ (الوکیل) را بحیث یکی از نام های نیکو و اسماء الحسنی پسندیده و در قرآن کریم بارها به همین صفت ذکر گردیده است، چنانچه الله - عزوجل - میفرماید:

(لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ - الانعام - ۱۰۲ - هیچ معبودی بحق جز او نیست، آفریدگار همه چیز است، پس او را پرستش کنید و او نگهدارنده و مدبر همه چیز است)

(وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا - النساء - ۸۱ - و به الله توکل نما و الله کافی است کار ساز و مددگار)

(وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ - هود - ۱۲ - والله بر همه چیز وکیل است) یعنی همه چیز و همه مخلوق در حمایت و تدبیر و تصرف الله است.

توکل بخداوند اعتماد به او تعالی و سپردن امر به هدایت و توفیق الله - عزوجل - در خلال حرکت و سعی در اجرای وجائب و وظائف اسلامی است، توکل که اعتماد به الله وکیل است، با توأکل که حالت عجز و ضعف و عدم حرکت می باشد فرق دارد، در توکل مؤمن متوکل در استقامت حق و تمسک به ارکان و مبادی و تحمل مشقات و صبر در برابر باطل حرکت و عمل می کند و در عین حال به مدد و توفیق الله وکیل اعتماد دارد و به آن اتکاء می نماید، اما در توأکل ثبات و حرکت نیست عجز و ضعف و ناتوانی و اهمال است و این حالت از جانب بنده مؤمن مکلف قابل قبول نیست.

ایمان به اسم مبارک (الوکیل) بحیث یکی از اسماء الله الحسنی و کار بستن به (توکل) که اعتماد و اتکاء به مفهوم (الوکیل) یعنی حمایت و سرپرستی الله (الوکیل) می باشد، بنده متوکل را به نتیجه حرکت و عمل او مطمئن می سازد و همواره احساس می کند که کفالت و حمایت و توفیق الله (الوکیل) با اوست (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ - آل عمران - ۱۷۳ - الله بما کافی است و او است بهترین حامی و کار ساز).

## الله (جل و جلاله)

### القوى

(۶۱)

از بهترین نام هایی که الله - عز و جل \* بخود پسندیده است نام مبارک (القوى) می باشد. این اسم در جمله اسماء الله الحسنی بارها در قرآن کریم ذکر شده چنانچه خداوند میفرماید: (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ - هود-۶۶- به تحقیق پروردگار تو (ای پیامبر) او خود قوی (توانا، نیرومند، مقتدر) غالب است).

(إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ - المجادله-۲۱- بدون شک الله قوی و نیرومند غالب است)

صفت و نام (قوی و عزیز) برای الله قوت و قدرت و غلبه و کبریایی مطلق و کامل الله عز و جل - را افاده می کند، هیچ قوت و قدرتی در برابر نیرو و توانایی الله (القوى) وجود ندارد، او تعالی عزیز و غالب است و هیچ قوتی بر او غلبه ندارد.

الله قوی که قدرت و قوت مطلق دارد به بندگان مؤمن خود در برابر کُفر و ظلم قوت می بخشد و قوت و قدرت استکبار و ظلم و کفر را در هم می شکند، او تعالی قوی است اگر خواسته باشد قوت بخش است و اگر بخواهد قوت شکن خواهد بود، امر او نافذ است، حکم او قاطع است، رحم و بخشایش او بی پایان است، عذاب و عقاب او شدید است، اقوام و گروه های متمرّد و مستکبر مورد قهر و غضب الله (قوی و عزیز) واقع شدند و از میان رفتند، فرعون ها هلاک شدند، و هیچ قدرت و قوتی در برابر نیرو و قوت الله متعال تاب مقاومت نداشت، مثال های تمرّد و غرور و تکبر برخی از اقوام مانند قوم نوح (ع) و قوم لوط (ع) و اقوام عاد و ثمود و فرعون و درهم کوبیدن و هلاک این اقوام در قرآن کریم وارد شده مراجعه به آن ها دروس عبرت بزرگ و ایمان کامل به قدرت و عظمت و نیروی مطلق الله (القوى) را افاده می کند.

تکبر و غرور و خاصیت شیطانی احیاناً "برخی از انسان ها را از قدرت و مراقبت و احاطه غلبه و توانائی الله (القوى) غافل می سازد و فراموش می کنند که: (إِنَّ رَبَّكَ لَبَلَمَرَّصَادٍ - الفجر-۱۴- بدون شک پروردگار تو - ای پیامبر - حتماً" در کمین گاه (ناظر و مراقب اعمال هر ظالم و مفسد است)



## الله (جل جلاله)

### المتین

۶۲

(المتین) به معنی قوی و شدید و محکم یکی از اسماء الله الحسنى است، در مفهوم (المتین) تأکید (القوی) وجود دارد و الله متعال در حالیکه خویشتن را (صاحب قوت و توانائی) ذکر فرموده است، وصف (المتین) را به آن می افزاید: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ - الذاریات- ۵۸- به تحقیق الله خود (یگانه) روزی رسان صاحب قدرت و نیروی استوار است)

نام و وصف (المتین) که اسم و وصف (القوی و ذوالقوة) را مؤکد می سازد به این معنی که قدرت و توانائی الله - سبحانه و تعالی - نهایت محکم و لاینقطع و استوار است و صاحب قدرت متین در اجرای توانائی و افعال خود هیچ نوع مشقت و خستگی نمی بیند، و هیچ قدرت و نیروی بجز قدرت قادر مطلق و الله (القوی المتین) دارای چنین وصف مستحکم و استوار و دائم و خستگی ناپذیر بوده نمیتواند.

از کلمات جامع و معجز و موجز که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - آنرا به اُمت شان تعلیم داده اند و خود شان نیز آنرا بکار می بردند: (لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم) بود.

هیچ قدرت و هیچ توانائی نیست مگر به یاری الله بلند مرتبه و بزرگ.

ایمان و عقیده به این اسم و وصف الله متعال (القوی المتین) جلو تکبر و غرور انسان را می گیرد و با احساس ضعیف بشری انسان مؤمن به قدرت و متانت نیروی الهی اعتماد می نماید و از طریق (لاحول ولا قوة الا بالله) به یاری پروردگارش اطمینان و اتکاء می نماید و مساعی و اعمال او قرین مؤفقیّت و مورد قبول پروردگار - جل جلاله - خواهد بود.

## الله (جل جلاله)

### الولی

(۶۳)

(الولی) به معنی دوست، دوستدار و سرپرست، مددگار و متولی امور خلائق و کاینات از جمله اسماء الله الحسنى است و الله تبارک و تعالی در کتاب کریم خود خویشتن را به همین اسم و صفت ذکر فرموده است: (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ - البقره - ۲۵۷) - الله متعال مددگار و عهده دار امور مؤمنان است، آنها را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می آورد). ساحت ولایت الله (الولی) به مفهوم متولی امور خلائق و مدیر مقتدر اوضاع و احوال جهان شامل مؤمنان و غیر مؤمنان و سائر مخلوقات می باشد و هیچ مخلوقی از احاطه تدبیر و تصرف امور ولی حقیقی بیرون نخواهد بود اما ولایت الله به معنی دوستی و نصرت و مدد او تعالی مخصوص مؤمنان است و کافران بخاطر ارتکاب کفر و شرک و طغیان، نعمت انعام و احسان و دوستی الله (الولی) را از دست داده اند، چنانکه الله متعال در ادامه همین آیه مبارکه (۲۵۷) سوره البقره فرموده است: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ - و آنانکه کفر اختیار نموده اند یاران شان طاغوت (شیطان و عامل معصیت است، آنها را از نور به طرف تاریکی ها می کشانند)

دوستی و مدد و نصرت الله متعال به ارتباط بندگان مؤمن مستلزم شکر و طاعت و توحید پروردگار است و بنده مؤمن پروردگار مهربان را با اطاعت از او تعالی و رسول برگزیده او - صلی الله علیه وسلم - دوست میدارد، الله متعال دوستی و محبت میان بنده و پروردگارش را به اطاعت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - که در حقیقت اطاعت الله متعال است مربوط میفرماید: (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ - آل عمران - ۳۱ - بگو) ای پیغمبر! اگر الله را دوست دارید پس مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را بپارزد - والله آمرزنده مهربان است)

کلمه (ولی و اولیاء) در مورد بندگان فقط به بندگان دارای تقوی و پیروان راستین الله متعال و رسول او - صلی الله علیه وسلم - اطلاق میگردد و همین بندگان اولیاء هستند و بس.

عقیده و ایمان به ولایت و عهده داری پروردگار و یاری و مدد او تعالی بنده مؤمن را از حیرت و یأس و خوف و اضطراب میرهاند و با تمام آرامی و راحت به بندگی و اطاعت پروردگارش می پردازد، و همواره اطمینان دارد که قدرت بزرگی، عهده دار سرنوشت و حمایت او است.

## الله (جل جلاله)

### الحمید

(۶۴)

(حمید) به معنی (محمود) یعنی ستوده شده و شایسته حمد و ستایش است، الله متعال این اسم مبارک را در جمله اسماء الله الحسنی پسندیده و بارها آنرا قرین اسمای دیگر از قبیل (مجید، حکیم، غنی، ولی) ذکر فرموده است: (إِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ - هود-۷۳- به تحقیق که او سبحانه و تعالی ستوده و سزاوار ستایش در همه امور و احوال است)

(تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ - فصلت-۴۲- این قرآن کریم فرو فرستاده شده از جانب پروردگار باحکمت در تدبیر امور خلایق و ستوده و شایسته ستایش در هر حالت و هر صفت است) نه فقط پروردگار مهربان خویش را به نام و وصف مبارک (حمید) ذکر میفرماید بل آموزش و دانستن این اسم را امر میفرماید و از اینرو علم و آموختن (حمید) بر بنده مؤمن واجب است، این وجوب ازین جزء آیه کریمه مستفاد میگردد: (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ - البقره-۲۶۷- و بدانید به یقین الله متعال بی نیاز از همه چیز و محمود و سزاوار ستایش در همه احوال است)

اسم مبارک (الحمید) مفهوم آن عده از اسماء الله الحسنی را احتوا می کند که به ربوبیت رب العالمین تعلق می گیرد از قبیل (جواد، کریم، رحیم، لطیف، خالق و رازق...) عقیده به این اسماء و مفاهیم آن بخوبی میرساند که الله متعال مستحق و شایان حمد و ستایش است و بنده باید پروردگار خود را ستایش نماید و در هر حالت، در عیان و پنهان، در نعمت و مصیبت، در فقر و دارائی، در خوشی و غم و در همه احوال به حمد و ستایش پروردگار بپردازد.

از مظاهر لطف و انعام الله متعال آنست که طریق ستایش و حمد او تعالی را خود بیان فرموده و در حالیکه خود حامد ذات محمود خود است و خویش را ستایش می کند بندگان خود را نیز به حمد و ستایش تعلیم میدهد و میفرماید (الحمد لله رب العالمین). بنده در ایمان به توحید الله، حمد او تعالی را بجا می آورد، در آفرینش آسمان ها و زمین و کائنات او تعالی را ستایش می نماید، در برابر نعمت ها و عطایای پروردگار حمد میگوید و ستایش می کند، در فرستادن پیامبران و نازل نمودن کتب آسمانی حمد و ستایش الله (الحمید) را انجام میدهد، در همه امور و همه احوال بنده حامد حمد الله متعال است و ایمان به الله (الحمید) بنده را به انعام و احسان و نعمات پروردگارش مطمئن میسازد و یأس و درد و غم را از قلوب بندگان دور می کند و حمد و ستایش رب العالمین همواره زبان و دلهای مؤمنان را پاک و روشن می سازد. و الحمد لله رب العالمین.

الله (جل جلاله)

المحيى - المُميت

(۶۵) (۶۶)

(المحيى) به معنی زنده کننده و زندگی بخش بحیث یکی از اسما الله الحسنى در قرآن کریم به همین لفظ (محيى) وارد شده و رسم الخط املائى آن (محيى) می باشد، اما (المُميت) به معنی مرگ دهنده و گیرنده زندگی به همین لفظ (المُميت) در قرآن کریم ذکر نشده و البته در فهرست نام های نیکوی الله در حدیث ترمذی وجود دارد، درحالیکه در بیان افعال و قدرت الله متعال بارها مرگ و زندگی و زنده ساختن و میراندن به عبارات (یحى ويميت - خلق الموت والحیات - ثم يميتهم، ثم يحييهم...) قرین همدیگر در قرآن کریم وارد شده است (لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ - الاعراف-۱۵۸ - هیچ معبودی بحق جزاوتعالی نیست، اوتعالی زنده می کند و میمیراند)

(إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - فصلت-۳۹ - به تحقیق آن ذات (توانا که این زمین خشک را) زنده کرده است بی شک که او زنده کننده مردگان است، واقعا" که او (تعالی) بر همه چیز توانا است)

(إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - الروم-۵۰ - آن ذات (توانا که زمین مرده را با نزول باران رحمت زنده می سازد) زنده کننده مردگان (در آخرت) است و او تعالی بر همه چیز توانا است)

زندگی و مرگ دو مخلوق الله و هردو بزرگترین نشانه قدرت و عظمت رب العالمین است، تمام خلایق و هر موجود زنده از هر نوع و جنسی که باشد از مسیر زندگی و مرگ گذشتنی است و هیچ قدرتی نمیتواند درین مسیر و سرنوشت تغییر وارد کند - الله متعال خالق مرگ و زندگی است، اوتعالی زنده می کند و حیات می بخشد سپس می میراند و در رستاخیز دوباره زنده میسازد، بنده مؤمن به همین پدیده خلقت و سیر زندگی و مرگ و نشانه قدرت مطلق الله متعال عقیده کامل دارد و این عقیده میرساند که زندگی مال و ملک بنده نیست و مرگ هم از جانب بنده نمی آید و به همین سبب است که قتل و انتحار گناه بزرگ و تجاوز در حریم حدود خداوند محسوب می گردد،

(لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - الحديد-۲ - فرمان روایی و حاکمیت آسمان ها و زمین از آن الله است، و او تعالی بر همه چیز توانا است)

## الله (جل جلاله)

الحی - القيوم

(۶۷) (۶۸)

بزرگترین و جامع ترین عنوانی که الله - عزوجل در معرفی ذات ذی الجلال خود پسندیده و خویشان را به آن معرفی میفرماید، این آیه کریمه است: (اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ - البقره - ۲۵۵ - آل عمران - ۲ - الله، نیست معبودی بحق جز او (تعالی) زنده (جاوید) و قائم (پاینده) است)

(الحی) به معنی زنده و صاحب حیات درمورد مخلوق زنده مفهوم زندگی دارای آغاز و انجام و یا زندگی بعد از مرگ و مرگ بعد از زندگی را افاده می کند، اما (الحی) نام مبارک و صفت و اسم الله متعال معنی زنده پایدار و باقی و پایان ناپذیر است، نه آغاز بعد از مرگ داشته و نه مرگ بعد از حیات در آن متصور است بل حیات ازلی و ابدی و حیات ذاتی مخصوص ذات کبریائی الله متعال می باشد (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ - القصص - ۸۸ - همه چیز فانی و نابود می گردد بجز ذات او تعالی) - (وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ - طه - ۱۱۱ - (در روز رستاخیز) چهره ها در برابر الله باقی و پایدار و قايم و گرداننده کائنات حالت خشوع و فروتنی دارند)

(القيوم) مبالغه قائم به معنی نگه دارنده و گرداننده مخلوقات و امور آنها است، قائم بذات خود و دائم لایزال، بی نیاز از همه و همه نیازمند او است. الله متعال هنگامیکه ذات کبریائی خود را با اسم اعظم (الحی القيوم) معرفی میفرماید به منظور بیان خصوصیت و کمال حیات و قیومیت او تعالی و پهنای قدرت و علم و بلندی مقام و عظمت الله عزوجل

بزرگترین آیه کریمه معجز قرآن کریم (ایه الكرسي) را نازل میفرماید: (اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ - البقره - ۲۵۵ - الله، نیست معبودی بحق جز او (تعالی) زنده (و) پاینده است، هرگز او را نه کسالت خواب گیرد و نه خواب، او است مالک آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است... الی ختم آیه مبارکه) امام (طحاوی) در عقیده معروف خود بنام (عقیده طحاوی) گفته است: (ان الله حي لا يموت،

قیوم لاینام - بدون شک الله زنده است نمی میرد، قیوم است خواب ندارد) مرگ و خواب هر دو از خصوصیت زندگی مخلوق است، زنده جاوید و پایدار و ذاتی و ازلی مرگ و فنا ندارد و همچنان قائم بذات و گرداننده و مدبر کائنات نه خواب دارد و نه مقدمات خواب در شأن او است، هر دو اسم مبارک (الحی القيوم) که در سه سوره قرآن کریم باهم یکجا ذکر شده اند محور تمام اسماء الله الحسنی و حاوی جمیع صفات کمال الله متعال است و هر نام و صفت به (حی، قیوم) ارتباط مستقیم دارد، و از همین لحاظ این دو اسم از نظر علما، بزرگترین نام های اسماء الله الحسنی گفته شده و حتی گفته اند که اسم (اعظم) الله همین دو اسم (الحی القيوم) است.

## الله (جل جلاله)

الواحد - الاحد

(۶۹) (۷۰)

الواحدُ الأحد دو اسم از اسماء الله الحسنی و دو صفت ذاتی الله - تبارک و تعالی - است. مفهوم (الواحد، الأحد) یک، یکتا، یگانه، بافهم اینکه یک، دو ندارد و قبل ازان هم چیزی نیست، یکتا و یگانه یعنی: بی مثال، بی نظیر و بدون شریک است. (الواحد) در بیش از بیست مرتبه در قرآن کریم ذکر گردیده و حدانیت الله متعال را در ذات و صفات

او تعالی تثبیت و تأکید می نماید: (وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ - البقره-۱۶۳ - و خدای شما خدای یکتا است)

ایمان به وحدانیت الله متعال و شهادت توحید رکن اول اسلام است، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: ( بنی الاسلام علی خمس، شهادت ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله، و اقام الصلاه و ایتاء الزکاه و صوم رمضان والحج... اسلام بر پنج رکن بنا شده است: شهادت اینکه هیچ معبودی بحق نیست مگر الله - و اینکه محمد (صلی الله علیه وسلم) فرستاده الله است، و بر پا داشتن نماز، و ادای زکات، و روزه رمضان و حج بیت الله) سوره مبارکه (اخلاص) توحید خالص الله - عزوجل - را در ذات و صفات او - جل جلاله - ثابت میسازد: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،

اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. ترجمه معنی: ای محمد - صلی الله علیه وسلم -! به کسانی که از تو صفت پروردگار ترا می پرسند بگو: او الله یگانه و یکتا است (در الوهیت خود، در ذات خود و در صفات خود و هیچ شریک و مانند ندارد) الله بزرگ و بی نیاز است و همه نیازمندان تنها به او روی آورند، هرگز فرزندی نژاد و هرگز زاده نشد (نه فرزند بود و نه پدر) و هیچگاه و هیچکس برای او تعالی شبیه ومانندی نبوده است.

وحدانیت الله - جل جلاله - صفت خاص الوهیت او تعالی است و ایمان و تصدیق وحدانیت و توحید خداوند، بزرگ ترین عبادتی است که بنده از طریق آن به خالقش تقرب میجوید، و البته نقیض توحید شرک بخداوند است که در قرآن کریم از آن به (ظلم عظیم و گناه غیر قابل بخشش) تعبیر شده است. در ربوبیت رب العالمین و قدرت و خلقت و پهنای ملک و فرمان او تعالی وحدانیت و یگانگی الله واحد و احد به وضاحت متجلی است - خداوند میفرماید:

( قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ - سوره رعد-۱۶ - بگو ( ای پیامبر!) الله آفریننده همه چیز است و او تعالی واحد، یگانه و بسیار توانا و غالب است). رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - هنگام ذکر و تمجید الله متعال بیشتر اسماء مبارک (الحی، القيوم، الواحد، الأحد) را ذکر میکردند. و بهترین ذکر الله توحید الله و کلمه توحید است، اللهم اجعل آخر کلامنا: لا اله الا الله - محمد رسول الله - الهی آخرین گفتاری که در حیات دنیا بر زبان ما جاری بفرمائی کلمه توحید باشد: لا اله الا الله - محمد رسول الله.

## الله (جل جلاله)

الصمد

(۷۱)

(الصمد) به معنی بزرگ، غنی و بی نیاز و مرجع نیاز مندی و حوایج جمیع خلاق یکی از اسماء الله الحسنى است (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ - الاخلاص - ۱-۲- بگو ای پیغمبر! اوتعالی الله یکتا و یگانه است، الله بزرگ و بی نیاز است، او احتیاجی ندارد و همه به او احتیاج دارند).

اصل کلمه (الصمد) از نظر لغت به معنی (قصده) وارد شده و چون مرجع قصد و اعتماد مخلوق در برآورده شدن حوایج و مطالب شان الله متعال است، خداوند بزرگ و بی نیاز نام و صفت (الصمد) را بخودپسندیده است. ابن عباس (رضی الله عنهما) در تفسیر (الصمد) و صفت (کمال صفت) را علاوه می کند، مثلاً "میفرماید: الصمد به معنی بزرگ در کمال بزرگی، شریف در کمال شرف، حلیم در کمال حلم، وعلیم در کمال علم، و حکیم در کمال حکمت، گویا صفت (الصمد) شامل تمام صفات کمال الله متعال است (ابن کثیر - ۸ - مجموع الفتاوی - ۱۷) دانشمندان در تحقیق لفظی (الصمد) به این مطلب اشاره می کنند که در آغاز سوره مبارکه اخلاص (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ) کلمه (احد) بدون لام تعریف اما (الصمد) مع لام تعریف ذکر شده بخاطر اینکه (احد) وصف اثبات برای مخلوق شده نمیتواند و فقط الله احد است، اما (صمد) بدون لام تعریف در اصطلاح عربی گاهی برای آقا و بادار استعمال شده و ازین لحاظ جهت تخصیص آن بحیث نام و صفت خداوند به لفظ (الصمد) وارد شده است (مجموع الفتاوی - ابن تیمیه - ۱۷)

ایمان و عقیده به الله (الصمد) پروردگار بی نیازی که هیچ احتیاج ندارد و همه خلائق به او محتاج هستند بنده مؤمن از طریق اعتماد و اطمینان به پروردگارش به دربار اوتعالی روی می آورد و حاجت و نیاز خود را از او میخواهد، نه فقط بندگان بل همه خلائق در زمین و در آسمان ها محتاج خالق خود هستند و اوتعالی به علم و حکمت و قدرت کامل خود در تدبیر امور و احوال مخلوق می پردازد (يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ - الرحمن - ۲۹ - همه کس و همه چیز که در آسمان ها و زمین اند از اوتعالی در خواست می کنند و او (عزوجل) هر روز (هر لحظه و هر آن) در تدبیر و نظارت مخلوق خود است)

## الله (جل جلاله)

القدير - القادر - المقتدر

(۷۲) (۷۳) (۷۴)

هرسه نام و وصف مبارک (القدير، القادر، المقتدر) بحيث اسماء الله الحسنی به صورت مکرر در قرآن کریم ذکر شده و الله متعال آنرا بخود پسندیده است - معنی هر کدام این الفاظ به مصدر (قوت و قدرت) ارتباط داشته الله قدیر آن ذات توانا و فعال مایشاء است که آنچه خواسته باشد مطابق حکمت و اراده خود انجام میدهد و هیچ قدرتی آنرا کم یا زیاد ساخته نمیتواند، و قادر آن ذات قوی و توانا است که در زمین و آسمان ها و در تمام کاینات قدرتی بالاتر ازان وجود ندارد. در میان این دو اسم (قدیر و قادر) مفهوم صاحب قدرت و قوت در قدیر نسبت به قادر مبالغه بیشتر دارد. اما (مقتدر) در عین مفهوم صاحب قدرت کامل و توانائی بزرگ نسبت به هر دو اسم و وصف (قدیر و قادر) دارای بلاغت بیشتر می باشد. برخی از موارد ذکر این اسماء الله الحسنی در کتاب جلیل خداوند:

(أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - البقره - ۱۰۶ - آیا ندانسته ای (ای پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - که الله بر همه چیز توانا است)

(قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ - الانعام - ۶۵ - بگو) ای محمد صلی الله علیه وسلم! - او (جل جلاله) قادر است که از بالای سر شما (از هوا و آسمان) یا از زیر پای شما (از زمین) عذابی بر شما (خطاب به مشرکین) بفرستد.

(وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا - الکهف - ۴۵ - والله - جل جلاله - بر همه چیز اقتدار و توانایی کامل دارد)  
(إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ - القمر - ۵۴-۵۵ - بدون شک پرهیزگاران و اهل تقوی در باغهای بهشت و (در کنار) جویبار های آن قرار دارند، در جایگاه راستین و حق در پیشگاه پاد شاه بزرگ و بسیار با قدرت و توانا) اجرای قدرت کامل الله قدیر در آفرینش کائنات و خلایق و در ازین بردن آن فقط تابع امر و فرمان او تعالی است، امر او قادر توانا در ایجاد آنچه خواسته باشد تنها دو حرف (کن) یعنی (موجود شو) می باشد و آن معدوم موجود میگردد (وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ - البقره - ۱۱۷ - و چون اراده آفریدن چیزی نماید فقط امر فرماید که موجود شو، و آن چیز موجود شود) - ایمان به قدرت مطلق و کامل الله متعال بنده را و امیدارد تا به جز قدرت پروردگارش به هیچ قدرتی اتکا نکند و صاحبان قدرت های محدود بشری نیز به چنان قدرت های زوال پذیر و ناقص مغرور نشوند و آنرا در ستم و آزار بیچارگان استعمال نکنند. الله مقتدر و توانا و رسول برحق او - صلی الله علیه وسلم - ارشاد فرموده اند تا بندگان مؤمن با اظهار عجز و بندگی همیشه بگویند:



## الله (جل جلاله)

الاول - الآخر - الظاهر - الباطن

(۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸)

این چهار نام مبارک از اسماء الله الحسنی (الاول، الآخر، الظاهر، الباطن) باهم یکجا در یک آیه مبارکه قرآن کریم ذکر شده و الله متعال خویشتن را به آن معرفی میفرماید: (هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ - الحديد-۳) او (الله- جل جلاله) اول است (قبل از او تعالی هیچ چیزی وجود نداشت) آخر است (هیچ موجودی بعد از او تعالی وجود ندارد) ظاهر است (پیدا و نمودار است به دلایل قدرت و مظاهر آفرینش و خلقت کائنات به قدرت و اراده او تعالی) باطن است (پوشیده از انظار و حواس خلایق در دنیا است و هیچ مخلوقی توان دیدار او تعالی را ندارد) یعنی (اول و آخر) در حق خداوند ابتدا و انتهای نیست بل وجود ازلی و ابدی یعنی وجود قدیم بدون ابتدا و بقای دائم بدون انتها است، آغاز و انجام صفت مخلوق است و فنا و زوال به جهان آفرینش تعلق دارد، الله متعال میفرماید: (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ - القصص-۸۸) همه چیز به جز ذات او تعالی فنا و نابود شدنی است. فرمانروائی و حکم مخصوص او تعالی است و همه به سوی او برگردانده میشوند) ابن القیم - رحمه الله - از امامان مذهب حنبلی در تفسیر این چهار نام مبارک نظر لطیفی دارد، و آن اینکه: نام های چهار گانه الله متعال (اول، آخر، ظاهر، باطن) مفهوم احاطه کامل زمانی و مکانی را افاده می کند. هر قدر گذشته و (قبل) در احاطه اولیت خداوند است و هر اندازه آینده و (بعد) توسط آخریت الله احاطه می شود، همه گذشته و سابق در اولیت پروردگار ختم میشود و همه آینده و آخر در آخریت خداوند انجام میابد، همچنان هر ظاهر و هر باطن در دایره خلایق و کائنات در احاطه کامل ظاهری و باطنی پروردگار قرار دارد، هیچ ظاهر بالاتر از ظهور و علو مقام الهی نیست و هیچ باطن نزدیکتر و آگاه تر از احاطه باطن خداوند نیست. (معارج القبول - ابن القیم با اختصار).

در قسمتی از دعای مفصل رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - بروایت صحیح مسلم این هر چهار نام الله متعال ذکر شده و آنحضرت (علیه السلام) پروردگار خود را چنین خطاب می کنند: اللهم أنت الاول فلیس قبلک شیء، و أنت الآخر فلیس بعدک شیء، و أنت الظاهر فلیس فوقک شیء، و أنت الباطن فلیس دونک شیء، اقض عنا الدین و اغننا من الفقر) - الهی! تو اول هستی، قبل از تو هیچ چیزی نیست، و تو آخر هستی، بعد از تو چیزی نیست، و تو ظاهر هستی پس بالاتر از تو چیزی نیست، و تو باطن هستی و در پایان باطن غیر از تو چیزی نیست - الهی! دین ما را ادا کن، و ما را از فقر نجات بده.

الله (جل جلاله)

## البر

(۷۹)

(البر) از نظر لغت عربی در بزرگترین و معروف ترین قاموس عربی (لسان العرب - ج ۱) به معنی (العطوف - الرحیم - اللطیف - الکریم) ذکر شده است، یعنی (البر) صاحب عطف و شفقت، مهربان، و صاحب لطف و احسان و کرم، که اینهمه در دائره محدود صفات اشخاص نیکو کار و با عاطفه نیز شده می تواند و درین صورت کلمه (بر) به (ابرار) جمع میشود و لفظ دیگر به همین معنی (بار) نیز وارد شده و آنهم نیکو کار و صاحب اخلاق خجسته و اوصاف پسندیده را افاده می کند و کلمه (بار) به (بره) جمع شده است، ازین دو اسم قریب در لفظ و معنی (بر و بار) تنها (بر) در جمله اسماء الله الحسنی وارد شده. الله متعال به حکایت از زبان اهل بهشت بعد از وارد شدن در جنت میفرماید: (إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ - الطور - ۲۸ - واقعا "مادر گذشته (دردنیا) فقط او تعالی را میخواندیم) از او میخواستیم و او را عبادت می کردیم) بدون شک که او خود نیکو کار مهربان است)

(البر) صاحب احسان و لطف و کرم بحیث نام مبارک الله مفهوم این اوصاف خجسته را به صورت مطلق و کمال افاده می کند، ساحة لطف و احسان الله متعال به بندگان حد و نهایت ندارد، او تعالی (بر و رحیم) است به تمام مخلوق، به بندگان نیکوکار اجر و ثواب مضاعف و به بندگان گناهکار عفو و آمرزش عنایت میفرماید، رزق و روزی و مال و اولاد و نعمت های بی شماری که از آسمان و زمین و فضا و ابحار به مخلوق خدا رسیده است و خوب و بد از ان استفاده می کند، همه از آثار (بر و رحمت و لطف) پروردگار کریم و رحیم است، بنده با حسن استفاده از آن شکران و عبادت پروردگار خود را بجا می نماید و اینهمه بر و احسان در دنیا یک شمه کوچک از بر و رحمت الله متعال در آخرت است و بندگان مؤمن و نیکو کار در سایه آن رحمت بی پایان وارد بهشت میگردند و مانند آن اهل بهشت که الله متعال از زبان آنان در قرآن کریم فرمود: (إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ - الطور - ۲۸ -) آنها نیز نتیجه اعمال صالحه و ایمان و عبادت شانرا که در دنیا داشته اند عملا "می بینند و میدانند که پروردگار شان همانا (انه هو البر الرحیم) است.

الهی قطره ای از ان بحر رحمت بما هم عنایت بفرما، یا ارحم الراحمین!

## الله (جل جلاله)

### التواب

(۸۰)

(التواب) مبالغه (التائب) به معنی بسیار توبه پذیر از جمله اسماء الله الحسنى است، توبه آنست که بنده گناهکار بعد از ارتکاب گناه از عمل معصیت ندامت میابد و از طریق طاعت و عبادت به سوی پروردگارش رجوع می کند و آمرزش می خواهد، پروردگار تواب آنرا می پذیرد و گناه بنده از بین می رود، این عملیه بارها می تواند تکرار شود، هربار بنده گناه کرد و با پشیمانی از آن روی به پروردگارش به عذر و توبه آورد، الله توبه پذیر آنرا می پذیرد، پس بنده، تائب و الله، تواب است و او تعالی بارها در کلام مبارک خود خویشتن را به همین نام و وصف ذکر فرموده است:

(فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ - البقره-۳۷- سپس آدم) (بعد از لغزش و اشتباه) از پروردگار خود کلماتی چند فرا گرفت، پس خداوند توبه وی را پذیرفت و بی شک که او تعالی توبه پذیر مهربان است. (أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ - التوبه- ۱۰۴- آیا ندانسته اند که همانا الله، خود توبه بندگان خود را می پذیرد و زکات و صدقات را قبول می کند و یقیناً" الله، خود توبه پذیر مهربان است)

الله مهربان نه فقط توبه بندگان خود را می پذیرد بل توبه کنندگان را دوست میدارد و وصف توبه پذیری خود را می پسندد، او تعالی درحالی که خویشتن را به (عَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ - غافر-۳- بخشاینده گناه و توبه پذیر) وصف می کند، میفرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ - البقره-۲۲۲- به تحقیق الله توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست میدارد)

خداوند کریم میداند که بندگان از قصور و اشتباه بدور نبوده و به همین سرشت خلق شده اند تا مظهر رحمت و بخشایش الله در حیات بندگان نمودار گردد و عامل توبه و رجوع آنها به بارگاه رحمت پروردگار به وجود آید، الله تواب و رحیم دوست دارد تا بنده مقصر و گناهکار برحمت و بخشایش پروردگارش پناه برده و ازان مقام والا عفو بخواند و الله مهربان آنرا قبول بفرماید.

در حدیث (۲۷۴۸) صحیح مسلم از ابی ایوب انصاری- رضی الله عنه- روایت شده رسول اکرم- صلی الله علیه وسلم- فرموده اند: (لو انکم لم تکن لکم ذنوب، یغفرها الله لکم، لجاء الله بقوم لهم ذنوب یغفرها لهم- اگر شما هیچ گناه نداشتید که الله آنرا برای شما می بخشید حتماً" خداوند قوم دیگری را می آورد که گناه می داشتند تا بخشایش الله نصیب آنها میگردید.

در حدیث صحیح ترمذی رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: (کل ابن آدم خطاء و خیر الخطائین التوابون - فرزندان آدم همه خطاکارانند و بهترین خطاکاران توبه کنندگان اند)

نه فقط پروردگار تواب، توبه کنندگان را دوست میدارد بل بندگان مومن را به توبه امر میفرماید و کسیکه مرتکب گناه شده و توبه نکند در جمله ستمگاران محسوب شده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا... -التَّحْرِيمُ- ۸- ای مومنان! بدرگاه الله برگردید و توبه صادق و خالص بجا آورید. (وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ -الحجرات- ۱۱- و کسیکه (گناه کرده و) توبه نکرد پس آنها خود ستمگاران اند.

توبه (نصوح) یا توبه خالص و صادق و جازم که درجه بلند توبه می باشد مستلزم آنست که:

۱- بنده گناهکار درک کند که مرتکب گناه و خطا شده و احساس ندامت می کند و میخواهد در روش زندگی و تصرفات خود تغییر وارد نماید.

۲- عملاً "در اصلاح احوال اقدام نموده و به عزم توبه بدرگاه رحمت و بخشایش پروردگار روی میآورد و از گذشته آمرزش میخواهد،

۳- در عناصر تقصیر و گناه هرگاه ترک فرائض دینی از قبیل نماز و روزه و زکات باشد در قضا و ادای آن مطابق احکام فقهی اسلامی اقدام می کند و متباقی تخلفات مربوط به حدود و نواهی شرعی در اثر توبه مؤمن و رحمت الهی بخشیده می شود.

۴- گناهان مربوط به حقوق العباد کسب رضا و قناعت صاحبان حقوق را ایجاب می کند.

۵- بنده تائب هنگام توبه ببارگاه الله تواب عزم عدم بازگشت به گناهی که ازان احساس ندامت کرده است می نماید، اما بازهم هرگاه در اثر قصور و ضعف انسانی گناهی از وی صادر شد، نباید مأیوس گردد و بداند که دروازه توبه باز است، یکبار، دوبار و هر بار که توبه شکست بازهم توبه کند و رحمت بخشایش پروردگار توبه پذیر توبه او را می پذیرد.

( وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ - الشوری- ۲۵- و تنها او تعالی است که توبه را از بندگان می پذیرد.

## الله (جل جلاله)

### المنتقم

(۸۱)

اسماء الله الحسنى یا نام های مبارک و نیکوی الله متعال به صورت کل مفهوم تعظیم و تمجید و تقدیس و توحید الله - سبحانه و تعالی - را احتوا می کند، و بنده مؤمن از طریق همین نام های مبارک پروردگار خود را یاد می کند، از بارگاه او تعالی می خواهد و به عظمت و قدرت کامل و مطلق او تعالی پناه می برد. در پهلوی اکثر نام ها و اوصافی که دران رحمت و بخشایش و لطف بی پایان الهی متجلی میگردد و بنده را در حیات دنیا و آخرت امیدوار می سازد، خداوند بزرگ و مقتدر نام هائی دارد که دران وصف عدالت و عظمت و قدرت کبریائی او تعالی نمودار میگردد - بنده مقصر در بندگی و هر بنده که وصف (سریع الحساب و شدید العقاب) و نام های (الجبار، المتکبر، الحسیب، الرقیب) را بخاطر می آورد بیم عذاب و خوف حساب الله مقتدر او را تکان میدهد و از راه توبه و اطاعت و کسب رضای خداوند می تواند در سایه رحمت و بخشایش الله متعال قرار بگیرد، در غیر آن و در صورت دوام تخلف و گناه حساب و عدالت الله در کمین است و بنده مجرم ازان خلاصی ندارد. یک نامی از نامهای الله متعال که انسان مجرم و ظالم از قید آن رهائی ندارد نام (المنتقم) است، معنی المنتقم یا انتقام گیرنده در مورد خداوند مجازات کننده و جزا دهنده مجرمین و ستمگاران را افاده می کند، الله - عز وجل - به همین ارتباط (مجازات منکران آیات خداوند و مجرمان و ستمگاران) سه بار در قرآن کریم خویشتن را به وصف (منتقم) ذکر فرموده است: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ - السجده - ۲۲ - و چه کسی ستمگارتر ازان شخصی است که به آیات پروردگارش پند داده شود سپس ازان روی گرداند و انکار نماید، ما حتما "مجرمان را مجازات خواهیم کرد). (فَإِنَّمَا أَنتَذَرُ بَكَ يَوْمَ تَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ - الزخرف - ۴۱ - پس هرگاه ترا (ای رسول الله - صلی الله علیه وسلم) از میان ببریم (بعد از حیات تو) ما حتما "ازان مجرمان (که در گمراهی آشکار هدایات ترا قبول نکرده اند) انتقام خواهیم گرفت). (يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ - الدخان - ۱۶ - روزی که به هجوم بزرگ و یورش سخت بر آنها (مشرکین و دشمنان اسلام) می تازیم، ما حتما "با مجازات سنگین از آنها انتقام خواهیم گرفت). انتقام نهائی و مجازات سخت کافران و منکران آیات الهی در قیامت صورت می گیرد و یک مثال بارز انتقام خداوند از دشمنان سرسخت اسلام در دنیا شکست کفار و مشرکین در غزوه (بدر) بود که در اولین برخورد حق و باطل در حالیکه لشکر مشرکین بیشتر از سه چند مسلمانان بود، به نصرت الهی فتح بزرگ نصیب لشکر کوچک اسلام شد و هفتاد نفر از سران مشرکین مکه به شمول ابو جهل دران کشته شدند.

## الله (جل جلاله)

### العفو

(۸۲)

العفو صیغه مبالغه به معنی کثیرالعفو یا بسیار عفو کننده است، العفو از آن نام های مبارک پروردگار مهربان است که بنده را همیشه امیدوار می سازد و مخصوصاً "بنده گنه کار به اتکای این نام ها از قید یأس خارج شده و با اطمینان اطاعت و عبادت الله متعال را سر از نو آغاز می نماید.

(عفو) از لحاظ لفظ و معنی به (غفور) نزدیک است، اما مفهوم مبالغه در (عفو) بیشتر از (غفور) بوده، غفور به معنی بسیار آموزنده و عفو بسیار عفو کننده و بخشنده است، در آمرزش اثر گناه از بین میرود و جزای آن بخشیده میشود اما در عفو بر علاوه آن اصل گناه محو میگردد، هم اثر گناه و هم خود گناه از بین میرود، گویا که اصلاً ارتکاب نشده است. این نام مبارک در جمله اسماء الله الحسنى به صورت مکرر در قرآن کریم ذکر شده و خداوند متعال فرموده است: (إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوا أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا) - النساء - ۱۴۹ - اگر نیکی را آشکار یا پنهان کنید یا از بدی (دیگران) گذشت نمائید، پس یقیناً "الله بسیار عفو کننده، بسیار توانا است (بخشش را در کمال قدرت دوست دارد).

(إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ - الحج - ۶۰ - همانا الله بسیار عفو کننده، بسیار آمرزنده است)

(وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ - المجادلة - ۲ - وبدون شک الله بسیار بخشنده و بسیار آمرزنده است)

از مظاهر عفو پروردگار عفو برای صاحبان عذر در عبادات و مکلفیت های شرعی در وضو، در نماز، در روزه و حج به کثرت دیده می شود و هیچ تکلیف شرعی بالاتر از توان بنده وجود ندارد.

الله بخشنده مهربان بنده گناهکار را که در خفا مرتکب معصیت شده باشد رسوا نمی سازد و ساحة توبه و برگشت همیشه باز است، الله متعال از ان بندگان مؤمن خود در سیاق مدح یاد میفرماید که از پروردگار شان عفو می خواهند و از زبان قرآن کریم چنین دعا می کنند: (وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا

فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ - البقره - ۲۸۶ - وبما عفو بفرما و ما را ببخش وبما رحمت عنایت کن، تویی

مولای ما، پس ما را بر گروه کافران یاری بخش)

ام المؤمنین عایشه صدیقہ - رضی الله عنها - از رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - پرسیدند: در شب قدر چگونه

دعا کنیم؟ فرمودند بگوید: (اللهم انک عفو تحب العفو فاعف عني) - الهی تو بسیار عفو کننده ای، عفو و

بخشایش را دوست داری، پس مرا عفو بفرما) چه خوب است اگر این دعا همیشه بر زبان ما باشد: اللهم انک

## الله (جل جلاله)

### الرؤوف

(۸۳)

(رؤوف) یکی از اسماء الله الحسنی است که الله متعال آنرا بخود پسندیده و بارها در قرآن کریم ذکر فرموده است. رؤوف به مفهوم مبالغه در رأفت به معنی رحمت و شفقت و مهربانی است، رؤوف و رحیم در عین معنی وارد شده و برخی از دانشمندان مبالغه رأفت در رؤوف را نسبت به مبالغه رحمت در رحیم بیشتر میدانند و برخی رأفت را نسبت به رحمت حالت خاص لطف و عنایت پروردگار گفته و رحمت را لطف و مهربانی عام خداوند گفته اند. اسماء الله الحسنی - دکتر عمر سلیمان الاشقر - به نقل از النهایه - ابن الاثیر - و شأن الدعاء - الخطابی. در آیات قرآن کریم نام و وصف (رؤوف) غالباً "مقارن (رحیم) وارد شده و اینهم دلیل قرب معنی در میان هردو اسم از اسماء الله الحسنی است: (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ - البقره - ۱۴۳ - والله متعال ایمان شما را ضایع نمی سازد، به تحقیق الله به مردم (مؤمنان) بسیار بخشاینده، مهربان است). (والله رؤوفٌ بِالْعِبَادِ - البقره - ۲۰۷ - والله بر بندگان (خود) بسیار مهربان است) (إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ - النحل - ۷ - بدون شک پروردگار شما بسیار بخشاینده، مهربان است). مظاهر رحمت و لطف پروردگار رؤوف و رحیم برای بندگانش بیحد و حصر است، در عالم خلقت و کائنات، در عطایا و نعمات و در تسخیر زمین و فضا به استفاده انسان، در اموال، اولاد، ارزاق، قدرت تفکر و تعقل و کسب و نشر دانش و امثال آن و همچنان در دفع اضرار و اخطار و جلب منافع و تحقیق مصالح بندگان آثار رأفت و رحمت پروردگار بر بندگان همواره نمایان است و هر انسان آنرا بچشم می بیند و در جسم و جان و قلب و فکر احساس می نماید. ایمان و عقیده به رأفت و رحمت پروردگار رؤوف و رحیم لذت عبادت و اطاعت الله متعال را دو چندان میسازد و بنده مؤمن از لغزش و اشتباه و تقصیر در بندگی و عبادت با امید و اطمینان کامل در پناه رأفت و رحمت پروردگارش قرار می گیرد

قرآن کریم التجا و نیاز ببارگاه الله رؤوف و رحیم را از طریق این دعا که هر بنده به آن احتیاج دارد تعلیم داده است: (رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رُؤُوفٌ رَّحِيمٌ - الحشر - ۱۰ - ای پروردگار ما! ما را و برادران ما را که پیشتر از ما ایمان داشته اند ببخشای و در دلهای ما هیچ نوع کینه و بد بینی نسبت به مؤمنان راه مده - پروردگارا! تو رؤوف، دارای رأفت فراوان، رحیم صاحب رحمت زیاد هستی. )

## الله (جل جلاله)

### الغنى

(۸۴)

(الغنى) یکی از اسماء الله الحسنی است و الله متعال نه فقط این نام نیکو را بخود پسندیده و بارها در کتاب کریم خود آنرا ذکر فرموده است بل بندگان خود را امر میفرماید که این نام را بشناسند و بدانند، مانند این آیه کریمه (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ -البقره-۲۶۷- و بدانید که بدون شک الله بی نیاز، ستوده و شایان ستایش است) اصطلاح (غنی) به شخص ثروتمند که ب دیگران احتیاج نداشته باشد یک مفهوم نسبی و اصطلاح مجازی است اما (غنی) بحیث نام و وصف الله متعال به معنی بی نیاز مطلق که هیچ نوع احتیاج به هیچ چیز و هیچ کسی ندارد و بل تمام خلایق به او (جل جلاله) محتاج اند، بی نیاز مطلق در ساحت مخلوق وجود ندارد و غنی و فقیر و هر طبقه انسان در حیات اجتماعی بهم احتیاج دارند و در مجموع همه محتاج پروردگار جهان ها می باشند، و تنها رب العالمین غنی و بی نیاز ذاتی است، چنانکه بنده نیاز مند ذاتی و ذاتا "محتاج خلق شده است.

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ - فاطر-۱۵- ای مردم! شما فقرا و نیازمندان (در همه احوال) به الله متعال هستید و الله خود بی نیاز، ستوده است) بنده محتاج پروردگار خود است و پروردگار بی نیاز مطلق و به هیچ چیز به شمول عبادات بنده احتیاج ندارد: (لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ -الحج-۶۴- آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ملک الله است و بدون شک تنها الله بی نیاز و شایان حمد و ستایش است)

احتیاج بنده به پروردگارش در رزق و مال و اولاد و صحت و هدایت و مغفرت و همه نیکی های دنیا و آخرت و دفع ضرر و مصیبت و نجات از آتش دوزخ بنده را و میدارد تا در کسب رضای پروردگار با ایمان و عقیده راسخ بکوشد و اوامر و نواهی الهی را در امتثال و اجتناب جدا "مورد توجه داشته باشد، اعطای همه نعمت ها به تمام مخلوق یک سر سوزن از ملک الله کم نمی کند چنانکه گناه و تمرد همه انسان ها برابر یک سر موی به الله ضرر ندارد - خوب و بد به مخلوق تعلق می گیرد و ایمان به بی نیازی الله و اینکه او تعالی غنی مطلق و قابل حمد و ستایش است بنده را همواره متکی به لطف و عطای پروردگارش میسازد و احتیاج بنده به بارگاه الهی مانع غرور و تکبر او گردیده و سر بندگی و نیاز او همیشه به پیشگاه بی نیاز او تعالی فرود می آید. و این دعای رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را می آموزد و صادقانه تکرار می کند: (اللهم لا اله الا أنت، أنت الغني ونحن الفقراء)



## الله (جل جلاله)

النور

(۸۵)

(النور) در جمله اسماء الله الحسنی به مفهوم (الله نور آسمان ها و زمین و روشنی جهان هستی) است. در تفسیر (النور) علمای علوم قرآن کریم سه نوع تعبیر دارند:

۱- الله نور است، نور کامل و مطلق که به هیچ نوع انوار قابل مقایسه نمی باشد، نور الله رمز وجود و بقا و ظهور است، الله آشکار و ظاهر است و هر قلب آگاه و عقل متفکر آنرا احساس می کند و آثار روشن آن از هیچ چشم بینا پوشیده نیست.

۲- الله، نور بخش است. و جهان هستی را به نور حسی و معنوی روشن ساخته است، او تعالی خالق نور و مصدر نور و مدبر استفاده و توزیع و سیر انوار فیزیکی آفتاب و مهتاب و ستارگان، و انوار معنوی ملائک و پیامبران و کتب آسمانی می باشد.

۳- نور الله، هدایت و وحی و تدبیر او تعالی است که در روشنی آن جهان هستی انتظام میابد، آیات روشن وحی الهی و تعلیمات ادیان آسمانی و بالخاصه خاتم ادیان و هدایات خاتم کتب آسمانی (قرآن کریم) انسان را از تاریکی جهالت و گمراهی بروشنی علم و هدایت میرساند.

برخی از اسناد و دلائل این تعبیرات به ارتباط اسم مبارک (النور) عبارت اند از:

الف: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - النور - ۳۵ - الله، نور آسمان ها و زمین است)

(وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا - الزمر - ۶۹ - و زمین به نور پروردگارش روشن گردید.)

ب: در حدیث متفق علیه (صحیح بخاری و صحیح مسلم) ابن عباس - رضی الله عنهما) روایت نموده است:

رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در قیام نیم شب چنین دعا میکردند: (اللهم لك الحمد، انت رب

السموات والارض، لك الحمد، انت نور السماوات والارض - ای الله! حمد و ستایش برای تو است، تو

پروردگار آسمان ها و زمین هستی، حمد و ستایش برای تو است. تو نور آسمان ها و زمین هستی)

در دعای معروف رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در بازگشت از سفر پر مشقت طائف این عبارت وارد شده است:

(أعوذ بنور وجهك الذي أشرقت له الظلمات و صلح عليه أمر الدنيا و الآخره أن يحل علي غضبك، أو أن ينزل

بی سخطك - به نور روی تو که همه تاریکی ها بآن میدرخشد و کار دنیا و آخرت به آن آراسته گردد، پناه

میجویم، تا مبادا خشم تو بر من فرود آید و یا قهر تو مرا فرا گیرد)

آیه کریمه (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) در عین حالی که نام مبارک (نور) را بحیث وصف قائم بذات الله متعال افاده می کند، مفهوم نور بخش و نور دهنده آسمان ها و زمین را نیز میرساند و همچنین هدایت و رهنمائی اهل آسمان ها و زمین بنور مبارک صاحب نور و خالق نور و بخشنده نور و مصدر تمام انوار، الله متعال صورت میگیرد. در صبح عودت از اسراء و معراج رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از آنحضرت پرسیدند: هل رایت ربک؟ آیا پروردگارت را دیدی؟ فرمودند: رایت نورا" - نور را دیدم.

با ایمان کامل به (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) به نور رحمت و هدایت پروردگار مهربان پناه می بریم تا دلهای ما را از ظلمت جهل و گمراهی و گناه پاک بسازد و به نور هدایت و عنایت الهی منور بگرداند.

آمین یا رب العالمین.

## الله (جل جلاله)

### الهادی

(۸۶)

(الهادی) یعنی هدایت کننده و راهنما یکی از اسماء الله الحسنی و نام های مبارک الله متعال است، صفت هدایت و رهنمود در قرآن کریم به دو مفهوم و دو نوع مصدر هدایت وارد شده است:

یکی هدایت به مفهوم دعوت و ارشاد و بیان راهای خیر و تطبیق قواعد (امر بالمعروف و نهی از منکر) است که این ساحة (هدایت) به پیامبران و پیروان شان و دانشمندان و اولیای امور بندگان تعلق می گیرد، در رأس این هدایتگران خاتم پیامبران رسول اکرم (محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم) قرار دارند، در مورد این رسالت خداوند متعال خطاب به رسول الله (ص) فرموده است: (وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - الشوری - ۵۲) و بدون شک تو (ای پیغمبر!) حتماً مردم را به راه راست هدایت می کنی).

قرآن کریم از زبان ابراهیم (علیه السلام) حکایت می کند که به پدر بُت پرست خود گفته بود (فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا - مریم - ۴۳) پس مرا پیروی نما تا ترا براه راست هدایت کنم).

کتب آسمانی هر کدام و مخصوصاً "قرآن کریم کتاب هدایت بشری است (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا - الاسراء - ۹) مسلماً" این قرآن مردم را به راهی که مستقیم ترین و استوار ترین است هدایت می کند، و به مؤمنانی که اعمال صالحه انجام میدهند مژده میدهد که برای آنها پاداش بزرگی خواهد بود) اما مفهوم خاص و کامل هدایت همانا هدایت خالق هدایت گران و صاحب کتب آسمانی الله متعال و هادی حقیقی است (وَإِنَّ اللَّهَ هَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - الحج - ۵۴) و یقیناً "الله هدایت کننده مؤمنان براه راست است)

هنگامیکه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از گمراهی قوم خود و اینکه احکام قرآن را کنار گذاشته اند بیارگاه پروردگار به لهجه شکوه یاد می کنند، الله متعال میفرماید: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى

بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا - الفرقان-۳۱- واینچنین برای هر پیغمبری دشمنی از جمله مجرمین قرار داده ایم (این سنت الهی است که به منظور امتحان و تفریق خیر و شر، پیامبران دشمنانی میداشته باشند و تو ای محمد(صلی الله علیه وسلم) در برخورد با دشمنان تنها نیستی) و همین کافی است که پروردگارت راهنما و مددگار تو است)

هدایت مخصوص الله- سبحانه و تعالی- که صفت خاص اوتعالی است و هیچ مخلوقی نمیتواند آنرا داشته باشد، آن هدایت است که با خلق اجزای کائنات هر جزء آفرینش را برسالت و وظیفه ای که خلق شده است هدایت میفرماید، این مطلب درین آیه کریمه منعکس گردیده است: (قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى - طه- ۵۰- (فرعون باتکبر و غرور از موسی علیه السلام و برادر شان هارون علیه السلام پرسید: پروردگار شما کیست؟ موسی ع گفت: پروردگار ما آن ذاتی است که به همه چیز آفرینش بخشیده است، سپس(هر پدیده خلقت را به منظوری که خلق شده) هدایت فرموده است)

الله (الهادی) ایمان را در قلوب مؤمنان خلق می کند، سپس بندگان مؤمن را به مقتضای ایمان راهنمایی میفرماید، آنگاه وظیفه بندگان است که اراده و استعداد شانرا مطابق هدایت فطری و تشریعی الله متعال براه راست سوق میدهند و هدایت میابند و یا به انحراف میروند و گمراه میگردند(مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا - الکهف-۱۷- هر که را خداوند هدایت بفرماید پس او (واقعا") هدایت یافته است و هر که را( در اثر سوء اختیار و اراده منحرف خودش) گمراه نماید هرگز سرپرست و راهنمایی برای او نخواهی یافت)

حمد و ستایش خاص برای پروردگار هادی و حافظ و مهربان است که خواستن هدایت را از مالک هدایت ورد زبان بندگان مؤمن ساخته و هر باری که بنده مؤمن به پیشگاه پروردگارش می ایستد در هر رکعت نماز در ضمن سورۃ روح بخش فاتحه(اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) می گوید.

اللهم اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

آمین

## الله (جل جلاله)

### البدیع

(۸۷)

(البدیع) از نظر لغت عربی به معنی فاعل (المبدع) مفهوم پدید آورنده اشیا بدون نمونه قبلی را افاده می کند، نوآور و مخترع که به تنهایی و بدون اشتراک غیر پدیده جدید ایجاد نماید (مبدع) و نو آفرین گفته میشود.

این مفهوم به صورت کامل و مطلق و بی مثال و بی شریک وصف آفرینش آفریدگار حقیقی و مبدع آسمان ها و زمین و کائنات محسوب میگردد، به همین منظور (البدیع) از جمله اسماء الله الحسنى و از نام های مبارک الله متعال است و قرآن کریم آنرا بیان داشته است: (بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ -البقره- ۱۱۷) (او تعالی) آفریدگار آسمان ها و زمین است، و هنگامیکه فرمان پیدایش چیزی را صادر نماید فقط به او میگوید: موجود شو، پس موجود می شود) و نیز آیه مبارکه دیگری میفرماید: (بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ -الانعام- ۱۰۱) (او تعالی) ذاتی است که آسمان ها و زمین را (از عدم) به وجود آورد چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد در حالیکه او همسری نداشته است، و همه چیز را او آفریده است و او (تعالی) به همه چیز دانا است) دلایل ابداع و آفرینش بلا مثال سابق در همه خلایق و در همه اجزای کائنات مشهود است. آسمان ها و زمین و انسان و فرشتگان و جن و سائر اجزای کائنات فقط یک آفریدگار مبدع دارد و همه را او تعالی به قدرت کامل و مطلق خود از نیستی به هستی آورده است، داشتن فرزند بدون همسر ناممکن است و فرزند و همسر باید هم جنس پدر و شوهر باشند که این مفاهیم در مورد الله یگانه و یکتا و بی مثال و بی شریک ناممکن و دور از تصور است و آیه کریمه قبل الذکر چنین مزاعم باطل مشرکین را رد نموده و توحید خالق بدیع و پروردگار عالم هارا تأکید می نماید. ایمان و اعتقاد به خلاقیت بی مثال الله متعال از لوازم توحید و عقیده به وحدانیت او تعالی است. بنده مؤمن هنگام تفکر در آفرینش خودش و در ایجاد پدیده های وجود و خلقت آسمان ها و زمین و آفتاب و مهتاب و ستارگان بخوبی دریابد که این همه مظهر ابداع و ایجاد خالق مبدع و رب العالمین است که به قدرت مطلق و کامل و بفرمان (کن فیکون) جهان هستی را بوجود آورده است.

فتبارک الله احسن الخالقین.

## الله (جل جلاله)

### النصير

(۸۸)

(النصير) مبالغه (الناصر) به معنی کمک کننده و مددگار از جمله اسماء الله الحسنی و نام های مبارک و نیکوی الله متعال است و به صورت مکرر در آیات قرآن کریم ذکر یافته چنانچه خداوند کریم میفرماید: (فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ - الانفال - ۴۰) پس بدانید، بدون شک الله یار و حامی شما است، چه بهترین یار و سرپرست و چه بهترین کمک کننده و مددگار).

و نیز فرموده است: (وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ - الحج - ۷۸) و به الله (دین الله) چنگ بزنید. او (تعالی) حامی و سرپرست شما است، پس چه بهترین یار و سرپرست. و چه بهترین کمک کننده و مددگار) تعاون و همکاری و کمک میان مخلوق و افراد بشر نیز موجود و مطلوب است اما این کمک و همکاری میان محتاج و محتاج و یا کمتر محتاج و زیادتر نیازمند صورت می گیرد، انسان و مخلوق بی نیاز وجود ندارد، همه فقیر و نیازمند و تنها پروردگار، غنی و بی نیاز است (وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ - ۳۸ - سوره محمد - والله بی نیاز است و شما فقراء). قرآن کریم موارد زیادی از نصرت و کمک الله - عزوجل - را برای پیامبران و مؤمنان در مواقع مشکل و دشوار بیان نموده است، در غزوه (بدر) تعداد کمی از مسلمین در برابر لشکر بزرگ مشرکین و کفار قرار گرفتند و به نصرت و مدد الهی فتح بزرگ نصیب مسلمین گردید.

در غزوه (حنین) بعد از فتح مکه مسلمان ها به فتح و کثرت عدد شان احساس غرور کردند و به نصرت الهی اتکاء نمودند نخست به شکست مواجه شدند و بعد از گرفتن درس غرور و مراجعه به اتکا و نصرت خداوند دوباره به فتح بزرگ نایل شدند.

در مسائل جنگ و صلح و امور زندگی، انسان به بذل جهد و مساعی کامل و تهیه و سائل واسباب بعد از اراده جازم

مكلفیت دارد و بالاتر ازین امور به توکل و اتکاء به قدرت و نصرت الهی نیز محتاج است و کمک حقیقی و بزرگ فقط از جانب پروردگار مددگار میسر شدنی است و بس (وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - آل عمران - ۱۲۶ - وپیروزی و نصرت جز از جانب الله نیست)

در جمله مثال ها و مواقف زیادی از مدد و نصرت الله متعال قرآن کریم بندگان مؤمن را به طلب نصرت از بارگاه پروردگار توجیه و ارشاد میفرماید و از دعا های قرآنی یکی این دعا است که همیشه به آن احتیاج داریم: (رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ - ختم سوره بقره - ای پروردگار ما! بردوش ما منه آنچه که در توان ما نباشد، و بما عفو فرما و مارا به بخش و بما رحمت عنایت کن، توئی مولای ما . پس مارا بر گروه کافران یاری بخش)

## الله (جل جلاله)

### الوارث

(۸۹)

(الوارث) بحیث نام و وصف مبارک الله متعال به صورت مکرر در قرآن کریم ذکر شده است. معنی وارث بازمانده و باقی بعد از گذشته و فانی و به ارث گیرنده املاک فانی توسط باقی می باشد، و از آنجا که مالک حقیقی آسمان ها و زمین و تمام کائنات الله - جل جلاله - است و یک قسمت از املاک خود را از طریق استخلاف به بندگان خود عنایت فرموده و بندگان آنرا در میان خود به توارث و تناقل طرف استفاده و استملاک قرار داده اند، و چون در پایان زندگی تمام خلایق فنا پذیر است و هیچ مخلوق باقی نمی ماند و یگانه باقی و دائم، خالق آسمان ها و زمین و انسان و جن و ملک و تمام کائنات می باشد، از آنرو همه انواع میراث و همه املاک به مالک حقیقی برمیگردد و یگانه وارث جهان، یگانه باقی، الله (ذو الجلال و الاکرام) خواهد بود.

در برخی از آیات کریمه که صفت (وارث) به الله متعال تعلق گرفته است: (وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ - الانبیا - ۸۹) و (بیاد آور) زکریا - علیه السلام - را، هنگامیکه پروردگارش را ندا کرد (و گفت): پروردگارا! مرا تنها مگذار (و به من فرزندی عنایت کن تا وارث من در تبلیغ دعوت باشد و در غیر آن هم باکی نیست) در حالیکه تو بهترین وارثانی)

(وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ - الحجر - ۲۳) و به تحقیق ما هستیم که همانا زنده میگردانیم و میمیرانیم و ما وارث (یگانه باقی و مالک جهان) می باشیم).

عقیده به اینکه تمام هستی فنا پذیر است و مالک اصلی جهان خالق هستی و پروردگار جهان می باشد، بنده باید بداند، آنچه که از مال و متاع در دست او است چند روزی امانتی بیش نیست، نظام مالک اصلی آن مال و متاع باید رعایت شود و حقوق و واجبات مربوط به آن ادا گردد.

در غیر آن هرگاه صاحبان اموال و املاک در کسب و استعمال آن قصور و تخلف داشته باشند و در حقوق بینوایان و مدارک خیریه بخل ورزیده باشند، وعید شدیدی درین آیه کریمه متوجه آنها است: (وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ



يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ - آل عمران - ۱۸۰ - و نه پندارند آنانکه بخل میورزند نسبت به آنچه که  
خداوند از لطف خویش به آنها عطا فرموده است که این بخل به خیر آنها خواهد بود بلکه آن وسیله شر و بزیان  
ایشان است، در روز قیامت آنچه که دران بخل ورزیده اند طوق گردن شان گردد، و میراث آسمان ها و زمین خاص  
به الله متعال تعلق می گیرد و الله به آنچه انجام می دهید آگاه است).

## الله (جل جلاله)

### الصادق

(۹۰)

(صادق) به معنی راست، راستگو و راست کار در قرآن کریم در محل مدح و ستایش بحیث وصف اخلاقی خجسته و نیک برای پیامبران، مؤمنان و بندگان محبوب خداوند ذکر شده و از پاداش نیکوی صدق و راستی در آخرت نیز توصیف به عمل آمده است.

الله متعال میفرماید: (هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ - المائدة-۱۱۹- این روزی است که راستی راست گویان به آنها منفعت می بخشد، برای آنها باغهایی است که از زیر درختان آن جوی ها جاری است، دران جاودانه میمانند، خداوند از آنها راضی است و آنها از پروردگارشان خوشنود اند، این رستگاری بزرگ است)

درمقابل و ضد صادق و صدق کاذب و کذب است که لعنت خداوند در برابر آن وارد شده است. اما (صادق) و همچنان (اصدق) به معنی صادق ترین بحیث نام و صفت الله متعال نیز چند بار در قرآن کریم ذکر شده و از جمله خداوند میفرماید: (ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ - الانعام-۱۴۶- به این حکم ما آنها را بخاطر ظلم و تجاوزی که مرتکب شده اند مجازات نمودیم و البته ما (در همه احکام و اخبار) صادق بوده ایم)

( وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا - النساء-۸۷- وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا - النساء-۱۲۲) و کیست که در حدیث و در گفتار از الله صادق تر باشد؟ (قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا - آل عمران-۹۵- بگو (ای پیغمبر!) الله راست فرمود، پس از آئین ابراهیم پیروی کنید که حق و راست است)

قول الله - وعده الله - حکم و خبر الله همه راست و حق است و هیچ شائبه و ذره ای از شک دران نیست، اوتعالی مالک الملک و احکم الحاکمین است، همه هستی و خلقت از او و در تصرف او است، اوتعالی اصدق القائلین است و صادقان را دوست دارد. هنگامیکه آیاتی از کتاب الله تلاوت می کنیم و در انجام هر ذکر از قول خداوند بر زبان ما این شعار ایمانی جاری میگردد: ( صدق الله العظيم) راست فرمود الله بزرگ.

## الله (جل جلاله)

### الجامع

(۹۱)

اسم (الجامع) به معنی جمع کننده و گرد آورنده خلائق در روز قیامت بحیث نام و صفت الله متعال در قرآن کریم ذکر شده است، مانند این آیات مبارکه:

(رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ - آل عمران - ۹ - ای پروردگار ما! بی شک که تو همه مردمان را باهم جمع کنی برای روزی که در آن هیچ شبهه نیست (روز قیامت) الله هرگز خلاف وعده نمیکند) (إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا - النساء - ۱۴۰ - یقیناً خداوند منافقان و کافران را باهم یکجا در دوزخ جمع خواهد کرد)

در روز قیامت یا روز آخرت و یا روز جزا که بدون شک آمدنی است و عقیده به حقانیت آن و اینکه الله متعال به قدرت کامل خود همه را در آن روز جمع می کند و از همین رو آن روز به (یوم الجمع) نیز یاد شده است، اعتقاد به آن روز یکی از ارکان شش گانه ایمان است (ایمان به الله - عز وجل - و فرشتگان او، و کتاب های او، و پیامبران او و روز آخرت، و قضا و قدر الله) انکار از هر کدام این ارکان ایمان شخص را از دایره ایمان خارج می سازد. از جمله نام های روز آخرت یکی (یوم الحساب) است، و اصل (بعث بعد الموت) یعنی زنده شدن بعد از مرگ به منظور حساب اعمال بندگان و نتایج زندگانی فانی دنیوی و اثبات حجت در میزان اعمال و سرنوشت مجازات و پاداش نیک بندگان در حیات دایمی اخروی می باشد.

هنگامیکه به امر الله متعال و جامع بندگان اجسام از بین رفته مردگان و ارواح جدا شده از ابدان آنها بهم یکجا و دوباره زنده می شوند در میان آنانکه از میان قبور بر میخیزند و کسانی که حریق شده اند و یا غریق بوده اند و یا در هوا و زمین تلف شده اند هیچ تفاوتی نیست و همه به رستاخیز گرد آورده می شوند، در این مورد خداوند میفرماید:

(أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - البقره - ۱۴۸ - هر کجا باشید، الله همه شما را باهم جمع می کند، بدون شک الله به همه چیز توانا است).

## الله (جل جلاله)

### الكافی

(۹۲)

(الكافی) به معنی کفایت کننده و بسنده در هر امری که خواسته باشد و (کافی) بحیث نام و وصف الله متعال در قرآن کریم وارد شده و خداوند فرموده است: (أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ - الزمر - ۳۶ - آيا الله ( به حفظ و نصرت و حمایت) بنده اش کافی نیست؟)

چنین روش استفهام (آلیس؟) برای تأکید اثبات است به این معنی که بدون شك الله حتما " به مدد و حفاظت و حمایت بنده اش کافی است، زیرا الله به احوال بنده اش آگاه است، نیاز بنده اش را میداند، او تعالی بی نیاز است، بخیل نیست، محتاج نیست، احتیاج و نیاز بنده اش خزانه رحمت و نعمت او را کم نسازد، او بر همه چیز قادر و توانا است. مراد از ( بنده اش) در آیه کریمه رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - و سائر بندگان الله است. هر بنده که بندگی و عبادت پروردگارش را انجام میدهد و به او تعالی اعتماد و توکل می نماید و به عهد (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - خاص ترا می پرستیم و خاص از تو یاری میجویم) پابند است و به آن ایمان دارد، الله برای او بس است و سعادت و موفقیت دنیا و آخرت او در دست رحمت و عنایت پروردگار است.

کفایت و بسندگی الله متعال به حمایت و رعایت و نجات بنده اش در وقائع تاریخی زندگانی پیامبران و بندگان مؤمن مثال های بارز و متعدد دارد. آتش سوزان برای ابراهیم - علیه السلام - سرد و منبع آرامش میگردد، برای موسی - علیه السلام - و قوم شان در میان بحر راه نجات باز می شود و لشکر فرعون دران غرق می شوند - در غزوات رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرشتگان به امر پروردگار فرود می آیند و لشکر اسلام را حمایت می نمایند و دشمنان شانرا شکست میدهند.

الله متعال پیامبر محبوب خود محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - را اطمینان میدهد که در صورت اعراض دشمنان از ایمان به الله و رسول او پروردگارش به حمایت او کافی است (فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - البقره - ۱۳۷ - پس الله (به حمایت و یاری) تو کافی است و او تعالی شنوا، دانا است)

## الله (جل جلاله)

### المستعان

(۹۳)

(المستعان) از مصدر (الاستعانه) گرفته شده و استعانت به معنی عون و معاونت و مدد و یاری خواستن است و (مستعان) یگانه مرجع استعانت و ذاتی که بنده از وی یاری میخواهد و نیاز مند مدد و معاونت او است، به همین مفهوم اسم (المستعان) در قرآن کریم وارد شده الله متعال و مستعان میفرماید: (قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ - الانبياء - ۱۱۲) - پیغمبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - در برابر کسانی که دعوت و رسالت اسلام را قبول نکردند خطاب عاجزانه به پروردگار نمود و گفت: پروردگارا! (در میان ما و اینها) بحق داوری و حکم فرما، و پروردگار ما بسیار مهربان است، در برابر آنچه که شما بیان میدارید تنها از او تعالی استمداد و یاری خواسته میشود)

آیه کریمه (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) در سوره مبارکه فاتحه ورد زبان و قوت قلب هر مؤمن است و بنده مؤمن ایمان دارد که یگانه معبود بحق و مستعان مطلق پروردگار عالم ها است

هر بنده در حیات خود و در امور زندگانی خود به وقایع و مسائلی مواجه میگردد که در تسهیل و اجرای آن به کمک و معاونت ضرورت دارد، یگانه مددگار و دستگیر بنده پروردگار او است، الله مستعان دوست دارد که بنده از او تعالی مدد بخواهد و او - عزوجل - بنده را یاری نماید. قرآن کریم از زبان یعقوب - علیه السلام - در (احسن القصص) یوسف - علیه السلام - حکایت می کند: هنگامیکه اولاد یعقوب - علیه السلام - با دسیسه و دروغ خبر مرگ برادرشان یوسف - علیه السلام - را به پدرشان رسانده و گفتند: ما مصروف مسابقه بودیم و یوسف نزد سامان و لوازم ما باز مانده بود که گرگ رسیده و او را خورده است، یعقوب - علیه السلام - در برابر دسیسه و خیانت برادران یوسف - علیه السلام - گفت: ( فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ - یوسف - ۱۸ - پس (حالت من) صبر جمیل (صبر بدون ناله و فغان) است در برابر آنچه که شما ادعا می کنید الله (مستعان) یگانه مددگار است.

## الله (جل جلاله)

### المنان

(۹۴)

(المنان) مبالغه صاحب منت و احسان به معنی بسیار منت گزار، کثیر العطاء والانعام یعنی آنکه عطای وافر و انعام زیاد و احسان بزرگ دارد. المنان بحیث یکی از اسماء الله الحسنی و نام های نیک و مبارک الله متعال در حدیث صحیح سنن ابی داود و ترمذی بروایت انس بن مالک - رضی الله عنه - وارد شده است: راوی حدیث (انس رض) میگوید: بحضور رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نشسته بودیم، شخصی در حالت ادای نماز بود، بعد از نماز چنین دعا کرد: (اللهم انی اسألك بأن لك الحمد، لا اله الا أنت، المنان، بدیع السماوات و الارض، یا ذا الجلال و الاکرام، یا حی یا قیوم!) الهی! من از تو میخواهم، همانا حمد و ستایش خاص برای تو است، هیچ معبودی بجز تو وجود ندارد، تو منان (صاحب منت و احسان بزرگ هستی) خالق آسمان ها و زمین، ای صاحب عظمت و جلال و شکوه و تعظیم! ای زنده و باقی ای پاینده و دائم! رسول الله - صلی الله علیه وسلم - با شنیدن دعای آن نماز گزار فرمودند: واقعا بنام عظیم الله دعا کرد. به آن نام که الله دعا را به آن اجابت نماید و آنچه به آن خواسته شود عطا فرماید. الله متعال بر همه بندگان خود منت گذاشته و احسان نموده و صاحب فضل و انعام بزرگ و نعمت های بی شمار در نظام خلقت و در حیات انسان است، آفرینش حواس و استمدادات بشری و تسخیر کائنات برای استفاده انسان از مظاهر منت و احسان بزرگ الهی است. اسم مبارک (منان) به همین صورت و بحیث نام در قرآن کریم وارد نشده و از حدیث صحیح نبوی گرفته شده است اما مثال های منت و احسان خداوند به بندگان در موارد متعددی در کتاب خداوند ذکر شده و بزرگترین منت و نعمت و احسانی که الله متعال عنایت فرموده است برگزیدن و بعثت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - برای هدایت بشری است (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ - آل عمران - ۱۶۴) واقعا "خداوند بر مؤمنان منت گذاشت آنگاه که رسولی از خود آنها در میان آنان برانگیخت (پیغمبری) که بر آنها آیات اوتعالی را تلاوت می کند و ایشان را از آلائش گناه پاک میسازد و به آنها کتاب (قرآن، احکام و معارف شرعی) و حکمت (سنت و حقائق و معارف فکری) می آموزد. دنیای خلقت و اجزای کائنات در واقع کتاب بزرگ نعمت ها و عطایای پروردگار است که بنده از شکران یک فصل آنهم برآمده نمیتواند، بهتر آنست که همه در حد توان فرمانبر و شکر گزار

## الله (جل جلاله)

### الدیان

(۹۵)

(الدیان) که بخاطر ورود آن در حدیث صحیح رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از جمله اسماء الله الحسنی محسوب گردیده است از نظر لغت به معنی حاکم، حکم، قاضی و محاسب می باشد. بروایت امام بخاری (رح) در کتاب معروف شان (الادب المفرد) و روایت امام احمد با سند حسن و تایید و تصحیح شیخ ناصر الدین البانی محقق معروف حدیث، رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: (یحشر الله تعالی العباد او یحشر الله الناس... فینادی بصوت یسمعه من بعد، كما یسمعه من قرب، أنا الملك أنا الدیان، لا ینبغی لاحد من اهل الجنة، ان یدخل الجنة و احد من اهل النار یطالبه بمظلمه، و لا ینبغی لاحد من اهل النار ان یدخل النار و احد من اهل الجنة یطالبه بمظلمه، ... بالحسنات و السيئات). الله متعال بندگان یا مردم را (در روز رستاخیز) جمع می کند و به آوازی که دور و نزدیک آنرا می شنوند میفرماید: من پادشاه هستم، من دیان (حاکم و داور) هستم، هیچ احدی از اهل بهشت را نه شاید که داخل بهشت گردد در حالیکه یک تن از اهل دوزخ بروی مطالبه ظلم و ستم داشته باشد، و نیز احدی از اهل دوزخ نباید داخل آتش گردد در حالیکه یک تن از اهل بهشت بروی مطالبه ظلم و ستم داشته باشد... تصفیه تمام حقوق از طریق تبادل حسنات و سیئات صورت می گیرد (برای مظلوم از حسنات ظالم داده میشود، هرگاه ظالم حسنات نداشت از سیئات مظلوم بروی تحمیل میگردد). از مفهوم این حدیث مبارک و نام و وصف (دیان) بر می آید که الله متعال در روز قیامت نامه اعمال بندگان خود را که توسط فرشتگان ثبت شده است یک یک مراجعه و محاسبه میفرماید و اعمال خیر و شر و کفر و ایمان و طاعت و معصیت بندگان در میزان محاسبه الله (دیان) وزن می شود و به اساس آن پاداش هریک تشخیص میگردد (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ - الزلزله - ۷- ۸- پس هرکس به اندازه و وزن یک ذره عمل خیر انجام داده باشد (پاداش نیک) آنرا می بیند و هرکس که به اندازه و وزن یک ذره عمل شر (کاربد) کرده باشد (جزای) آنرا می بیند). در میدان عدالت و محاسبه خداوند (دیان) هیچ حق و ظلم و ستمی از هیچکس بر هیچکس باقی نمانده و نامه عمل همه در دسترس شان وجود دارد و به هرکس گفته میشود (اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا - الاسراء - ۱۴- کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سرنوشت خود را دریاب) و کافی است که امروز خودت محاسب (اعمال) خود باشی).

## الله (جل جلاله)

### الشافی

(۹۶)

(الشافی) یعنی شفا بخش و شفا دهنده از هر نوع بیماری (جسمی و روحی) یکی از نام های مبارک الله متعال است که در حدیث متفق علیه صحیح بخاری و صحیح مسلم به همین لفظ (الشافی) ذکر شده است. ام المؤمنین عائشه - صدیقه - رضی الله عنها روایت می کند: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هنگامیکه برخی از اهل شانرا در حالت مریضی عیادت میفرمودند، دست مبارک راست شانرا در محل شکایت درجسم مریض تماس میدادند و می گفتند: (اللهم رب الناس اذهب البأس، اشفه وأنت الشافی لا شفاء الا شفاؤك، شفاء " لا یغادر سقما"

الهی! ای پروردگار مردم! درد و عذاب را نابود بگردان، (مریض) را شفا به بخش، درحالیکه توشافی (شفابخش) هستی، هیچ شفای (حقیقی) نیست مگر شفای تو، آن شفا که هیچ (اثری) از بیماری بجا نگذارد.

ابراهیم - علیه السلام - هنگامیکه پروردگار خویش - سبحانه و تعالی - را ستایش نموده و آثار قدرت و رحمت او تعالی را یاد می کند می گوید: (الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ - الشعراء - ۷۸-۸۰) (پروردگار من) ذاتی که مرا آفریده است، پس او تعالی مرا (به راه راست و سعادت دارین) رهنمائی می نماید، و ذاتی که او به من غذا و آشامیدنی عنایت میفرماید (رزق و روزی من از جانب او تعالی میرسد) و هنگامیکه مریض شدم پس او تعالی مرا شفا میدهد). خداوند کریم شافی حقیقی هر نوع امراض است، شفای الله متعال مانع مراجعه به طبیب و استعمال ادویه نیست، شفا از جانب الله می آید و طبیب و دوا را الله متعال بحیث وسائل و اسباب شفا خلق نموده است.

الله - سبحانه و تعالی - قرآن کریم را برای مؤمنان شفا و رحمت نازل فرموده چنانچه آیه کریمه شماره (۹۲) سوره اسراء آنرا تأکید می نماید: (وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ - واز آیات قرآن آنچه که اوشفا و رحمت مؤمنان است نازل می کنیم). شفای پروردگار هر نوع بیماری ناشی از جهل و شرک و کُفر و نفاق و انواع امراض را از بین می برد و رحمت او تعالی وسیله آرامش و سعادت دنیا و آخرت بندگان مؤمن می باشد.

پروردگارا! مارا از چشمه شفا و دریای رحمت محروم مگردان - یا ارحم الراحمین.



## الله (جل جلاله)

### المحسن

(۹۷)

(المحسن) در جمله نام های مبارک الله متعال بخاطر ذکر آن در حدیث صحیح رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وارد شده است، در (المعجم الکبیر - طبرانی) از شداد بن اوس - رضی الله عنه - روایت شده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: (ان الله محسن يحب الاحسان - بدون شک الله محسن است و احسان را دوست دارد)

در سلسله احادیث صحیح که توسط الشیخ ناصر الدین البانی جمع شده است در جزء یک حدیث صحیح ذکر شده: (ان الله محسن يحب المحسنين - به تحقیق الله محسن است و محسنین را دوست دارد). محسن که اسم فاعل از مصدر احسان است و احسان حاوی مفهوم (حسن) به معنی انجام عمل نیک بوجه احسن و یا اجرای کار نیکو به بهترین وجه گفته می شود، این مفهوم در روابط بشری و انجام وظائف و اعمال بندگان نیز در حدود توان مطلوب است و مخصوصاً "در ساحة عبادت، رسول کریم - صلی الله علیه وسلم - در تفسیر (احسان) فرموده اند (ان تعبد الله كأنك تراه فان لم تکن تراه فانه یراک - الله متعال را چنان عبادت کنی گویا که او تعالی را می بینی، پس اگر تو توان دیدن او تعالی را نداشتی متیقن باش که او - عز وجل - ترا می بیند).

وصف احسان به معنی اتقان عمل و انجام آن به بهترین وجه بدون هیچ خلل و نقصان در افعال الله - جلت عظمته - و در آفرینش او تعالی در کامل ترین صورت آن دیده می شود. الله - سبحانه و تعالی - می فرماید: (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ - السجده - ۷ - الله) آن ذاتی است که هر چه آفرید به بهترین صورت آفرید، و آفرینش انسان (اول) را از گل آغاز کرد).

(فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ - المؤمنون - ۱۴ - پس مبارک و بزرگ مقام است الله، بهترین آفرینندگان است)

الله - تبارک و تعالی - که خود محسن به معنی مطلق و کامل کلمه است و احسان او تعالی ساحة خلقت را احتوا میکند، بندگان خود را نیز به احسان امر میفرماید: (وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ - البقره - ۱۹۵ - و نیکی کنید، به تحقیق الله نیکو کاران را دوست میدارد)

## الله (جل جلاله)

### المعطى

(۹۸)

در حدیث صحیح بخاری بروایت معاویه - رضی الله عنه - رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند: (من یرد الله به خیرا یرفقہ فی الدین، والله المعطى و انا القاسم - کسیکه الله به وی اراده خیر بفرماید، او را در امور دین دانشمند بسازد، والله عطاکننده است و من قسمت کننده) یعنی الله کریم متعال عطا میفرماید، نعمت ها و عطایای مادی و معنوی و ارزاق و غنائم، خیر و فضیلت از جانب پروردگار عنایت می شود و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - پیام خداوند و طرق کسب و استفاده از عطایای الهی را به مردم میرساند.

انعام و احسان و عطای الله - عزوجل - حدود و قیود ندارد، آنچه خواسته باشد به بندگان خود عنایت فرماید، از عطای خداوند در دنیا تمام بندگان اعم از خوب و بد و از مؤمن و کافر همه بهره مند میگردند، چنانچه خداوند میفرماید: (كُلًّا تُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا - الاسراء - ۲۰ - ما هریک اینها) مؤمنان و آخرت خواهان) و سائر آنها (کافران و دنیا طلبان) را از عطای پروردگار بهره مند می سازیم، و عطای پروردگار هیچگاه (در دنیا) از کسی باز داشته نشده است)

عطا و انعام پروردگار در آخرت به مؤمنان تعلق می گیرد و کفار دران استحقاق ندارند، خداوند کریم از آنچه که در آخرت به مؤمنان تخصیص داده است در قرآن کریم ذکر فرموده و از جمله در سوره (نبا) میفرماید: (إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأَسًا دِهَاقًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا جَزَاءً مَنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا - النباء - ۳۱-۳۶ - یقیناً" برای متقیان کامیابی (رسیدن به بهشت) است، باغهای (انبوه) و انگور ها، و همسران جوان همسن و سال، و جام پر و لبریز (از شراب پاک)، در آنجا (در بهشت) سخن پوچ و بیهوده نمی شنوند و نه دروغ و دروغگوئی دران است، این پاداش از جانب پروردگار تو است و عطائی به حساب کافی و بسنده) عطای پروردگار به پیامبر محبوبش محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - تاحد خوشنودی و رضای آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - بیان شده و الله متعال میفرماید: (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى - ضحی - ۵ - و حتماً" پروردگار تو

(آنچه خواسته باشی در دنیا و آخرت) عطا فرماید تا آنکه تو خوشنود شوی) و او تعالی فرموده است: (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ - کوثر - ۱- ای محمد - صلی الله علیه وسلم - ما به تو کوثر (منزلت بزرگ، خیر و نعمت و برکت فراوان، و نهری در میان بهشت) عطا کردیم)

عطای خداوند در دنیا به همه بندگان و در آخرت به مؤمنان بی حد و حصر است و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - که خوشنودی شانرا به نجات امت شان مربوط ساخته اند و پروردگار شان در آخرت (مقام محمود) و مقام شفاعت را به ایشان وعده فرموده است ان شاء الله تمام مؤمنان از فیض شفاعت و نور رحمت آن رحمه للعالمین، بهره مند خواهند شد.

## الله (جل جلاله)

### الصبور

(۹۹)

(الصبور) مبالغه صابر به معنی بردبار و متحمل، شکیا و صبر کننده از جمله نام های مبارک الله متعال است که به دلیل حدیث صحیح رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - شامل فهرست اسماء الله الحسنی گردیده است.

بروایت ابی موسی الاشعری - رضی الله عنه - در صحیح مسلم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده اند:

(لا احد اصبر علی اذی سمعه، من الله، يجعلون له الولد وهو يعافيههم و يرزقهم - هیچ احدی بردبارتر و صبور در برابر اذیت و آزاری (که از منافقین و دشمنان به وی میرسد) و او آنرا شنیده است، بردبارتر از الله وجود ندارد، به او تعالی فرزند قرار میدهند و او (پروردگار صبور) به آنها عافیت و رزق می بخشد)

در حدیث قدسی صحیح بخاری و نسائی الله متعال میفرماید: (کذبنی ابن آدم ولم یکن له ذلک و شتمنی ابن آدم ولم یکن له ذلک - فأما تکذیبه ایای فقله: لن یعیدنی کما بدأنی و لیس أول الخلق بأهون علی من اعادته - و أما شتمه ایانی فقله: ان لی ولدا" و أنا الواحد الا حد الفرد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوًا أحد - فرزند آدم مرا تکذیب کرد و نباید چنین میکرد، و فرزند آدم مرا دشنام داد و حق نداشت چنین کند، و اما تکذیب او در مورد من این گفتار او است: (چنانکه مرا خلق کرد هرگز دوباره زنده نمی کند) درحالیکه آغاز خلقت برای من آسانتر از اعاده آن نخواهد بود - و اما دشنام او در حق من این گفتار او است:

( من فرزند دارم) درحالیکه من یگانه، یکتا، فرد، بی نیاز هستم، و ذاتی که هرگز فرزندی نژاد و هرگز زاده نشد و هیچکس به او شبیه و مانند نبوده است)

این نمونه جهالت و عناد برخی از فرزندان آدم و آن پیمانه عظمت و صبر خالق آدم و فرزندان او است، او تعالی در دنیا به دوست و دشمن انعام و احسان دارد و حتی در برابر تکذیب و دشنام بنده اش صبر می کند و بوی مهلت میدهد تا به رشد و صواب برگردد و هرگاه تا ختم زندگی به عناد و انکار ادامه بدهد خداوند در آخرت باوی حساب می کند. الله صبور چنانکه صفت صبر و بردباری را بخود پسندیده است پیامبران و مؤمنان رابه صبر و شکیبائی

امر میفرماید وصابرین را دوست میدارد.

مثال ها و موارد متعدد و مکرر به ارتباط صبر و تحمل و پاداش آن در قرآن کریم ذکر گردیده و از آنجا که زندگی انسان بعضاً "به حوادث سخت و وقایع درد ناک مواجه میگردد و یگانه وسیله مقاومت و گذشت از مصائب زندگی همانا صبر و تحمل و اتکا به قضا و قدر الهی است از آنرو صبر ثمر اجر دارد و صبر مصیبت را به نعمت تبدیل می کند. الله متعال میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) -البقره- ۱۵۳- ای مؤمنان! از صبر و نماز یاری بجوید، بدون شک الله با صابران است) یعنی در برابر وقایع مشکل و حالات امتناع از منکرات و تحمل تکالیف صبر و بردباری مشکل را آسان می سازد و نماز که بهترین عامل راحت نفس و تزکیه نفس است و نماز گزار را به پروردگارش وصل می کند و از فحشا و منکرات باز میدارد.

مجالات صبر که انسان در برخورد به آن به صبر و نماز نیاز دارد، ساحه مصایب و حوادث ناگوار و اجتناب از معاصی و گناهان و تمسک به طاعات و عبادات است و هر کدام این سه مجال مهم و بعضاً "مشکل به صبر و تحمل احتیاج دارد و الله صبور بندگان صابر خود را در این موارد کمک می نماید و آنها را دوست دارد.

مفهوم (صبر) به معنی (حلم) نزدیک است پروردگار حلیم و صبور در برابر اعمال و احوال بندگان حلیم است و صبور است با یک فرق که الله متعال بحیث حلیم بنده را می بخشد و بحیث صبور به وی مهلت میدهد و در جزای او شتاب نمی ورزد.

بنده مؤمن هنگام مصیبت و سختی به (انا لله و انا الیه راجعون) پناه می برد و با تجدید پیمان بندگی و اتکای کامل به الله متعال و ایمان به برگشت به سوی پروردگار یگانه انتخاب او (صبر جمیل) است و صبر جمیل همان صبر بدون ناله و فغان و شکوه بی امان است که قرآن کریم مثال آنرا از زبان یعقوب علیه السلام در برابر مصیبت وارده از سوء قصد برادران خائن یوسف علیه السلام در مورد آن فرزند محبوب بیان داشته است: (فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ) -یوسف- ۱۸-.

یارب یا کریم! یارب یا رحیم! ازان چشمه صبر و راحت و ازان دریای کرم و رحمت قطره ای به ما نیز عنایت بفرما- برحمتک یا ارحم الراحمین.

## عزونیاز

به بارگاه الله بی نیاز (جل جلاله)

الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات والصلوة والسلام على المبعوث هاديا و بشيرا و سراجا منيرا و رحمه للعالمين سيدنا محمد المصطفى صلى الله وسلم عليه و على آله و اصحابه اجمعين.

زبان من، قلم من، اندیشه و تفکر من، و دانش اندک و ناچیز من به هیچ صورت توان آنرا نداشت و ندارد تا ذره ای از حقوق شرح و بیان این (اسماء الله الحسنى) و بهترین نام های مبارک الله متعال را ادا کرده باشم، اسماء و اوصافی که الله (جل جلاله) خود به ذات پاک و صفات مبارک خود پسندیده و خویشان را به آن معرفی میفرماید، اسماء و اوصافی که الفاظ مبارک آن اجزاء و الفاظ آیات کریمه قرآن کریم و احادیث صحیحہ رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) بوده و اساس ایمان مارا به پروردگار ما تشکیل میدهد، این اسماء مبارک و اوصاف مقدس شامل اعجاز قرآن کریم و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم) است، پهنای معانی اسماء الله الحسنى و مقام عظمت و قدسیت آن فقط در علم ازلی ذات کبریائی الله متعال (جل جلاله) است و بس، و بنده در حالی که توان احاطه به آنرا قطعا ندارد اما در حدود توفیق پروردگار و دانش محدود خود به آن ایمان داشته و از طریق آن به پروردگار خود وصل میگردد.

تعظیم و تمجید، حمد و ثناء، ستایش و نیایش، تسبیح و تقدیس الله متعال و همچنان استغفار و استرحام و اظهار خوف و رجاء و ذکر و توحید الله - جل جلاله - به وسیله ایمان و عقیده به همین اسماء الله الحسنى و توسل به آن به بارگاه الله (جل جلاله) صورت میگیرد، اما نزدیکترین بندگان برگزیده الله متعال به پیشگاه پروردگار و در رأس آنها پیامبر اکرم محمد مصطفی (صلی الله علیه وسلم) هنگام ذکر و ستایش الله سبحانه و تعالی اظهار عجز و تقصیر میکردند، به عفو پروردگار پناه می بردند و از عذاب الهی بیم داشتند و رحمت و آمرزش الله غفور و رحیم را استدعا مینمودند.

مادر مؤمنان عایشه صدیقہ (رضی الله عنها) حدیث معروفی دارد که تمام کتب صحاح احادیث آنرا روایت نموده اند، ام المؤمنین عایشه (رضی الله عنها) میفرماید: شبی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) را در بستر خواب شان ندیدم، متوجه شدم که دستم به کف پای آن حضرت اصابت نمود و دیدم که در حالت سجود با این کلمات با

پروردگارشان راز و نیاز دارند: "اللهم انی اعوذبرضاک من سخطک و بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک ، لا أخصی ثناء"علیک ، أنت کما أثبت علی نفسک"

"الهی ای الله! من برضاء و خشنودی تو پناه می برم از غضب تو، و به عفو تو پناه می برم از جزای تو، و پناه می برم به (رحمت ) تو از (عذاب) تو، من توان ستایش (سزاوار) ترا ندارم، تو (قایم و دایم بر) آنی که خود ستایش خویشان فرموده ای، من نتوانم بر تو ثنا و ستایش بگویم، چنانکه تو خود ثنای خود گفته ای."

این عجز و نیازبهترین خلق به حضور خالق شان در دل شب و در حالت سجود بود، عین این کلمات و این عجز و نیاز را رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) ( به روایت علی بن ابی طالب رضی الله عنه) در نمازهای وتر شان تکرار میکردند.

اگر این پیمانه ناتوانی و عجز، و عذر تقصیر، و نیاز عفو و بخشایش از جانب خیر البشر و محبوب رب العالمین و انسان برگزیده و معصوم و نبی کریم و رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) که خود رحمت الهی برای جهانها بودند و الله متعال صفت (رؤف و رحیم) خود را به آن پیامبر محبوب خود عنایت فرموده است، (بالمؤمنین رؤف رحیم- التوبه-۱۲۸). اگر این نور و رحمت الله متعال به بارگاه خالق آسمانها و زمین و به پیشگاه رب العالمین سر تعظیم و عذر بر زمین میگذارد و در سجده و قیام با چنان کلمات ایمانی به رضاء و عفو پروردگار پناه می برد و در ثنا و ستایش الله متعال اظهار عجز و ناتوانی میکند، وای به حال این بنده ناچیز و ناتوان و این (عبدالستار سیرت) سراپا تقصیر و فقیر دربار مالک الملک قدیر به کدام توان، به کدام زبان، و حتی به کدام ایمان میتواند شمه ای از حقوق حمد و ستایش و تعظیم و تمجید الله ذوالجلال و بیان عظمت و قدسیت اسماء و اوصاف مبارک اوتعالی (جل جلاله) را ادا نماید؟ سبحانک ربی ما اعظم شأنک؟

آنچه که من و امثال من میتوانیم اینست که سر تسلیم و بندگی و عجز و نیاز به بارگاه الله بی نیاز فرود آوریم، و به اقتدا به پیشوای بزرگ ما رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) به عفو پروردگار از غضب اوتعالی پناه بجوئیم و توفیق الهی را از کرم و لطف الله متعال در قبول ایمان ما به الوهیت و ربوبیت و اسماء و صفات الله الرحمن الرحیم التجاء نمائیم، و آن دعا و اعتذار رسول اکرم محمد مصطفی (صلی الله علیه وسلم) را همواره نقش دلها و ورد زبان های خود داشته باشیم: "اللهم انی اعوذبرضاک من سخطک و بمعافاتک من عقوبتک و اعوذ بک منک ، لا أخصی ثناء"علیک ، أنت کما أثبت علی نفسک"

یارب یارحمن یارحیم ، یا الله یا کریم ! اگر کار من ناقص و ناچیز است به آن اعتراف دارم اما این سعی متواضع و اندک الله الحمد در پرتو انوار و فیوضات بهترین نام های مبارک و اوصاف مقدس تو به عمل آمد.

الهی دست آورد من به پیشگاه کبریائی تو عمل ناچیز من نیست بل اتکا و پناه گاه من کتاب کریم تو و اسماء مبارک توست و خالصانه آرزو دارم در سایه : **الله** لا اله الا هو الرحمن الرحیم، الغفور الکریم، الوهاب التواب، الودود الرؤف، العظیم الحلیم، و در تحت لوای رسول محبوب تو محمد مصطفی (صلی الله علیه وسلم) عزت دیدار و رضای تو نصیب من گردد.

بإذن الله ومّنه و کرمه

پروردگارا! از فیض و نور اسماء الله الحسنی و از چشمه رحمت و دریای بخشایش خود به همه بندگان که به این اسماء الله الحسنی ایمان دارند نصیب وافر ارزانی بفرما، و وعده پیامبر محبوب خود را که فرموده است: (من أحصاها دخل الجنة) در حق این بندگان مؤمن بر آورده بگردان. آمین

حسبنا الله ونعم الوکیل، نعم المولی ونعم النصیر و صلی الله وسلم علی سید الاولین و الآخیرین و المبعوث رحمہ للعالمین، سیدنا محمد و علی آلہ واصحابہ اجمعین.

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً"



فهرست برخی از مراجع:

- ۱/ قرآن کریم
- ۲/ تفسیر طبری (محمد بن جریر الطبری)
- ۳/ التفسیر المنیر (دکتور وهبه الزحیلی)
- ۴/ تفسیر نور (دکتور مصطفی خُرم دل)
- ۵/ ترجمه معانی و تفسیر مختصر ده جزء اول و جزء اخیر قرآن کریم (عبدالستار سیرت)
- ۶/ صحیح البخاری (ابوعبدالله محمد بن اسمعیل البخاری رح)
- ۷/ صحیح المسلم (امام مسلم بن الحجاج القشیری النیشاپوری)
- ۸/ صحیح الترمذی (محمد ابن عیسی الترمذی)
- ۹/ مختار الصحاح (محمد بن ابی بکر الرازی)
- ۱۰/ مجموع الفتاوی (شیخ الاسلام ابن تیمیه)
- ۱۱/ معارج القبول (ابن القيم الجوزیه)
- ۱۲/ اسماء الله الحسنی (دکتور عمر سلیمان الاشقر)
- ۱۳/ المعجم المفهرس لألفاظ القرآن لکریم (محمد فؤاد عبدالباقی)
- ۱۴/ لسان العرب (ابن منظور الافریقی المصری)
- ۱۵/ المعجم الوسیط (مجمع اللغة العربیه القاهره)
- ۱۶/ دعا و نیایش (انجنیر محمد مسعود نسیمی)
- ۱۷/ یادداشت های درسی نویسنده در سالهای تدریس در پوهنتون (جامعه ام القری) در مکه المکرمه  
از سال ۱۹۷۵ -- ۲۰۰۲ میلادی.

# فهرست

## اَسْمَاءُ الْحُسْنَى (بهترین نام های الله - جل جلاله)

### صفحه

۱	مقدمه	۱-
۲	اسماء الله الحسنى در قرآن کریم	۲-
۶	ترجمه معانی اسماء الله الحسنى	۳-
۷	تحقیق تعداد و تحدید اسماء الله الحسنى	۴-
۱۰	جدول اسماء الله الحسنى	۵-
۱۱	جدول اسماء الله الحسنى	۶-
۱۲	شرح اسماء الله الحسنى	۷-

# اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى طه - ٨

الاسماء الحسنی	صفحہ	الاسماء الحسنی	صفحہ
١- الله - جل جلاله-١٢		٢١- الفتح	٢٩
٢- الرحمن	١٥	٢٢- العليم	٣٠
٣- الرحيم	١٥	٢٣- القابض	٣١
٤- الملك	١٦	٢٤- الباسط	٣١
٥- القدوس	١٧	٢٥- الخافض	٣٢
٦- السلام	١٨	٢٦- الرافع	٣٢
٧- المؤمن	١٩	٢٧- المعز	٣٣
٨- المهيمن	٢٠	٢٨- المذل	٣٣
٩- العزيز	٢١	٢٩- السميع	٣٤
١٠- الجبار	٢٢	٣٠- البصير	٣٤
١١- المتكبر	٢٣	٣١- الحكيم	٣٦
١٢- الخالق	٢٤	٣٢- الحكم	٣٦
١٣- الباريء	٢٤	٣٣- العدل	٣٨
١٤- المصور	٢٤	٣٤- اللطيف	٣٩
١٥- الغافر	٢٥	٣٥- الخبير	٤٠
١٦- الغفور	٢٥	٣٦- الحليم	٤١
١٧- الغفار	٢٥	٣٧- العظيم	٤٣
١٨- القهار	٢٦	٣٨- الشاكر	٤٥
١٩- الوهاب	٢٧	٣٩- الشكور	٤٥
٢٠- الرزاق	٢٨	٤٠- العلى	٤٦

الاسماء الحسنی	صفحه	الاسماء الحسنی	صفحه
الاعلى	٤١-	القوى	٦١- ٦٢
المتعالي	٤٢-	المتين	٦٢- ٦٣
الكبير	٤٣-	الولى	٦٣- ٦٤
الحافظ	٤٤-	الحميد	٦٤- ٦٥
الحفيظ	٤٥-	المحيى	٦٥- ٦٦
المقيت	٤٦-	المميت	٦٦- ٦٦
الحسيب	٤٧-	الحى	٦٦- ٦٧
الجليل	٤٨-	القيوم	٦٧- ٦٧
الكريم	٤٩-	الواحد	٦٧- ٦٨
الاکرم	٥٠-	الاحد	٦٨- ٦٨
الرقيب	٥١-	الصمد	٦٨- ٦٩
القريب	٥٢-	القدير	٦٩- ٧٠
المجيب	٥٣-	القادر	٧٠- ٧٠
الواسع	٥٤-	المقتدر	٧٠- ٧٠
الودود	٥٥-	الاول	٧٠- ٧١
المجيد	٥٦-	الآخر	٧١- ٧١
الباعث	٥٧-	الظاهر	٧١- ٧١
الشهيد	٥٨-	الباطن	٧١- ٧١
الحق	٥٩-	البر	٧١- ٧٢
الوكيل	٦٠-	التّواب	٧٢- ٧٣

<u>الاسماء الحسنی</u>	<u>صفحہ</u>	<u>الاسماء الحسنی</u>	<u>صفحہ</u>
المنتقم	۷۵	۹۱- الجامع	۸۹
۸۲- العفو	۷۶	۹۲- الکافی	۹۰
۸۳- الرؤف	۷۷	۹۳- المستعان	۹۱
۸۴- الغنی	۷۸	۹۴- المنان	۹۲
۸۵- النور	۷۹	۹۵- الدیان	۹۳
۸۶- الہادی	۸۱	۹۶- الشافی	۹۴
۸۷- البدیع	۸۳	۹۷- المحسن	۹۵
۸۸- النصیر	۸۴	۹۸- المعطی	۹۶
۸۹- الوارث	۸۶	۹۹- الصبور	۹۸
۹۰- الصادق	۸۸		

عجز و نیاز بہ دربار اللہ بی نیاز

